





مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی به آثار

از استاد شهید

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: نگاهی به آثاری از استاد شهید؛

عنوان فرعی: چند نبشته در مورد آثار و شخصیت استاد شهید؛

نام پدیدآور: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد و برگ آرا: عصمت الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۴ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

یادداشت: این اثر مجموعه مقالات و سخنرانی‌هایی است که در نخستین محفل

رونمایی برخی از آثار رهبر شهید به خوانش گرفته شده بود؛

موضوع: زندگی‌نامه؛

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد؛

شمار برگه‌ها: ۲۳۶؛

قطع: رقعی؛

بها: ۱۰۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

مقدمه.....	۱۱
سخنرانی دکتر سیدمخدوم رهین؛ وزیر اطلاعات و فرهنگ.....	۱۹
سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله.....	۲۷
سخنرانی استاد محمد محقق.....	۳۵
نگاهی به: همگام خورشید.....	۴۹
در حاشیه «آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی».....	۶۱
سخنرانی میرآقا حقجو.....	۷۳
نگاهی به کتاب: چه نوع مُبارزه؟.....	۷۹
سخنرانی مولوی کمال‌الدین حامد.....	۸۹
بازتاب اندیشه‌های استاد، در کتاب خط رهبر جلد اوّل؛.....	۹۷
نگاهی به خط رهبر جلد دوّم؛.....	۱۱۵
نگاهی به خط رهبر، جلد سوّم؛.....	۱۲۷
استاد ربانی سیاست‌مدار متفاوت؛ تأملی بر اثر «سکوت وحشتناک».....	۱۵۹
نگاهی به قیام توفنده در قلب کشور؛.....	۱۶۷
د «محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت» اثر ته یوه لئوه کتنه.....	۱۷۳

نگاهی به جنبه‌های ادبی آثار استاد شهید.....	۱۸۱
قلم و زبان رهبر؛ نگارش پیراسته و بیان رسالتمند.....	۱۹۵
سخنرانی صلاح‌الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان.....	۲۰۹
دعایه؛ مولوی کفایت‌الله.....	۲۱۷
رویکردها.....	۲۲۳
تارنماهایی اینترنتی.....	۲۳۵

مقدمه

افغانستان در شامگاه ۲۹ سنبله ۱۳۹۰ شاهد شهادت مردی بود که یک عمر برای آزادی و آرام‌زیستن او مُبارزه کرد، راهروان استاد به حمدالله که - پس از شهادت او - دست به زنج شیون و زاری نگذاشتند؛ بلکه کارهایی را در مسیر بالندگی راه و اندیشهٔ استاد برداشتند، یکی از کارهایی که در این باب شد، این بود که مرکزی برای تدوین آثار رهبر شهید، توسط صلاح‌الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر خارجهٔ کشور ایجاد شد؛ تا اندیشه‌های بلند او را چنان که شایستهٔ اوست عرضه کند. الحمدلله که این کار شد و در مدت سه سال این مرکز توانست، نه اثر او و یک اثر در مورد او را تقدیم دوستداران اندیشه‌های پاک و بلند او کند و اکنون الحمدلله افزون بر این اثری که فراچنگ شماسست، سه اثر دیگری از ایشان را باز هم تقدیم جامعهٔ کتاب‌خوان خویش می‌کنیم؛ اما اثری را که شما در دست دارید، محصول نخستین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید است که در آن، این آثار استاد توسط استادان و فرهیختگان کشورمان به مُعرفی گرفته شده بود، اینک ما آن سخنان و نوشته‌ها را پس از ویرایش و تحشیه تحت عنوان: «نگاهی به آثاری از استاد شهید»، به خدمت‌تان قرار می‌دهیم.

نگاه کوتاه به ده اثر مُعرَفی شده:

۱- آموختنی‌های در مسیر انقلاب اسلامی؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:

- ◆ مسئولیت دعوت در حرکت؛
 - ◆ دعوت در داخل تنظیم؛
 - ◆ مشکلات در راه دعوت؛
 - ◆ برخورد با مشکلات؛
 - ◆ دعوت و فعالیت پیگیر؛
 - ◆ ضرورت‌ها و صفات اوّلی یک مسلمان مبارز؛
 - ◆ نیازمندی‌های عقلی و نفسی؛
 - ◆ صفات اخلاقی و سلوکی؛
 - ◆ سلوک ضروری در جریان پخش تیوری؛
 - ◆ طبیعت و خواص دعوت اسلامی؛
 - ◆ لزوم برنامه‌ریزی در جهت پیروزی هدف و آرمان.
- ۲- چه نوع مُبارزه؟ این اثر - نیز - حاوی مطالب ذیل است:
- ◆ آشنایی به مفهوم مُبارزه؛
 - ◆ خلوص نیت در مُبارزه؛
 - ◆ هوشیاری در مُبارزه؛
 - ◆ استقامت در مُبارزه.

۳- محمّد / نخستین مربی و آموزگار بشریت؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:

- ◆ محمّد / نخستین مربی و آموزگار بشریت؛
- ◆ ابوبکر > یارِ راستین پیامبر / ؛
- ◆ عمر > دوّمین فرزند مکتب دوران‌ساز و حیات‌آفرین اسلام؛
- ◆ عثمان > فداکار سنگر پرافتخار ایمان؛

♦ علی > گرانمایه‌ترین شاگرد مکتب اسلام و نخستین فدایی راه حق.

۴- سکوت وحشتناک؛ این اثر - نیز - مطالب ذیل را در خود دارد:

♦ سکوت وحشتناک در برابر فاجعه خونین ملت مُسْتَضْعَفِ افغان؛

♦ پیام به مردم مسلمان افغانستان؛

♦ داستان حلّ سیاسی.

۵- اسقلائیّت انقلاب؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:

♦ اراده مستقل؛ گوهر انسانیّت است؛

♦ هشدار از فرصت طلبان و مزدوران؛

♦ نمونه‌های از فرصت طلبی‌ها در تاریخ جهان اسلام؛

♦ وابستگی؛ آفت انقلاب‌ها؛

♦ جهاد در افغانستان؛

♦ آمریکا و جهاد افغانستان؛

♦ موقف سازمان‌های اسلامی، از جهاد افغانستان؛

♦ رهبر تراشی بیگانگان؛

♦ انقلاب ما نیازی به کفیل ندارد؛

♦ پیامدهای ناگوار وابستگی؛

♦ وابستگی سیاسی.

۶- خط رهبر جلد اول؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۹۰ رهبر شهید

است که حاوی خطابه‌های ذیل است:

♦ سخنرانی در اجلاس بیداری اسلامی؛

♦ سخنرانی در معینیت امور جوانان؛

♦ سخنرانی در کنگره مقدماتی جمعیت اسلامی افغانستان؛

♦ سخنرانی در اکادمی علوم افغانستان؛

♦ سخنرانی در شورای علمای افغانستان؛

- ◆ سخنرانی در دهمین سالروز شهادت قهرمان ملی کشور؛
- ◆ سخنرانی در مراسم فاتحه‌خوانی شهید عبدالرحمن سیدخیلی؛
- ◆ سخنرانی در مراسم تشییع جنازه شهید جنرال محمد داود داود و شاه‌جهان نوری؛

- ◆ سخنرانی به مناسبت درگذشت آیت‌الله تقدسی؛
 - ◆ سخنرانی در مراسم سوگواری احمدولی کرزی؛
 - ◆ سخنرانی در جمع مهاجرین افغان در آلمان.
- ۷- خط رهبر جلد دوم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۹ رهبر شهید، حاوی خطابه‌های ذیل است:

- ◆ سخنرانی در مورد تحولات خاورمیانه؛
- ◆ سخنرانی به مناسبت اخراج روس‌ها از افغانستان؛
- ◆ سخنرانی در ولسوالی جرم ولایت بدخشان؛
- ◆ سخنرانی در میان اعضای جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ◆ سخنرانی در همایشی تجلیل از هفتمین سالگرد قانون اساسی؛
- ◆ سخنرانی در نهمین سالگشت شهادت قهرمان ملی احمدشاه مسعود؛

- ◆ سخنرانی در اولین سالگشت شهادت داکتر عبدالله لغمانی؛
- ◆ سخنرانی در ولایت هرات؛
- ◆ سخنرانی در مهمانی نخست‌وزیر پاکستان؛
- ◆ سخنرانی در همایش نقش علمای دینی در توحید امت؛
- ◆ سخنرانی در همایش مقدماتی جمعیت اسلامی؛
- ◆ سخنرانی در سالگشت وفات امام خمینی؛
- ◆ سخنرانی در جرگه صلح؛
- ◆ سخنرانی در افتتاح سرک ولایت بدخشان؛
- ◆ سخنرانی در میان مردم تخار؛

- ◆ سخنرانی در اجلاسی در شورای علمای افغانستان؛
- ◆ سخنرانی در همایشی در جامعه مدنی؛
- ◆ سخنرانی در محفلی در ولایت کابل؛
- ◆ سخنرانی در ولسوالی یفتل پایان ولایت بدخشان؛
- ◆ سخنرانی در ولایت خوست؛
- ◆ سخنرانی در ولایت ننگرهار.
- ۸- خط رهبر جلد سوّم؛ مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۸ رهبر شهید؛
حاوی خطابه‌های ذیل است:
- ◆ سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از امام جعفر صادق > ؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید در مراسم بزرگداشت از روز عاشورا؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید در مراسم فاتحه یکی از قومندانان جهادی ولایت لغمان؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید در افتتاحیه مسجدی در بازارک ولایت پنجشیر؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید به مناسبت سالگشت شهید سیدمصطفی کاظمی؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید در همایش فراغت حافظان قرآن کریم؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید به مناسبت افتتاح یکی از مؤسسات تحصیلات عالی کشور؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید در همایش انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله؛
- ◆ سخنرانی رهبر شهید در افتتاح معهد الأزهر.
- ۹- همگام خورشید، چند نبشته در مورد رهبر شهید؛ این اثر حاوی مطالب ذیل است:
- ◆ استاد برهان‌الدین ربانی؛ متفکر و دعوتگر ستگر قرن بیست؛

◆ ریشه‌های فکری استاد و نقش او در مُعرَفی نهضت اسلامی افغانستان؛

◆ از یادها و خاطره‌های رهبر شهید جهاد، مُقاومت و صلح بردباری و دگرپذیری؛

◆ استاد ربانی فراتر از جمعیت؛

◆ شکوه جنگل؛ درنگی بر کارنامه شهید استاد ربانی؛

◆ نظر کوتاه و گذرا بر ابعاد شخصیت شهید صلح استاد برهان‌الدین

ربانی؛

◆ جلوه‌ای از تازگی‌های دانش دینی رهبر شهید G ؛

◆ استاد ربانی شهید رهبر مبارزات و محور تحولات؛

◆ شکوه عاطفه؛

◆ مُبارزه او دعوت د ارواح بنیاد استاد ربانی له نظره؛

◆ روسانو سره د شهید استاد ربانی د سولی د مذاکراتو لڼدیز؛

◆ یادواره؛

◆ استاد ربانی و نیم‌قرن مُبارزه؛

◆ سیاست خارجی دولت استاد ربانی، ۱۳۷۱ - ۱۳۸۰ هـ.ش؛

◆ اخیراً ربانی کیست و ربانیت چیست؟.

۱۰- قیام توفنده در قلب کشور؛ در مورد قیام سوّم حوت است که

در سال ۱۳۵۷ هـ.ش، در کابل به راه انداخته شده بود؛

کار ما:

البته کار ما در آثار استاد شهید این گونه است:

در گام نخست؛ پس از پیاده کردن متن نبشته و یا سخنرانی رهبر شهید از نوار، مطابق به دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح و ویرایش می‌زنیم و از آن بعد در کنار مُعرَفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات،

استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین روی کردها، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

اخیراً، از همه استادان و فرهیختگانی که به هرنحوی به ما کمکی کردند و دست‌یاری به ما دراز کردند، سپاسگزاری می‌کنیم و خداوند این همه زحمات‌شان را در میزان حسنات‌شان بیفزاید و به‌خصوص از کسانی که در این همایش رونمایی شرکت ورزیدند و علی‌الأخص از دو برادر عزیز خیرالله خیرخواه و دلاور نسیمی که در کار تدوین و تحشیه یار و یاور مرکز تدوین بودند، صمیمانه قدردانی می‌کنیم و از الله بزرگ مسئلت داریم که این همه عرق‌ریزی‌های شان را درج برگه حسنات‌شان کند.

در کل از شما خواننده عزیز هم که آهنگ خواندن این اثر را کرده‌ای ممنونیم، عزمت را می‌ستاییم و اجرت را بر خدا موکل می‌کنیم.

مرکز تدوین آثار رهبر شهید

سخنرانی دکتر سیدمخدوم رهین؛ وزیر
اطلاعات و فرهنگ

در نخستین همایش رونمایی برخی از آثار

رهبر شهید

مکان: تالار دانشگاه تعلیم و تربیه شهید

استاد ربانی

زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۳ هـ ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جناب داکتر عبدالله عبدالله!^۲ نمایندگان محترم ملت! استاد محقق!^۳ استاد اکبری!^۴ استاد قاسمیار!^۵ مهمانان محترم! دانشمندان گرامی! شخصیت‌های گرامی جهاد و مقاومت و جوانان عزیز!

امروز سه سال از شهادت استاد فقید می‌گذرد، استاد دارای شخصیت چندبُعدی بود که یکی از ابعاد شخصیت‌اش، آموزگاری بود که امروز ما به روگشایی برخی از آثارش می‌پردازیم، رونمایی که مردم عوام ما آن را روی‌نمایی می‌گویند، چیز دیگری است، در مورد کتاب، باید روگشایی گفت، نه روی‌نمایی یا رونمایی.^۶

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان.

۲. داکتر عبدالله عبدالله؛ فعلاً رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی افغانستان است.

۳. استاد محمد محقق؛ رهبر حزب وحدت مردم مسلمان افغانستان و فعلاً معاون دوم ریاست اجرائیه حکومت وحدت ملی افغانستان است.

۴. استاد محمد اکبری؛ رهبر حزب وحدت ملی اسلامی افغانستان و عضو مجلس نمایندگان است.

۵. استاد محمد اسماعیل قاسمیار؛ مشاور امور بین‌المللی شورای عالی صلح افغانستان است.

۶. رونمایی یا روگشایی؟ رونمایی از فعل نمود و نمودن به معنای آشکار ساختن می‌آید، حافظ گفته است: بر سر بام برا گوشه ابرو بنما * * * روزه‌گیران جهان منتظر ماه نوند، و گشایش از فعل گشودن به معنای باز کردن چیزی بسته است، پس روش درست در اینجا همان رونمایی است نه روگشایی، تفاوت این دو کلمه را می‌توان در یک غزل مولانا در دیوان شمس به وضاحت مشاهده کرد: «نمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست * * * بگشای لب که قند فراوانم آرزوست.» مرکز تدوین.

استاد نه تنها با قلم؛ بلکه با نیروی خطابه و بحث‌های علمی، روشنگری‌های زیادی، نه تنها در جامعه اسلامی ما کرد؛ بلکه در محیط هجرت هم، من خود شخصاً شاهد بودم که تعداد زیادی از علمای دین، دانشگاهیان، اساتید و پژوهشگران، از مناطق مختلف پاکستان،^۱ از پشاور^۲ تا پنجاب، تا سند، تا به کشمیر خدمت استاد می‌آمدند و به هدایات و ارشادات استاد گوش می‌دادند.

تعالیم استاد، نه تنها سبب بیداری اسلامی در سرزمین ما شد؛ بلکه به بیرون از مرزهای ما هم راه یافت، او خود در بیداری ما کوشید؛ ولی به دست شقاوت‌مندان، خلعت شهادت در برکرد و به خواب ابدی رفت. ای که ما را گردش چشم عقاب آموختی
دیده بیدار خود را از چه خواب آموختی^۳

استاد پیشوای جهاد و مقاومت بود و با شهادت خود ثابت کرد که نه تنها قهرمان جهاد و مقاومت و صلح بود؛ بلکه قربانی جهاد و مقاومت و صلح هم بود، استاد با خون خود استمرار آزادگی ملت ما را رقم زد، او به عنوان یک مجاهد و پیشوای مجاهدین - که مرتبتی است از پیامبر اکرم / و صالحان سلف و آنانی که در راه خدا جامعه شهادت در برکردند و به جان در این راه کوشیدند:

﴿لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا﴾^۴

۱. پاکستان؛ کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۸۴۴۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن اسلام آباد و واحد پول آن روپیه پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰.

۲. پشاور؛ پایتخت ولایت مرزی شمال غربی کشور پاکستان است، مساحت این شهر ۱۲۵۷ کیلومتر مربع است. نگاه: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، سرواژه پشاور.

۳. مطلع سروده‌ای است که آن را استاد خلیلی، بر قبر علامه اقبال لاهوری W سروده بود.

۴. بخشی از حدیث آتی است: ﴿عَنْ أَبِي مُوسَى ~ قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ / فَقَالَ الرَّجُلُ يُقَاتِلُ حِمِيَّةَ وَيُقَاتِلُ شَجَاعَةَ وَيُقَاتِلُ رَبِئَاءَ فَأَيُّ ذَلِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ مَنْ قَاتَلَ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ / (از ابو موسی اشعری ~ روایت است که گفت: مردی نزد رسول الله / آمده و پرسیدند که مردی به خاطر حمیت قومی می‌جنگد و کسی به خاطر اظهار

استاد در عصر ما یکی از همان قافله بود و طبعاً فضیلت مجاهد و آن هم قاید مجاهدین بر همه روشن است و تفاوت مجاهدین و قایدین هم. مثال کوچکی در این باب خدمت شما عرض می‌کنم: مردی بود به‌نام فُضَیل بن عیاض و این فُضَیل بن عیاض، از بزرگان عرفا و صوفیه اسلامی است، در سال اول قرن دوم هجری، در سمرقند^۱ به دنیا آمد و باز به مکه هجرت کرد و در هشتاد و چند سالگی هم در جوار خانه خدا وفات کرد و همان‌جا دفن شد، بیشترین عمر خود را به عبادت در حرم پرداخت و گاهی هم در ساحه حرمین به عبادت می‌پرداخت، در زمانی که او زندگی می‌کرد، سپاه اسلام در صفوف اسلامی و جهاد مصروف بود و در این جهاد عبدالله بن مبارک - که هم مجاهد بزرگ بود و هم دانشمند بزرگ - با جد و جهد تمام در راه خدا شمشیر می‌زد، بین این دو نفر مکاتبه بود، در نامه‌ای عبدالله بن مبارک به فُضَیل بن عیاض - یعنی به مردی که سراسری عمر خود را به عبادت در حرمین گذراند و مجاور خانه خدا بود و در جوار خانه خدا در دل خاک آرמיד، به چنین مردی - نوشت:

يَا عَابِدَ الْحَرَمَيْنِ لَوْ أَبْصَرْتَنَا
لَعَلِمْتَ أَنَّكَ فِي الْعِبَادَةِ تَلْعَبُ^۲

شجاعت ۱۱

۱. سمرقند؛ دومین شهر بزرگ ازبکستان و مرکز ولایت سمرقند است که جمعیت آن ۳۱۲۸۶۳ نفر است، سمرقند در ارتفاع ۷۰۲ متری از سطح دریا واقع است، بیشتر ساکنان این شهر فارسی‌زبان‌اند و به فارسی تاجیکی صحبت می‌کنند، سمرقند یکی از مراکز تاریخی مردم تاجیک در آسیای میانه است، در سال ۲۰۰۱ م، یونسکو این شهر باستانی را در فهرست میراث فرهنگی جهان قرار داد، این شهر با قراردادن در مرکز جاده ابریشم، پیونددهنده چین به اروپا در قدیم، دارای اهمیتی چشمگیری بوده است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۷.

۲. این مطلع همان قصیده‌ای است که حضرت ابن مبارک به فُضَیل نوشتند، متن کامل قصیده این است:

يَا عَابِدَ الْحَرَمَيْنِ لَوْ أَبْصَرْتَنَا ** لَعَلِمْتَ أَنَّكَ فِي الْعِبَادَةِ تَلْعَبُ
مَنْ كَانَ يَخْضِبُ جِيدَهُ بِدُمُوعِهِ ** فَتَحُورُنَا بِدِمَائِنَا تَتَخَضَّبُ
أَوْ كَانَ يَتَعَبُ خَيْلَهُ فِي بَاطِلٍ ** فَخَيْوُنَا يَوْمَ الصَّبِيحَةِ تَتَعَبُ
رِيحُ الْعَبِيرِ لَكُمْ وَنَحْنُ عَبِيدُنَا ** رَهَجُ السَّنَابِكِ وَالْغُبَارُ الْأَطْيَبُ
وَلَقَدْ أَتَانَا مِنْ مَقَالِ بَنِيْنَا ** قَوْلٌ صَحِيحٌ صَادِقٌ لَا يُكَذَّبُ

(ای کسی که در دو حرم به عبادت نشست، اگر بدانی که ما در چه حال هستیم، آن وقت می‌دانی که تو با عبادت بازی می‌کنی.)
یعنی این است مرتبتی کسی که در راه اعلام نام خدا و در راه برتری نام پروردگار دست به جهاد می‌آزد؛ تا چه رسد به قاید مجاهدین.
من خاطرات زیادی از استاد فقید دارم، یکی پیش از آغاز دور نوین حیات ملی ملت ماست، آخرین خاطره‌ای که از آن زمان دارم، در فرخار^۱ بود و آن زمانی بود که قهرمان ملی احمدشاه مسعود - رحمه‌الله‌علیه رحمة واسعة - و استاد فقید از استاد عبدالله نوری^۲ و رئیس‌جمهور تاجیکستان^۳ امام علی رحمان را برای مذاکرات صلح دعوت کرده بودند که اتفاقاً من هم همان‌جا بودم، استاد و آمر شهید مرحوم، از من هم خواستند که باشم، سحرگاهی اولین روز؛ یعنی وقتی که شب گذشت و سحرگاهی اولین روز در نماز صبح که استاد عبدالله نوری - و یا یکی دیگری از علما - جماعت می‌داد، نماز خواندیم، بعد از نماز در حالی که در دره فرخار نخستین شعاع‌های آفتاب تاج کوه‌های فرخار را بوسه می‌داد، دیدم که استاد با نگاه بسیار اندوهگین، به نقطه‌ای از زمین خیره شده، فهمیدم که چون صحبت صلح است بین برادران تاجیکستانی ما، استاد هم در آرزوی صلح است و با حسرت به زمین نگاه می‌کند که آیا خداوند مقدر کرده که ما هم در سرزمین خود مستقل باشیم، حیات آبرومند ملی داشته باشیم و دامان ننگین جنگ از این سرزمین برچیده شود.

لَا يَسْتَوِي وَغُبَارُ خَيْلِ اللَّهِ فِي ** أَنْفِ امْرِئٍ وَدُخَانُ نَارِ تَلْهَبُ
هَذَا كِتَابُ اللَّهِ يُنْطَلَقُ بَيْنَنَا ** لَيْسَ الشَّهِيدُ بِمَيِّتٍ لَا يَكْذِبُ. نگاه: سیر اعلام النبلاء از امام ذهبی، ج: ۸، ص: ۴۱۲ و تاریخ دمشق از ابن عساکر، ج: ۳۲، ص: ۴۴۹.
۱. فرخار؛ یکی از شهرستان‌های ولایت تخار است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۴۶.
۲. استاد سیدعبدالله نوری؛ بنیان‌گذار حزب نهضت اسلامی (اخوان المسلمین) در تاجیکستان بود.

۳. تاجیکستان؛ کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد، مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۰۷۵۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، پایتخت آن شهر دوشنبه، زبان رسمی آن تاجیکی و واحد پول آن سامانی است، دین بیش از ۹۰٪ مردم این کشور اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱.

من صدا کردم که استاد دیدید که امام چه خواند؟

گفت: مقصدت چیست؟

گفتم: در همین نماز فرض، امام چیزی که خواند به شما گفت؛

سپس گفتند: کدام قسمت را می‌گویی؟

گفتم؛ همان قسمتی را که امام گفت؛

﴿وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى﴾^۱

دیدم که به قول صوفیه وقت استاد خوش شد و مثل همه ملت‌ها، برای ملت ما هم با بینش بیشتر و خرد متعالی به فرداهای روشن امیدوار بود.

از روزگار جهاد، از مسافرت‌های خارج در رکاب استاد، از همه این‌ها خاطرات زیادی دارم و هرکدامش در تمام عمرم با من زندگی خواهد کرد، این خاطرات، همیشه این سیمای پرنجابت و مهربان‌مردی که سخت متواضع، سخت پرمدارا، سخت با تحمل و سخت دوراندیش بود، در من باقی مانده‌است.

روان استاد بزرگ شاد باد و ما همه افتخار کنیم که راهیان راهش باشیم.

تشکر.

۱. الضحی / ۴. (و به‌زودی پروردگارت به تو عطا خواهد کرد؛ تا خرسند گردی.)

سخنرانی داکتر عبدالله عبدالله

در نخستین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید
مکان: تالار دانشگاه تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی
زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۳ هـ ش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى
آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ؛^۱ اما بعد:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿وَلَا
تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾^۲
صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ.

حضار گرامی!

برادر عزیز و فرزانه، رئیس صاحب شورای عالی صلح و رئیس
جمعیت اسلامی افغانستان، صلاح‌الدین ربانی،^۳ فرزند استاد شهید،

۱. ستایش الله راست که پروردگار جهانیان است و درود و سلامتی بر نیکوترین پیامبران و رسولان و بر خانواده و یارانش.

۲. بقره / ۱۵۴. (و به کسانی که در راه الله کشته می‌شوند، مرده مگویید؛ بلکه آنان زنده‌اند و لکن شما نمی‌فهمید.)

۳. صلاح‌الدین ربانی در ۲۰ ثور ۱۳۵۰ خورشیدی در کابل به دنیا آمد، مکتب (مدرسه) را در پاکستان به سر رساند، او در کنار اینکه گواهینامه کارشناسی خود را در رشته مدیریت و بازاریابی از دانشگاه ملک فهد عربستان سعودی گرفته است، تحصیلاتش را در رشته مدیریت بازرگانی در دانشگاه کینگستون انگلستان تا درجه کارشناسی ارشد (ماستری) ادامه داده است او همچنین یک گواهینامه کارشناسی ارشد دیگر از دانشگاه کلمبیای نیویورک نیز در رشته روابط بین‌الملل به دست آورده است، او در پُست‌های مختلف دولتی و خصوصی کار کرده است که آخری آن پُست ریاست جمعیت اسلامی افغانستان و وزیر خارجه کشور است. نگاه: وبسایت وزارت خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، وبسایت فارسی بی بی سی و وبسایت پیام آفتاب.

جناب استاد محقق، دانشمند گرامی وطن ما، آقای سیدمخدوم رهین^۱
وزیر صاحب اطلاعات و فرهنگ، رهبران محترم جهادی، علمای کرام،
مجاهدین، دانشمندان عزیز، جوانان، خواهران و برادران!
السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتِهِ

در قدم اول به روح همه شهدای افغانستان اتحاف دعا می‌کنیم
و به‌خصوص به روح پاک استاد شهید، رئیس سابق دولت اسلامی
افغانستان، رهبر جهاد و مقاومت، شهید صلح، فرزند با افتخار کشور
ما، عالم دین، مجاهد بزرگوار، مبارز نامی این سرزمین که پنجاه سالی
از عمر خود را وقف مبارزه در راه خدا، آزادی، عزت، شرف و آبروی
مردم کرده بود و در طول این مدت، ده‌ها هزار نفر نه که صدها هزار نفر
از فرزندان معنوی‌اش از وجود با افتخارشان، از علم‌شان، از رهنمای‌ها
و توصیه‌های‌شان بهره‌برده بودند و در تاریخ مبارزات اسلامی کشور ما،
نام‌شان با خط زرین درج است، اتحاف دعا می‌کنیم.

سه‌سال قبل از امروز، دشمنان این کشور، آنانی که روادار صلح، امنیت
و آبرو و عزت مردم و کشور نیستند و سلامتی این کشور را نمی‌خواهند،
دست به یک جنایت نابخودنی زدند؛ بلی دست به جنایتی زدند که در

۱. دکتر سیدمخدوم رهین؛ در کابل به دنیا آمد، تحصیلات ثانوی و عالی خویش را در کابل
به پایان رساند، در سال ۱۳۵۲هـ.ش، از دانشگاه تهران دکترای ادبیات را کسب کرد و در ماه
میزان همان سال به تدریس در دانشگاه کابل آغاز کرد، بعد از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷هـ.ش،
در منزلش تحت نظارت قرار داشت، بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی سابق به پاکستان
هجرت کرد و در آنجا به منظور آوردن اتحاد، میان مجاهدین جدوجهد کرد، پس از تشکیل
اتحاد اسلامی مجاهدین افغانستان متشکل از احزاب میانه‌رو به‌حیث عضو شورای عالی و
رئیس کمیته فرهنگی و نشراتی و به‌حیث رئیس رادیو کابل آزاد (رادیو صدای مجاهدین
افغانستان) تعیین گردید، در حکومت مؤقت مجاهدین به‌حیث وزیر مشاور گماشته شد، دکتر
سیدمخدوم رهین در زمینه فرهنگ، تاریخ و علوم اسلامی تحقیقاتی به عمل آورده‌است،
مقالات زیادی نوشته و چندین مقاله و کتابش اقبال چاپ یافته‌است که می‌توان از کتاب‌های:
دقیقی‌نامه، گزیده آثار سیدجمال‌الدین افغان، پژوهش در باره آثار و شخصیت امیر خسرو
دهلوی و روابط فرهنگی افغانستان و هند از گذشته‌های دور تا قرن هفتم و اشک خراسان نام
برد. نگاه: وبسایت وزارت اطلاعات و فرهنگ.

تاریخ کشور، هیچ وقت نسل امروز و نسل فردای کشور آن را فراموش نخواهند کرد، در حالی که با کمال تواضع، استاد شهید مسئولیت بزرگی را به عهده گرفته بودند؛ یعنی قدم گذاشتن در راه تأمین صلح عادلانه و با عزت در کشور و شب و روز وقت خود را وقف این امر کرده بودند، وقف این آرمان پاک، آرمانی که آرزوی میلیون‌ها شهید و معلول و ناشنیده این سرزمین بوده و هست، استاد شهید خود را وقف کوشش در این راه کردند؛ اما دشمنان جنایت‌کار، در زیر جامهٔ پیام‌آور صلح، دست بر چنین جنایت نابخشودنی زدند و کارنامهٔ سیاه دیگری را درج تاریخ تاریک و سیاه خود کردند؛ اما آیا با این عمل‌شان توانستند، چراغی را که این عالم و دانشمند و این مجاهد و قاید کشور، در این سرزمین برافروخته بود، خاموش کنند؟! به یقین که جواب نه است.

کوردلان، تاریک‌اندیشان و کسانی که کشتار مردم بی‌گناه و ایجاد وحشت و دهشت و اعمال ضد انسانیّت و بشریت را وسیلهٔ رسیدن به قدرت خود می‌دانند و آنان که باور به ارزش‌های اسلامی ندارند و با استفادهٔ سوء از نام پاک اسلام به بدنامی مسلمانان می‌پردازند، جای و آیندهٔ‌شان در تاریخ و جزای‌شان پیش خدا معلوم است و اما آنان که در راه خدا قدم گذاشتند و رهبری مردم را به عهده داشتند و در این راه، در تمام زندگی خود به عقاید، اصول و ارزش‌های اسلامی و انسانی خود پابند، باقی ماندند، آنان همان‌طور که شاعر گفته نبودشان:

از شمار دو چشم یک‌تن کم
و از شمار خرد هزاران بیش^۱

بلی نبودشان همیشه محسوس است؛ اما راه و روش و رفتار و دنباله‌روان‌شان، پایان‌یافتنی و پایان‌شدنی نیست، امروز خوش‌بختانه شاهد مُعرّفی برخی آثار علمی استاد بزرگواریم، جا دارد که از استادان،

۱. این بیت از قصیدهٔ رودکی است که آن را در رثای شهید بلخی سروده بود، مطلع آن این است: کاروان شهید رفت از پیش * * و آن ما رفته‌گیر و می‌اندیش.

مسئولین و از همه دوستانی که در ترتیب این مجلس سهم گرفتند و این زمینه را مساعد ساختند؛ تا نسل جوان کشور، خاطره بزرگان خود را تجلیل بکنند و یاران و همراهان و پیروان استاد شهید، با یاد و خاطرات شهید بزرگوار تاریخ ما و به گذشته پرافتخار این سرزمین دمی بیاسایند و - إن شاء الله - که به آینده امیدواریم که این سرزمین این اندیشه است.

من در کنار اینکه از همه مسئولین و دوستانی که در برگزاری این مجلس سهم گرفتند تشکری می‌کنم، این را هم می‌افزایم و به آن یقین هم دارم که از یک طرف کارنامه‌های استاد شهید - چه در دوران جهاد و چه در دوره مقاومت و از طرف دیگر قدم بزرگی را که در انتقال صلح‌آمیز و متمدانانه قدرت برداشتند،^۱ هیچ وقت فراموش مردم قدرشناس ما نخواهد شد، همان طوری که کوراندیشان و تاریک‌دلان هم، هیچ وقتی خاموش نخواهد بودند و از اتهام بستن به بزرگان جهاد دست نبرداشتند؛ اما یقین کامل داریم که؛

چراغی را که ایزد بر فروزد

هر آن که پُف کند ریشش بسوزد^۲

این عزتی را که خداوند به مجاهدین، علمای دین و به رهبران عالم اسلامی و عالم بشری نصیب کرده، با حرف‌های تاریک‌اندیشان و کوردلان صدمه نمی‌بیند.

۱. انتقال مسالمت‌آمیز و متمدانانه قدرت؛ از دولت اسلامی افغانستان به رهبری شهید پروفیسور برهان‌الدنی ربانی W ؛ به حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان، در اوّل جدی سال ۱۳۸۰ هـ.ش، صورت گرفت، برای معلومات بیشتر در این مورد به بیانه تاریخی استاد شهید W مراجعه شود. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۳، دور ششم، سال هفتم، شماره ۲۸، ۳۰ قوس ۱۳۸۷ هـ.ش.

۲. دهخدا در جلد دوم، امثال و حکم، ص: ۶۱۰، می‌گوید: این مَثَل، از مفهوم آیه ۸ سورة مبارکه الممتحنة است که می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (الله شما را باز نمی‌دارد از اینکه نیکی و بخشش بکنید به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند و از شهر و دیارتان شما را بیرون نهرانده‌اند، الله نیکوکاران را دوست می‌دارد).

من به‌حیث یک شاگردِ استاد شهید و کسی که در راه‌شان روان بودیم و این راه را تعقیب کردیم، کمبودشان را در این فضای موجود کشور - بیشتر از هر وقت دیگر - احساس می‌کنم، رهبری داهیانه‌شان، فراخ‌اندیشی و دورنگری‌شان، تدبیر و حکمت‌شان و بالآخره خودگذری‌شان، ما و فرزندان معنوی‌اش را در این کشور، امیدوار می‌ساخت.

به هر حال؛ در حالی که ملت ما از همچو افتخاراتی برخوردار بودند، تعهد پایدار فرزندان پاک این کشور، در راه احقاق حقوق مردم و دفاع از حق مردم، در حقیقت خدمت، به این بزرگانی است که امروز ما از آنان یاد می‌کنیم - إن شاء الله - این راه پرافتخار، راه پرره‌روست و - إن شاء الله - که - آنچه خیر ملت و مردم ما باشد، انجام‌شدنی است.

بار دیگر از همه شما تشکر می‌کنم و از خداوند برای اعضای فامیل استاد شهید، برای دوستان و همراهان‌شان، توفیق قدم‌گذاری بیشتر، محکم‌تر و استوارتر را، در راهی که این بزرگان و شهدای ما با خون خود، آن را برای ما هموار ساختند، استدعا می‌کنم.

به آرزوی خیر و سعادت مردم افغانستان، سخنانم را به پایان می‌رسانم.
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

سخنرانی استاد محمّد محقق

در نخستین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید
مکان: تالار دانشگاه تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی
زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۳ هـ ش

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ
وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ وَاوَاهُ^۱

حضر گرامی! برادر بزرگوار، جناب داکتر صاحب عبدالله عبدالله
کاندیدای پیشتاز دور اوّل و دوّم انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳!
جناب وزیر صاحب اطلاعات و فرهنگ جمهوری اسلامی افغانستان،
آقای رهین! برادر بزرگوار جناب آقای صلاح الدین ربانی، یادگار رهبر
جهاد و مقاومت، جناب استاد ربانی شهید! شخصیت‌های علمی و سیاسی
حاضر در محفل! جناب قاسمیار صاحب! جناب استاد اکبری صاحب! و
دیگر بزرگان!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

افتخار دارم که در روز رونمایی برخی از کتاب‌های استاد شهید که
در آستانه برگزاری سالگردش قرار دارد، اشتراک می‌کنیم و چند کلمه‌ای
را در پیوند به جهاد و مقاومت و به علم و دانش برای شما عزیزان و
برای ملت مسلمان افغانستان - با استفاده از این فرصت - بیان می‌کنیم.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان، ستایش خداوند بزرگ راست، درود و سلام بر حبیب و
سید ما، محمد رسول الله و به خانواده و یارانش.

أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأَوْلَيْكَ هُمْ الْفَائِزُونَ^۱

خداوند متعال در میان انسان‌ها بعضی از اقشار را امتیاز ویژه‌ای داده‌است، از نگاه ارزش‌های انسانی، آن‌ها را برتر و با درجات عالی مُعَرَّفی کرده‌است، هم‌چنانی که در رشته علمی یک آدم سرآمد می‌شود، دارای ویژگی‌هایی می‌شود که او را مؤسسات تعلیمی یا کدام مقام دولتی، به‌خاطر آن ارزشی را که او خلق کرده‌است، تقدیر و تجلیل می‌کند، خداوند متعال در میان انسان‌ها چند دسته را مشخصاً ستوده‌است و آن‌ها را امتیاز داده‌است، در میان انسان‌ها یکی هم قشر عالم است، موضوع برتری غالب را در میان انسان‌ها اعلام کرده‌است و علما و دانشمندان را برتری ویژه داده‌است، خداوند متعال جای دیگری می‌فرماید:

﴿..هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ..﴾^۲

(آیا مساوی‌اند، کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند.)

«هَلْ» - در اینجا- استفهام، استفهام انکاری است؛ پس این گونه معنی می‌شود: ﴿لَا يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ پس این‌ها مساوی نیستند؛ بلکه کسانی که دانشمندند، بالاترند.

این چنین در جای دیگری، خداوند^۱ در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿..يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ..﴾^۳

۱. توبه / ۲۰. (کسانی که ایمان آورده‌اند و به مهاجرت پرداخته‌اند و در راه الله با جان و مال جهاد کرده‌اند، دارای منزلت والای و بزرگ‌تری در پیشگاه خدایند و آنان رستگاران و به مقصود رستندگان می‌باشند.)

۲. بخشی از آیه ۹ سوره مبارکه زمر است که می‌فرماید: ﴿أَمْ هُوَ قَانَتْ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَانَمَا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةً رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَئِذَا تُبْلَى﴾ (یا کسی که در اوقات شب سجده‌کنان و ایستاده به طاعت و عبادت مشغول می‌شود و از آخرت به دور می‌دارد و رحمت پروردگار خود را خواستار می‌گردد؟ بگو: آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند، برابر و یک‌سانند؟! تنها خردمندان پند و اندرز می‌گیرند.)

۳. بخشی از آیه ۱۱ سوره مبارکه مجادله است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ چون به شما گفته شود، در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید؛ تا الله برای شما گشایش حاصل

بلی خداوند، از میان شما انسان‌ها، کسانی را به درجات بالا برده‌است که آن‌ها دارای علم و دانش‌اند، آن‌هم به درجات عالی، وقتی قرآن کریم می‌گوید:

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾

یعنی کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که دارای علم‌اند، درجات عالی دارند، یک درجه و دو درجه هم نیست؛ بل درجات عالی‌است؛ البته این درجات با توجه به ارزش‌های انسانی و معنوی که در پیشگاه خداوند، می‌باشد؛

دسته دیگری را که خداوند^۱ ستوده‌است، جهادگران‌اند.

﴿وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۱

خداوند کسانی را که جهاد می‌کنند، بر کسانی که نشسته‌اند و بی تفاوت‌اند، به یک اجر و پاداش بسیار بزرگی برتری داده‌است).

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا﴾

دسته دیگر هم کسانی‌اند که در راه خدا، در راه آزادی وطن، در راه نشر معارف اسلامی مهاجرت می‌کنند، از جایی به جایی می‌روند؛

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾

کسانی که ایمان آوردند و خدا گفتند و به اسلام باور کردند، بعدهم، در راه خدا مهاجرت کردند، صحنه برای‌شان تنگ شد، از وطن‌شان دوری گزیدند، سپس جهاد کردند، در راه خدا با مال‌شان و به جان‌شان،

کند و چون گفته شود برخیزید، پس برخیزید، الله [رتبه] کسانی از شما را که به ایمان گرویده و کسانی را که دانشمندند [برحسب] درجات بلندی گرداند و الله به آنچه می‌کنید، آگاه‌است).

۱. بخشی از آیه ۹۵ سوره مبارکه نساء است که می‌فرماید: ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِّ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (مؤمنان خانه‌نشین که زیان‌دیده نیستند، با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه الله جهاد می‌کنند، یک‌سان نمی‌باشند، الله کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند، به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده و همه را الله وعده [پاداش] نیکو داده [ولی] مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ برتری بخشیده‌است).

این‌ها در پیشگاه خداوند درجات بزرگی دارند.

﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ﴾

با مال و جان‌شان جهاد کردند.

﴿وَأُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ﴾

(این دسته بزرگ‌ترین درجات را در پیشگاه خداوند، دارند.)

﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ﴾

و این جماعت رستگاران‌اند.

این سه دسته؛ یعنی علما، جهادگران و مهاجران از جمله برگزیدگان خداوند در میان انسان‌هایند.

خوش‌بختانه در جهاد افغانستان کسانی بودند که یک امتیاز را داشتند، کسانی دیگری بودند که دو امتیاز را داشتند و کسانی هم بودند که هر سه امتیاز را داشتند.

یک‌تعداد توده‌های از مردم افغانستان که فرصتِ مهاجرت را نداشتند و تحصیل هم نداشتند، بی‌سواد بودند؛ اما این افتخار را داشتند که در راه خدا و وطن‌شان جهاد کردند، قربانی دادند، یک‌ونیم میلیون شهید دادند و این وطن را آزاد کردند و آن یک امتیاز جهاد را داشتند، آن هم در پیشگاه خداوند درجه بسیار بالایی است؛ اما دسته دیگری بودند که دو امتیاز را داشتند، هم جهاد کردند و هم مهاجرت کردند، زمانی که قوای اتحاد شوروی به این سرزمین آمد، هم هجرت و هم جهاد، خوب طبعاً آن شرایط را ما حالا نمی‌توانیم ترسیم بکنیم که چه شرایطی بود؟

کسانی که سن کلان دارند و در آن زمان بودند، آن‌ها می‌دانند که حتی کسی که نماز می‌خواند و یا کسی که کتاب‌های اسلامی را می‌خواند و قرآن شریف می‌خواند، او را نمی‌ماندند؛ یعنی دست از او برنمی‌داشتند، این‌ها همه به جرم منتسب بودن به اسلام و جهاد دستگیر می‌شدند، به سیاه‌چال‌ها و به زندان‌ها می‌رفتند و در پولیگون‌ها دفن می‌شدند،

این‌ها وقتی که زمینه جهاد بالفعل برای‌شان نبود، از وطن بیرون شدند و مهاجرت کردند و به کشورهای همسایه رفتند، باز پسان آمدند و جهاد کردند، این دو تا امتیاز را داشتند که هم جهاد کردند و هم مهاجرت کردند، این یک درجه بالاتری در پیشگاه خداوند دارد که به هردو فیض عظیمی هم جهاد و هم مهاجرت این‌ها نایل شدند؛ اما دسته دیگری هستند که از هر سه تا امتیاز برخوردارند، هم جهاد کردند و هم مهاجرت کردند و هم دارای علم و دانش و نوشته‌ها و آثار و کتاب‌ها بودند، این دسته دیگر مثل ستاره‌ای بر تاریخ درخشان ملت افغانستان می‌درخشند که ما کم نداریم، از این آدم‌هایی که هر سه امتیاز را داشتند، امتیاز علم و دانش، امتیاز جهاد، امتیاز مهاجرت، خوب این دسته‌ای که سه امتیاز را داشتند، رهبران و پیشگامان جهاد افغانستان بودند که این‌ها امتیاز آخری را هم گرفتند، امتیازی که دیگر بالاتر از او امتیازی نیست.

﴿فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِذَا قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ﴾^۱

(بالای هر نیکویی، نیکویی هست، بالای هرافتخار، افتخاری هست و بالای هردرجه درجه‌ای هست؛ تا اینکه انسان در راه خدا کشته شود و شهید شوند.)

اینجاست:

﴿لَيْسَ فَوْقَهُ بَرٌّ﴾

یعنی بالای او نیکی دیگری نیست؛ چون او به درجه کمال انسانیت رسیده‌است؛ البته که آن شرایط و آن ضوابط و معیارهای جهاد و مهاجرت و مقاومت را این‌ها داشته باشند، نه اینکه هرکسی که آن‌چنانی که امروز مرسوم است، هرکسی خود را می‌کشد یا کشته می‌شود؛ ولی نه آن امتیازات جهاد و مهاجرت دارند و نه ارزش معیاری جهاد و مهاجرت و علم را دارند؛ ولی خویشتن را شهید می‌نامند؛ اما رهبران جهاد افغانستان

این چیزها را همه یکجا داشتند، ارزش جهاد، مهاجرت، علم سرانجام شهادت که یک لست طویل و زیبایی و یک مزایک زیبایی هم از این همه اقوام و مناطق افغانستان را با خود دارند که در رأس همه، استاد شهید عالم‌تر، ریش سفیدتر و بزرگ‌تر، از همه‌شان بودند، پیش از همه به جهاد کمر بسته کرد، خلاصه استاد شهید برهان‌الدین ربانی، هم عالم، هم مجاهد، هم مهاجر و هم شهید بود.

استاد شهید عبدالعلی مزاری^۱ هم از جمله همین پیشگامان جهاد افغانستان بودند که هر چهار امتیاز را کمایی کردند، علم و دانش، مهاجرت، جهاد و شهادت؛

قهرمان ملی کشور، شهید احمدشاه مسعود، هم این امتیازات را یکجا داشت، شهدای دیگری حاجی عبدالقدیر،^۲ فضل‌الحق، عبدالحق شهید،^۳ شهید سیدمصطفی کاظمی^۴ و دیگر همه شهدایی که حالا گرفتن اسم‌شان

۱. عبدالعلی مزاری؛ رهبر و بنیان‌گذار حزب وحدت اسلامی افغانستان، در جوزای ۱۳۲۶هـ ش، در روستای نانویی چهارکنت از توابع استان بلخ به دنیا آمد و در ۲۲ حوت ۱۳۳۳هـ ش، در حالی که برای مذاکره با سران طالبان راهی چهارآسیاب بود، دستگیر و بعداً به شهادت رسید. برای معلومات بیشتر، نگاه شود: وبسایت خبرگزاری فارس و وبسایت در رتای بابه مزاری.
۲. حاجی عبدالقدیر؛ در سال ۱۳۳۳هـ ش، در روستای سیدان سرخ‌رود ولایت ننگرهار به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رسانید، در دوران حکومت داود خان همراه برادرانش عبدالحق و حاجی دین‌محمد مهاجرت کرد، پس از کودتای ۷ ثور، وی یکی از مجاهدان مبارزی بود که برضد قشون سرخ مُبارزه کرد، پس از سقوط دولت نجیب، در سال ۱۳۷۱هـ ش، و پیروزی مجاهدین، به‌حیث والی ننگرهار منصوب و ریاست شورای مشرقی را نیز بر عهده گرفت، پس از تصرف ننگرهار توسط طالبان، در سال ۱۳۷۵هـ ش، به پاکستان رفت، مدت زیادی طول نکشید که مجبور شد تا به آلمان مهاجر شود، بعد از سپری کردن مدتی، به پنجشیر رفت و با احمدشاه مسعود یکجا به مُبارزه علیه طالبان پرداخت، این عمل وی طالبان را برآشفست، از این‌رو تعداد از اعضای فامیلش توسط این گروه قتل‌عام شد، وی در کنفرانس بُن اشتراک کرد و در حکومت مؤقت به‌حیث وزیر شهرسازی و والی ننگرهار، عضو فعال لویه جرگه اضطراری، هم‌چنان پس از تشکیل دولت انتقالی، به‌حیث معاون رئیس دولت و وزیر فواید عامه کار کرده بود. نگاه: وبسایت شبکه افغانستان قلب آسیا.
۳. حاجی عبدالحق؛ از قومندانان مشهور جهادی در دوران اشغال شوروی سابق در افغانستان بود، ایشان در مُبارزه علیه طالبان نیز اشتراک داشت، سرانجام از طرف طالبان دستگیر و در ماه اکتوبر ۲۰۰۱م، توسط طالبان به شهادت رسید. نگاه: وبسایت شبکه افغانستان قلب آسیا.
۴. سیدمصطفی کاظمی فرزند سیدگل؛ در سال ۱۳۴۲هـ ش، در ولایت پروان شهرستان «سرخ

طولانی می‌شود، رهبرانی که از این سه امتیاز برخوردار بودند؛ اما کسی که هر چهار امتیاز را با شهادت یکجا کمایی کرده باشد، بر آن دسته‌ای که سه امتیاز را دارند، درجات فوق‌العاده‌تری دارند، طبعاً میان که این فیض عظیم را نصیب نیستیم، در این میدان کم می‌آییم؛ اما هیچ‌گاهی آرزوی این را نکرده‌ایم که تا ابد در کنج عافیت زندگی کنیم؛ البته روزگار همین طور آمده، قسمت همین بوده که زنده بمانیم، ما هم از این جاده نه ننگ داریم و نه عار و نه هم ترس.

دشمن‌های اسلام بدانند که با کشتن رهبران جهاد و مقاومت و جهادمردان، هیچ‌گاهی نمی‌توانند ترسی را در دل این سپاهیان راه عزت و آزادی و استقلال ایجاد کنند، در رابطه با جهاد و شهادت عرض کردیم که جهاد چیزی بسیار ارزشمندی است؛ اما امروز در سطح جهان به دلیل اینکه تعدادی از آدم‌های جاهل آمده‌اند و خود را منتسب به جهاد کردند و کارهای ناشایستی را می‌کنند، این‌ها نام اسلام را مغشوش کردند، چهره اسلام را مژگون کردند و اگر نه چهارده سال جهاد افغانستان، آن‌چنان با افتخار بود که همه دنیا برایش افتخار می‌کرد، در هرجایی از

پارسیا به دنیا آمد، تحصیلات خود را در کابل آغاز کرد و تا مقطع لیسانس ادامه داد، با آغاز جهاد مردم مسلمان افغانستان، در سنگر مبارزه و جهاد قرار گرفت و با شجاعت و درایتی که در دوران جهاد از خود نشان داد، به‌حیث یک فرمانده برازنده و دلیر در جمع پاسداران جهاد اسلامی افغانستان تبارز کرد، او عضو فعال شواری رهبری دولت اسلامی افغانستان بود، بعد از سقوط طالبان، در حکومت انتقالی و مؤقت به‌حیث وزیر تجارت تعیین گردید و یکی از وزرای فعال و دل‌سوز در کابینه به‌شمار می‌آمد که خدمات فراوانی را در طی دوران مسئولیت خویش به انجام رساند، پس از تعیین دولت انتخابی با توجه به تحولات جدید سیاسی در کشور، حزب اقتدار ملی را بنیان نهاد که از طرف اعضای حزب به‌حیث رهبر حزب اقتدار ملی برگزیده شد، هم‌چنان آقای کاظمی به‌حیث نماینده مردم کابل در شورای ملی و رئیس کمیسیون اقتصادی آن شوری، ایفای وظیفه کرد، هم‌چنان به‌عنوان رئیس کمیسیون سیاسی و سخنگوی جبهه ملی به رهبری شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی برگزیده شد، سرانجام وی در مسیر خدمت به مردم و کشور در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ ه.ش، هنگامی که از سوی پارلمان کشور برای بررسی وضعیت مردم به ولایت بغلان رفته بود، در یک عمل تروریستی به همراه تعدادی چند از نمایندگان مردم در شورای ملی و تعداد کثیری از مردم و کودکان به شهادت رسید. نگاه: پامیر، نشریه شهر کابل، شماره ۳۱۰ چهارشنبه ۱۳ سنبله ۱۳۸۷ ه.ش، و هفته‌نامه مجاهد، ص: ۲-۷، دور ششم، سال ششم، شماره ۲۵، شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۸۶ ه.ش.

دنیا می رفتی، به این مردم احترام می شد، این همه به این دلیل بود که با معیارهای جهاد زندگی کردند، اخلاق اسلام، برنامه های اسلامی را موبه مو اجرا می کردند، مجاهدین افغانستان نمونه ای از اخلاق اسلامی بودند، این هایی که امروز آمده اند، نه زن می شناسند، نه مرد، نه بی گناه و نه با گناه و نه مسلح و نه غیر مسلح، این هایت که چهره اسلام را مُشوّه کردند، به نام های مختلفی که حالا اوج همان رسوایی شان در قالب داعش و چنین چیزهای امروز پدید آمده است که مسلمان ها را می گیرند و صدها، هزارها هزار از آنان را بدون محاکمه و بدون گناه می کشند و حتی آنان نمی دانند که چه گناهی کرده اند، این اعمال دیگر در اسلام عزیز کفر است.

﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا..﴾^۱

(هر که مسلمانی را از روی عمد می کشد، جزایش جهنم همیشگی است.)

﴿..مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا..﴾^۲

یعنی هر که نفس محترمی را می کشد، بدون اینکه قصاص سر از او داشته باشد و یا او فساد در زمین کرده باشد، مثل این است که تمام انسانیت را کشته باشد.

۱. بخشی از آیه ۹۳ سوره مبارکه نساء است که می فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا﴾ (و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کیفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود و الله بر او خشم می گیرد و لعنتش می کند و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.)

۲. بخشی از آیه ۳۲ سوره مبارکه مائده است که می فرماید: ﴿مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَآئِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أُخْيَاها فَكَأَنَّمَا أُخْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾ (از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، کسی را جز به قصاص قتل یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد و هر کس، کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند، پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زیاده روی می کنند.)

ننگ است که این‌ها نام جهاد را سر خود می‌مانند، ما امروز می‌شنویم، زنان مسلمان و غیر مسلمان را در بازارها می‌گیرند و می‌فروشند، اگر این‌ها بگویند در صدر اسلام برده‌ها بودند که خرید و فروش می‌شدند، این‌ها باید بدانند که آن زمان رواج جهان همان بود، نصف سرمایه و ملکیت مردم از طریق برده‌ها بود، اسلام که آمد کم‌کم این‌ها را از بین برد، اینکه ما می‌گوییم هرکس روزه خود را عمداً بخورد، یکی از کفاره‌هایش این است که یک بنده را در راه خدا آزاد بکند؛ پیداست که آزادی انسان ثواب دارد.^۱

این چنین بنده آزادکردن، در بسیاری از جزایای شرعی ذکر شده است؛^۲ اما امروز آن دوره‌ها گذشت، دوره بربریتی که در زمان ظهور اسلام و در زمان پیغمبر / بود، اسلام آن‌ها را کم‌کم به صورت کامل از بین برد.

امروز می‌آیند، زن‌ها و دخترهای مردم را می‌برند و مثل مال می‌فروشند، این چنین کارهای دیگر غیر اخلاقی گفته می‌شود، انجام می‌دهند، نام‌بردن از آن عیب و ننگ به حساب می‌رود.

بار دیگر یکجا به هم می‌گوییم که:

﴿فَوْقَ كُلِّ ذِي بَرٍّ حَتَّى يُقْتَلَ الرَّجُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾

(بالای هر درجه، درجه‌ای هست؛ تا اینکه کشته شود، در راه خدا، دیگر درجه بالای آن نیست.)

روایت دیگری است که می‌فرماید:

﴿مَا مِنْ قَطْرَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ قَطْرَتَيْنِ: قَطْرَةٍ دَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾^۳

۱. متکای این سخن در شرع حدیثی است که از رسول اکرم / روایت شده است، نگاه:

صحیح البخاری، شماره حدیث: ۱۸۴۳ و صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۱۱۱.

۲. در ظاهر مثلاً: نگاه، آیه ۳ و ۴ سوره مجادله و در قتل خطا هم کفاره آزادکردن برده است، نگاه: آیه ۹۲ سوره السناء.

۳. نگاه: بحار الأنوار، ج: ۱۰۰، ص: ۱۰.

(هیچ قطره در نزد خداوند ارزشمندتر از دو قطره نیست، یکی هم قطره خون شهیدی است که در راه او می‌ریزد.)

در روایت دیگر آمده که:

﴿مِدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دَمِ الشُّهَدَاءِ﴾^۱

(رنگ قلم علمایی که برای اسلام می‌نویسند، بهتر از خون‌های شهداست.)

چرا این‌ها برتری دارند؟ چرا رنگ قلم علما و رنگ نوشته علما، بر خون شهدا برتری دارند؟ به‌خاطری که شهدا در راه خدا جهاد می‌کنند، شهید می‌شوند، رنگ قلم و نوشته علما هم علت موجدۀ جهاد است و هم علت موقعۀ جهاد است و هم حافظ ارزش‌های آن، علت موجدۀ به این سبب است که تا یک آدم درس نخواند، تحصیل نکند، ارزش‌های جهاد فی سبیل الله را و ارزش‌های مکتب اسلام را نفهمد، او حاضر نمی‌شود که برود جهاد کند و خود را قربانی کند، پس علت موجدۀ جهاد و کاروان جهاد و عهدۀ جهاد، همان علم و دانش و تحصیل است و هم علت موقع آن است.

این وقتی است که جهاد کنی؛ اما تا زمانی که نویسندگان و قلم‌به‌دستان و دانشمندان تاریخ جهاد را ننویسند، ارزش‌های جهاد را درج نکنند و این فرهنگ را بسط و گسترش ندهند، در پیچ‌وخم زمانه نابود می‌شوند، آری؛ این چیزها همه محو می‌شوند و شیاطین تبلیغات می‌کنند و همه این چیزها و ارزش‌ها را کمرنگ می‌کنند؛ لذا این علما حافظ ارزش‌ها علم‌اند، آدمی که بدون جهاد، بدون علم به جهاد برود، مثل همان کسانی است که امروز همه چیز را برباد می‌کند و اسلام را هم بدنام.

خوب استاد شهید همه این چیزها را داشت - خدا رحمتش کند - علم و دانش و کتاب‌هایش را امروز رونمایی می‌کنند و هم چنین جهاد، مهاجرت و شهادتش به همه معلوم، خداوند او را رحمت کند و خداوند

۱. نگاه: الفوائد المجموعة کتاب الفضائل از امام شوکانی.

همه شهدا را رحمت کند و ما را در پیروی راه‌شان مصمم و استوار
نگهدارد.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

نگاهی به: همگام خورشید

(چند نیشته در مورد رهبر شهید)

پوهنمل محمدنسیم فقیری

همگام خورشید مجموعه پانزده مقاله‌ای است که در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، از سوی «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» به ویرایش آقای فضل‌ی آماج، در ۲۴۶ صفحه با قطع و صحافت زیبا به چاپ رسیده است.

در آغاز سخن لازم به یادآوری است که دستور رهبری جمعیت اسلامی را در مورد، آرم یا نشان جمعیت اسلامی که زینت بخش صفحه دوم داخلی این مجموعه است، بازگو کنم.

رهبر شهید ما زمانی که بنده رئیس دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان بودم و تلاش برای برگزاری کنگره یا مجمع عمومی جمعیت به راه افتاده بود، در مورد سال ۱۳۳۶ هـ.ش، که در ذیل لوگو سال تأسیس جمعیت ذکر شده، فرمودند: «حرکت‌ها برای ایجاد یک حرکت و جمعیت، با آنکه در سال ۱۳۳۶ هـ.ش، آغاز یافته بود؛ ولی تبارز علنی جمعیت در سال ۱۳۴۸ هـ.ش، بوده و تعهدنامه‌ها در سال‌های ۱۳۵۱ هـ.ش و اوایل ۱۳۵۲ هـ.ش، توزیع و امضا شده است، امیدواریم، ضمن ارایه پیشنهادها به کنگره جمعیت، این مطلب مهم در نظر گرفته شود.»

خوب به هر حال؛ در مقدمه این اثر به تاریخ زندگی نوابغ و قهرمانان که بخش مهم زندگی ملت‌هاست، اشاره شده که با دردها، آلام، رنج‌ها و سختی‌های مردم زندگی کرده‌اند و بدون شک که زندگی رهبر شهید ما همراه با دردها و رنج‌های مردم ما بوده است، زندگی سخت و دشوار در

عصر جهاد و مقاومت و حتی دوران ریاست جمهوری، همراه با رنج‌ها و دردهای مردم بوده است.

در این مقدمه، دو بار به اشعار دکتور محمد اقبال لاهوری^۱ اشاره شده و در واقع این مقدمه، بیانگر راه و روش رهبر شهید ماست، اکنون می‌پردازیم به مقالاتی که حاوی این اثرند:

اول؛ نخستین مقاله از دکتور شمس الحق آریانفر است که زیر عنوان: «استاد برهان‌الدین ربانی، متفکر و دعوتگر سترگ قرن بیست» به تحریر درآمده است، او آشنایی با این شخصیت بزرگ را در سه مرحله به بحث گرفته است:

۱- از مدرسه و کرسی دانشگاهی تا صنف جهاد؛

۲- از جهاد تا ریاست جمهوری؛

۳- از تحویل قدرت تا شهادت.

در این سه مرحله، دکتور آریانفر، زندگی رهبر را با ذکر تاریخ شمسی مورد بحث قرار داده و برازندگی‌های این شخصیت بزرگ را نمایان ساخته است، راه وسط، متعادل و تنبیه را که استاد در برابر رژیم داود خان^۲ اتخاذ کرده و در اقلیت قرار گرفته بود، نیز در این مقاله پیدا

۱. معرفی این شخصیت در برگه‌های آتی می‌آید.

۲. داود خان؛ در سرطان سال ۱۲۸۸ هـ.ش، در شهر کابل به دنیا آمد، پس از پایان تعلیمات ثانوی نظامی، در سال ۱۹۳۱ م، وارد دانشکده افسران اردو گردید، در دوران دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م، وی در پُست‌های گوناگونی ایفای وظیفه کرد، در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ م، وزیر دفاع و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ م، به عنوان نخست‌وزیر کشور بود، ظاهرشاه، پادشاه افغانستان، او را در سال ۱۹۶۳ م، برکنار کرد، در ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ هـ.ش، با توسل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرد، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپی و یک‌ناسیونالیست بود، از این‌رو با حزب دموکراتیک، به‌ویژه شاخه پرچم، روابط نزدیکی داشت و از آنان در پیروزی کودتا استفاده کرد، پس از پیروزی برای کادرهای این جناح، پُست‌های مهم و کلیدی داده شد، گفته می‌شود که در اواخر سال‌های قدرتش از مسکو و از چپی‌ها فاصله گرفت، به هرحال؛ پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ.ش، حزب دموکراتیک خلق، داود را با ۳۹ نفر از اعضای فامیلش به قتل رسانیدند. در مورد داود خان می‌توانید، به کتاب‌های ذیل نگاه کنید: داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک و سیمای زعامت داود خان، از استاد شهید W و افغانستان در پنج قرن اخیر از میر محمد صدیق فرهنگ.

می‌کنیم که در مقالات دیگر توضیح شده‌است.

در اخیر مقاله، به تحولات مختلف در حیات سیاسی کشور و نقش ارزنده و سازنده رهبر شهید در آن، که شامل بخش سوم مقاله است، توضیح داده شده‌است و در اخیر هم، از کتب و رسالات استاد شهید، نام برده شده‌است؛

دوم؛

دومین مقاله تحت عنوان: «ریشه‌های فکری استاد و نقش او در معرفی نهضت اسلامی افغانستان» نوشته پوهنمل سیدعنایت‌الله شاداب است.

نوشته استاد شاداب بر دو محور و یک نتیجه ترکیز دارد:

۱- مراجعه به آثار نوشته‌شده پیرامون احیای تفکر دینی؛

۲- یادداشت‌ها و مشاهدات عینی.

استاد شاداب؛ یکی از شخصیت‌هایی است که چهل و پنج سال با رهبر شهید در ارتباط و یکی از شاگردان آن شهید است، روایت‌هایی از شخصیت‌های موثق؛ چون: مرحوم پوهاند دکتور محمد موسی توانا^۱ و دکتور عنایت‌الله ابلاغ^۲ از هم‌دوره‌های دوره ماستری استاد شهید در مصر^۳ - نیز - شامل نوشته استاد شاداب است، او پرچمداران مکتب

۱. برای معلومات بیشتر در مورد شخصیت استاد توانا، به مقاله «به یاد استاد توانمند و بزرگوار پوهاند توانا» نبشته‌ای از: شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی، در هفته‌نامه مجاهد، ص: ۳، شماره هفدهم، دور هفتم، سال پنجم، سال ۱۳۸۵ ه.ش، مراجعه فرمایید.

۲. استاد عنایت‌الله ابلاغ؛ از نویسندگان و دانشمندان بنام افغانستان است که بیش از ۳۰ اثر دارد و مهم‌ترین آن «امام اعظم ابوحنیفه المتکلم W» است.

۳. مصر؛ کشوری است که در شمال‌شرق قاره آفریقا موقعیت دارد، مصر یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای آفریقایی و خاورمیانه‌است، آثار باستانی متعدد موجود در این کشور که مهم‌ترین آن‌ها اهرام سه‌گانه‌است، گردشگران زیادی را جذب این کشور می‌کند، مصر در سال ۱۹۵۲م، با کودتای بدون خون‌ریزی افسران آزاد ارتش، علیه «ملک فاروق» صاحب حکومت جمهوری شد؛ اما دیری نگذشت که «جمال ناصر» علیه نخستین رئیس‌جمهور مصر «محمدنجیب» کودتا کرد و او را به زندان انداخت و خود را رئیس‌جمهور مصر اعلام کرد و پس از او «سادات» و پس از ترور سادات «مبارک» به قدرت رسید؛ اما انقلاب سال ۲۰۱۱م، مصر به حکومت

بازسازی اندیشه‌های دینی را -که رهبر شهید ما نیز از آن جمله است- در دو استقامت، مُعرّفی دارد:

۱- مُبارزه برضد تحجّر و افراط‌گرایی و تقلید که پابند معنای ظاهری نصوص و معصوم‌انگاشتنِ اجتهادات گذشتگان بوده و افکار و اندیشه‌های دیگران را فتوی ضلالت و گمراهی می‌دادند؛

۲- مُبارزه برضد تفکّر غرب‌گرایی که بر همه داشته‌های ملی خود پشت کرده و رمز پیشرفت را تنها در دنباله‌روی از مظاهر تمدّن غربی می‌داند.

در مکتب بازسازی اندیشه دینی، استاد شاداب به موضوع اصلی که همانا «میان‌ه‌روی» و «وسطیت» است، اشاره می‌کند، او از رجال بزرگی؛ چون: مُحدّث شاه ولی‌الله دهلوی^۱ که از آغازگران این اندیشه‌اند و از طریق سیّدجمال‌الدین افغانی و حسن‌البنا، اقبال و امام مودودی ادامه یافته و تا امروز ادامه می‌یابد، استاد شهید را از پیش‌کسوتان همین جریان اسلام میانه‌رو می‌داند.

سی‌ساله حسنی مبارک در این کشور پایان داد و قانون اساسی جدیدی در این کشور تدوین شد و در پی انتخابات ریاست جمهوری مصر، در ۱۷ جون ۲۰۱۲م، «دکتر محمدمرسی» به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب مصر انتخاب شد، در جون ۲۰۱۳م، مخالفان او در سالگرد تحلیف دکتر محمدمرسی علیه حکومت مشروع و قانونی او کودتا کردند، در ۳ جون ۲۰۱۳م، در نتیجه کودتای ارتش، دکتر محمدمرسی از قدرت برکنار شد، این عمل ارتش باعث شد که ملت مصر به جاده‌ها بریزند و علیه حکومت کودتا به تظاهرات میلیونی خویش ادامه دهند و میدان رابعه والنهضة و تمام نقاط حسّاس در مصر، میدان اعتراض‌های میلیونی گردید و سرانجام پس از به‌شهادت‌رساندن و اسیرشدن هزاران انسان بی‌گناه، السیسی در پی یک‌طرح کودتایی دیگری به‌نام انتخابات که بیشتر از ۸۰ درصد مردم مصر آن را مقاطعه کردند، خود را رئیس‌جمهور مُعرّفی کرد، مصر از دیدگاه سیاسی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین کشورها در جهان عرب و خاورمیانه است. نگاه: کنّتُ رئیس‌المصر، از محمدنجیب و وبسایت‌های الجزیره و اخوان‌اولانین و اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۰.

۱. شاه ولی‌الله محدّث دهلوی؛ در شوال ۱۱۱۴هـ.ق، به دنیا آمد و در ۱۱۷۶هـ.ق، چشم از جهان فرو بست، ایشان یکی از اصلاح‌گران مهم دینی در شبه‌قاره هند بود، به زبان‌های فارسی و عربی می‌نوشت و آثاری در فقه و حدیث دارد که الفوز الکبیر فی اصول التفسیر و حجة‌الله البالغة از مشهورترین آثار اوست. نگاه: وبسایت مکتبه‌الشاملة و وبسایت الاسلامه.

استاد شاداد در دو عرصه داخلی و خارجی، نقش استاد شهید را در معرفی نهضت به بحث گرفته و حیات سیاسی رهبر را ادامه داده و به چهره‌های شاخص همکار با استاد در معرفی نهضت می‌پردازد.

استاد شاداد زیر عنوان «اطمینان احزاب جهادی نسبت به استاد» ضمن شرح این اطمینان و آوردن یک خاطره به عنوان دیگری تحت نام «ثبات و استقامت استاد در راستای تحقق اهداف نهضت» می‌پردازد و خاطرات جالب ملاقات با ملک فیصل،^۱ پادشاه عربستان و سردار عبدالقیوم خان رهبر کشمیر تحت اداره پاکستان را از زبان رهبر شهید می‌آورد؛

سوّم؛

مقاله سوّم از اینجانب است که در آغاز به خصوصیت فراكشوری و فرمانطقه‌ای رهبر شهید، اشاره کرده‌ام و به بردباری و دگرپذیری منحصر به فرد او طی ده شماره سخن گفته‌ام؛

چهارم؛

استاد ربانی فراتر از جمعیت، نوشته وحید مژده، نویسنده و تحلیلگر بنام کشور ماست، مژده در نخست به ویژگی فراكشوری و فرمانطقه‌ای رهبر شهید اشاره می‌کند، آن‌گاه او به ویژگی دیگر استاد اشاره می‌کند که او را از سایر رهبران جهادی متمایز می‌سازد، ویژگی‌ای که حتی نخواست آن را با مقام ریاست جمهوری، عوض کند که همانا حیثیت آموزگاری و معلمی استاد شهید است.

«..استاد در مقام یک معلم و یک دعوتگر، مخاطبانی در عرصه بسیار وسیع‌تر از جمعیت اسلامی داشت.»

۱. فیصل بن عبدالعزیز آل سعود؛ معروف به ملک فیصل در ۱۹۰۶م، به دنیا آمد، از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۵م، شاه کشور عربستان سعودی بود، مهم‌ترین لحظه از پادشاهی او را به توافق رسیدن عربستان سعودی و مصر در ۱۹۶۵م، برای عقب‌نشینی هردو کشور از یمن می‌دانند، ملک فیصل در ۱۹۷۴م، از سوی مجله تایم به عنوان «مرد سال» اعلام شد، فیصل بن عبدالعزیز در تاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۷۵م، ترور شد. نگاه: وبسایت الجزیره.

مژده به برخورد حلیمانه و بردباری استاد شهید، اشاره می‌کند و نشرات جمعیت اسلامی را بیانگر انتقادپذیری رهبر این حزب می‌داند، او با اشاره به نشرات جهادی جمعیت، وسعت نظر رهبری جمعیت را در حدی می‌دید که در سایر تنظیم‌ها ممکن نبوده، مژده از مخالفت استاد شهید با قیام‌های مسلحانه سال ۱۳۵۴ هـ.ش، یادآوری می‌کند و در ادامه از مبارزات و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت یاد می‌کند و بالاخره رهبری کاروان صلح را به عهده می‌گیرد؛ تا نشان دهد که اگر دیروز توسل به سلاح و خشونت برای آزادی این کشور یک ضرورت بود، امروز به همان اندازه رسیدن به صلح، نیاز مبرم رسیدن به آزادی است، این درسی است که می‌توان از شهید راه صلح آموخت؛

پنجم؛

شکوه جنگل، نوشته عبدالحفیظ منصور، مقاله پنجم این مجموعه است، او جریان مبارزات، تحصیلات و آثار استاد شهید را بیان و به نشر شیوای او می‌پردازد که تداعی بخش نوشته‌های سید قطب W است، این نوشته‌ها اثر تعیین‌کننده‌ای در پیدایش ادبیات و اثر جهادی داشتند که در نوشته‌های دکتر حق‌شناس،^۱ محمد کاظم شارق‌ی^۲ جا باز می‌کند.

منصور؛ از مشکلات استاد شهید با حکومت‌های پاکستان یادآوری می‌کند و به فرماندهان خویش هدایت می‌دهد؛ تا به مقتضای زمان دست به ابتکار بزنند، او پذیرش مسئولیت آتش‌بس پنجشیر در سال ۱۳۶۲ هـ.ش، سفر به ایالات متحده آمریکا در رأس هیئت مجاهدین و ملاقات با ریگان، سفر به مسکو و پیشبرد، مذاکرات سخت با رهبران مسکو را از شجاعت‌های استاد شهید در صحنه دیپلماسی می‌داند.

منصور؛ استاد شهید را شخصیتی می‌داند که فرار را بر قرار ترجیح

۱. برای معلومات بیشتر در مورد دکتر شیر احمد نصری حق‌شناس، نویسنده و مؤرخ شهیر کشور، به «مصاحبه با دکتر شیر احمد نصری حق‌شناس» به وبسایت خاوران، مراجعه فرمایید.

۲. محمد کاظم شارق‌ی؛ از نویسندگان پرآوازه جمعیت اسلامی افغانستان و نخستین مدیرمسئول مجله مشهور میثاق خون.

نداد و مشروعیت دولت اسلامی را تا زمان تحویل مسالمت‌آمیز قدرت در ۱۳۸۰ هـ.ش، حفظ کرد، او از توافق بن و تشکیل جبهه متحد ملی افغانستان تحت ریاست رهبر شهید یاد می‌کند، این چنین شش مرحله زندگی استاد شهید را از انتقال قدرت؛ تا ریاست شورای عالی صلح، از دشواری‌هایی می‌داند که دست‌یافتن دیگران به آن، امکان‌ناپذیر است.

منصور؛ استاد شهید را نقطه وصل حکومت و اپوزیسیون می‌دانست، او بود که جلو تندروی‌های اپوزیسیون را گرفته بود و به نحوی تفاهم غیرمکتوب میان آنان برقرار کرده بود؛

ششم؛

سید محمد خیرخواه، مقاله‌ای را تحت عنوان «نظر کوتاه و گذرا به ابعاد شخصیتی شهید صلح» نوشته و زندگی آن مرد را در ابعاد گوناگونی مطالعه کرده است:

۱- بُعد علمی زندگی استاد؛

۲- بُعد اخلاقی زندگی استاد؛

۳- بُعد سیاسی حیات استاد؛

۴- بُعد قیادت و رهبری؛

۵- عرصه حکومت‌داری.

آقای خیرخواه؛ برجستگی‌ها و امتیازات رهبر شهید را در ابعاد یادشده تذکر داده است، آقای خیرخواه که یک مجاهد درسنگر و نماینده رسمی جمعیت اسلامی در مشهد و تهران و بعد از تشکیل دولت اسلامی، نخستین سفیر افغانستان در ایران بود، از جمله کسانی است که با رهبر شهید از نزدیک آشنا بود و فکر و روش او را نشانه راه خود می‌داند؛

هفتم؛

«جلوه‌ای از تازگی‌های دانش دینی رهبر شهید» عنوان مقاله آقای عبدالوهاب هاید عمار است.

شخصیت استاد را به حیث یک دعوتگر مجاهد و یک دانشمند خردمند و آگاه حوزه دین، به بررسی گرفته و به چند شاخصه مهم دانش دینی استاد شهید پرداخته است؛

هشتم؛

آقای دکتور عنایت‌الله خلیل هدف، تحت عنوان «استاد شهید و مجاهدت‌های رهبر شهید در دوران جهاد و معرفی آن به کشورها» سخن گفته است؛

نهم؛

«شکوه عاطفه» نوشته پوهنمل عبدالرؤف مخلص است که شخصیت استاد را در سعه صدر و سعه نگاه و توان استمرار خلاصه کرده و به طرز دقیق، شخصیت آن شهید را معرفی کرده است؛

لسم؛

دکتور فضل‌الرحیم بصیرت د کابل پوهنتون د شرعیاتو استاذ د مبارزه او دعوت د ارواح‌نباد استاد ربانی له نظره ترسرلیک لاندی یوه مقاله لری، ښاغلی استاد بصیرت د شهید استاد د یو اثر «څنگه مبارزه؟» تر تأثیر لاندی راغلی و کله چی د وسله والی مبارزی شوقی و، استاد بصیرت د قرآن او حدیث له رویه د استاد شهید مبارزه شرعی بولی؛

یوه لسم؛

«روسانو سره د شهید استاد ربانی د سولی د مذاکراتو لنډیز» د هغه مقالی سرلیک دی چی د استاد واصل مهمند له خوا لیکل شوی.

دا یو تاریخی سند دی چی د مجاهدینو او روسانو ترمنځ به لومړی ځل او په بین‌المللی کچه خپور شوی او د شهید استاد او ټولو مجاهدینو عظمت په ډاکه کوی؛

دوازدهم؛

«یادواره» به قلم غلام رسول قرق، مقاله دیگری این مجموعه است، او

از سفر استاد شهید در دوران جهاد یاد کرده‌است، ملاقات با هیئت ویژه روسیه در جده،^۱ دیدار از روسیه و ملاقات با خانواده‌های اسرا، مفقودین، سپردن صلح‌آمیز حکومت به آقای کرزی، تشکیل جبهه متحد، ریاست شورای عالی صلح، اشتراک در سیمینار بیداری اسلامی و افشای هویت طالبان از مطالب مورد بحث آقای قرلق است.

این بود از خاطرات آقای قرلق که فهرست مطالب آن تقدیم شد؛ سیزدهم؛ آقای صالح محمد ریگستانی، تحت عنوان «استاد ربانی و نیم‌قرن مبارزه» مقاله نوشته و شناخت سی‌ودو ساله خویش را از آن شهید بازگو می‌کند، او حیات سیاسی و علمی استاد را به بحث گرفته و به آن شخصیت بزرگ، ارادت کرده‌است؛

چهاردهم؛ اخیراً.. ربانی کیست و ربانیت چیست؟ نوشته آقای فضلی‌آماج است که به معانی این کلمات از نظر قرآن، پرداخته‌است، او در این مقاله، از نسبت شهید با رب، سخن گفته و در اخیر به صورت کوتاه مرد ربانی را چنین بیان کرده‌است: مرد عالم، آگاه عامل، مجاهد، مصلح، باثبات، ماندگار، محبوب و آموزگاری که پیوند ناگسستنی با رب خود دارد.

۱. جده؛ شهری است که در غرب کشور پادشاهی عربستان سعودی و در شبه جزیره عربستان موقیعت دارد، جمعیت جده در سال ۲۰۱۰م، ۳۱۶۱۰۰۰ نفر شده‌است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵.

در حاشیه «آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی»

اثر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی، رئیس‌جمهور سابق
و رهبر فقید جمعیت اسلامی افغانستان؛
به قلم: دکتور عبدالصبور فخری، استاد دانشگاه کابل

مقدمه

۱- نخست از همه، درود به روان پاک تمام شهدای راه اسلام در طول تاریخ، به‌ویژه به روح استاد شهید که بخش بزرگی از ملت افغانستان را علیه قشون سرخ، مدبرانه رهبری کردند و هم‌چنان به روح قهرمان ملی فرمانده بزرگ، شهید انجینیر احمدشاه مسعود، از الله متعال استدعا دارم که این دو شهید بزرگوار و کلیه شهدای اسلام مخصوصاً شهدای جهاد افغانستان را بهشت‌برین نصیب بگرداند، آمین!

۲- بنده دیدگاه و قضاوت خود در مورد این کتاب را به سه قسمت تقسیم‌بندی می‌کنم:

بخش نخست؛ چند نظر کلی در مورد کتاب:

این جانب کتاب حاضر که «آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی» نام دارد را دو بار تا آخر خواندم، به این نتیجه رسیدم که استاد شهید این کتاب را برای این نوشته نکرده‌است که تشنگی نویسندگی خود را رفع گرداند؛ بلکه آن را به‌هیث یک ضرورت وقت و رهنمودهای بنیادین

برای راهروان راه دعوت نوشته‌است، این کتاب را برای آن، نگاشته؛ تا خواننده مطالب و محتویات آن را به‌خاطر بسپارد و به‌اطلاعات علمی خود بیفزاید و بس؛ بل برای آن نوشته؛ تا بدان عمل گردد و مشعل زندگی دعوتی و مبارزاتی هرفرد مسلمان مبارز، قرار گیرد؛

۳- به عقیده بنده، اگر مطالب این کتاب امروز هم عملی گردد، می‌تواند، به‌عنوان یک راهنمای خوب، نسل کنونی و نسل‌های آینده، حرکت اسلامی را در افغانستان در مسیر درست رهبری کند و از بیراهه‌ها و اشتباهات و انحرافات نجات دهد؛

۴- بنده با کم‌تر اثر علمی‌ای از نویسندگان افغان برخورد کرده‌ام که این‌قدر از نصوص دینی استفاده کرده باشد و قرآن و سنت نبوی را مرجع اساسی خود قرار داده باشد، به حق در این کتاب بیشتر و بهتر از هر تألیفی از آیات و احادیث نبوی استفاده صورت گرفته به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: استشهاد از آیات و احادیث به دقیق‌ترین شیوه صورت پذیرفته‌است؛

۵- بنده با جرأت می‌توانم این کتاب را از نظر تیوری پردازی و بنیادهای فکری به نبشته‌های امام حسن البنا W^۱ و از نظر مبتنی بودن

۱. امام حسن البنا G پسر شیخ احمدالبنا بانی جنبش جهانی اخوان المسلمین، در ۱۹۰۶م، در ولایت بَحیره مصر به دنیا آمدند و در ۱۲ فبروری ۱۹۴۹م، به شهادت رسیدند و امام G در پاسخ به پرسش روزنامه نگاری که از او پرسید تو کیستی؟ خود را چنین معرفی می‌کند: «من گردشگری‌ام که در جست‌وجوی حقیقت است، انسانی که مصداق انسانیت را در میان مردم می‌جوید و شهروندی که کرامت، آزادی، استقلال و پایداری و زندگانی با عزت را در سایه اسلام حنیف برای وطنش جست‌وجو می‌کند، من آزاده‌ای‌ام که راز وجود خود را دریافته و فریاد برآورده‌است: «نمازم، عبادتم، زندگی و مرگم برای پروردگار جهانیان است که شریکی ندارد، به همین فرمان یافتم و من از زمره مسلمانانم.» هان! این منم، تو کیستی؟» نگاه پیام‌بیداری، از امام شهید و کتاب: امام شهید حسن البنا راه دعوت و نوگرایی، از استاد انورالجبندی.

بر تجارب عملی با کتب استاد مصطفی مشهور^۱ و دکتر فتحی یکن،^۲ مانند کنم.

بخش دوم؛ نظراتی نسبتاً تفصیلی، پیرامون محتویات کتاب: رساله «آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی» از ۱۴۸ صفحه تشکیل یافته‌است که دارای نُه مبحث می‌باشد، در حقیقت هر مبحث آن دربرگیرنده مطالبی است واقعاً آموختنی که بایستی روندگان راه انقلاب اسلامی، آن را مشعل راه خویش قرار دهند.

۱- استاد شهید در مبحث نخست کتاب تحت عنوان «مسئولیت دعوت در حرکت» تأکید می‌دارد که همه اعضای حرکت وظیفه دارند؛ تا مسئولیت دعوت را به عهده بگیرند و پیشبرد آن را مکلفیت اساسی خود بدانند و در ادای آن لحظه‌ای غفلت مورزند، استاد برای تأیید مطلب خویش به تاریخ انبیا P استدلال می‌کند و در مورد هریک آن‌ها مبتنی بر آیات قرآنی به بحث می‌پردازد.

استاد در ادامه، دعوت در راه خداوند^۳ را گرامی‌ترین عمل

۱. استاد مصطفی مشهور؛ پنجمین مرشد عام حرکت جهانی اخوان المسلمین در ۱۵ سپتامبر ۱۹۲۱م، در روستای السعدیین الشرفیه در مصر به دنیا آمد و در ۲۲ اکتوبر ۲۰۰۲م، به عمر ۸۱ سالگی چشم از جهان فرو بست، از این دانشمند بزرگ جهان اسلام آثار فراوانی به جای مانده‌است که مشهورترین آن‌ها عبارت‌اند از: تساؤلات علی طریق الدعوة، مناجاة علی الطريق، وحدة العمل الإسلامی فی القطر الواحد، القدوة علی طریق الدعوة، الدعوة الفردية، الإسلام هو الحل، قضايا أساسية علی طریق الدعوة، طرق الدعوة بین الأصالة والانحراف، نگاه: وبسایت اخوان‌اونلاین و وبسایت الجزیره.

۲. دکتر فتحی محمدعنايه مشهور به یکن؛ سیاست‌مدار و دانشمند دینی لبنانی، سنی مذهب ترکی الاصل و رئیس جبهه عمل اسلامی در کشور عربی لبنان بود، این دانشمند مسلمان از ابتدای دهه پنجم قرن ۲۰ مشغول به دعوت اسلامی شد و از پیشگامان و یکی از تهداب‌گذاران جنبش اسلامی در لبنان بود که از اخوان المسلمین سوریه به‌ویژه دکتر مصطفی سباعی الهام می‌گرفت، فتحی یکن در میان سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۹۲م، امیر جماعت اسلامی که خود یکی از شاخه‌های جنبش اخوان المسلمین لبنان بود گردید و در سال ۱۹۹۲ به‌عنوان عضو شورای نمایندگان لبنان برگزیده شد که بعدها از آن جدا شد و جریان موسوم به جبهه عمل اسلامی را بنیان نهاد، آثار و نوشته‌های او به بیش از ۳۵ اثر می‌رسد، این دعوتگر و نویسنده مشهور امت اسلامی در ۱۳ جون ۲۰۰۹م، در شفاخانه اوتیل دیو در شهر بیروت لبنان در اثر حمله قلبی به عمر ۷۷ سالگی به رحمت حق پیوست. نگاه: وبسایت پایگاه اطلاع رسانی اصلاح.

می‌خواند و آن را ملاک مؤمن بودن و فارق میان مؤمن واقعی و منافق می‌شناسد؛

۲- استاد شهید در مبحث دوم کتاب خویش تحت عنوان «دعوت در داخل تنظیم» به لزوم دعوتگری منظم و سازمان‌یافته تأکید می‌کند و بر آن است که هرگاه دعوت به شکل منظم به پیش برده شود، سبب پیروزی و موفقیت کار می‌شود و دیدگاه خویش را با چندین آیت قرآن کریم و چندین حدیث نبوی / تقویت می‌کند؛

۳- در مبحث سوم کتاب تحت عنوان «مشکلات در راه دعوت» اذعان دارد که هر دعوتی از میان خارزار مشکلات می‌گذرد و فرازونشیب‌های زیادی را در پیش دارد؛ زیرا که با پیشرفت دعوت اسلامی، کنگره‌های ظلم و کاخ ستمگران به لرزه می‌افتند، بناء عیاشان تباه‌کار دست به فساد و تباهی زده موانع و مشکلاتی را در برابر داعیان برحق، خلق می‌کنند و برای در نطفه خنثی کردن جنبش‌های اسلامی و خاموش کردن آواز داعیان راه حق، از ارتکاب هیچ‌نوع جنایتی دریغ نمی‌کنند.

استاد در ادامه این مبحث اشاره به قربانی‌های انبیا و پیروان آنان و به تاریخ درخشان اسلام، مخصوصاً امام حسین ^۱ اشاره می‌کند و به قربانی‌های دعوت‌گران و اصلاح‌گران سده اخیر: امثال سید جمال‌الدین

۱. حسین بن علی بن ابی طالب > ؛ فرزند دخت رسول الله / است که پس از برادر بزرگ‌ترش حسن بن علی V در ماه شعبان سال ۴هـ.ق، متولد شد و به تاریخ ۱۰ محرم ۶۱هـ.ق، در کربلا به شهادت رسید، وی در دوران کودکی رسول الله / را درک کرد و در هنگام وفات رسول الله / هنوز کودک بود، پس از رسول الله / خلیفه بزرگوارش ابوبکر صدیق > وی را گرامی می‌داشت و پس از او عمر بن خطاب و عثمان بن عفان V - نیز- او و دیگر بزرگواران اهل بیت را بسیار گرامی می‌داشتند. نگاه: داستان شهادت حسین بن علی > و سخنی در باره ماه محرم، گردآوری و نگارش، ابومهدی فارسی.

افغانی،^۱ امام حسن البنا، استاد عبدالقادر عوده،^۲ استاد سیدقطب و دیگر پیروان حرکت اخوان در مصر و جهان عرب، اشاره می‌کند.

و در آخر می‌گوید: «داعیان حق در هر عصر و زمان با رنج‌های فراوان پنجه نرم می‌کنند و مشکلات، مانع راه آن‌ها نمی‌گردد، آن‌ها از هجوم موانع در راه دعوت نمی‌هراسند، مشکلات و رنج‌ها باعث یأس و تأثر آنان نمی‌گردد و از نتایج اعمال خویش راضی و مطمئن می‌باشند.»^۳

۴- استاد در خلال مبحث چهارم کتاب خود تحت عنوان «برخورد

۱. سیدجمال الدین افغانی G؛ مفکر، اندیشمند و بیدارگر معروف جهان اسلام در شعبان سال ۱۲۵۴هـ.ق، در یک خانواده سادات در اسعدآباد کتر که یکی از ولایات شرقی افغانستان است دیده به جهان گشود، در شش سالگی با پدرش به کابل آمد و علوم مروج و قرآن کریم را نزد پدر فراگرفت، طبق ضرورت برای تحصیل بیشتر علوم در ۱۷سالگی نخستین سفرش را به هند آغاز کرد، در ۱۸۵۷م، به سفر حج به مکه رفت و در ۱۸۵۸م، به تهران سفر کرد و در این وقت ۲۰ سال داشت، در همین سال به کابل برگشت و در سال ۱۸۶۲م، حین محاصره هرات با دوست محمد خان همراه بود و علیه استعمارگران انگلیس در خط مقدم جبهه قرار داشت و در ۱۸۶۳م، در اعلان پادشاهی شیرعلی خان در هرات حضور داشت، یک‌سری برنامه‌های اصلاحی را به دربار شیرعلی خان تقدیم کرد؛ اما از سوی دربار رد گردید، سید زمینه را برای کاشتین بذر دعوت در افغانستان مساعد ندید و بار دیگر به تهران رفت و حرکت بیدارگری خویش را در آنجا نیز ادامه داد؛ اما از آنجا نیز تبعید گردید و بعداً به مصر رفت، در مصر نیز برنامه‌های دعوتی خویش را به پیش برد و شاگردان چون شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا را تربیت کرد، بعداً به فرانسه سفر کرد و در مناظره رویاروی یک تن از فیلسوفان بنام فرانسوی او را مغلوب ساخت و مجله «عروة الوثقی» را در پاریس تأسیس کرد، این مجله در بیشترین کشورهای جهان به نشر می‌رسید، از آنجا به ترکیه آمد و از وی استقبال خوبی صورت گرفت، بالاخره سید در ترکیه به گونه‌ای مرموزی در ۵ شوال ۱۳۱۴هـ.ق، در گذشت. بنا به درخواست دولت وقت افغانستان جسد مطهر سید G از استانبول به افغانستان انتقال داده شد و در پوهنتون کابل دفن گردید. از سید G آثار و تألیفات فراوانی به‌جامانده است: تتمه البیان فی التاریخ الأفغان، الأعمال الكاملة لجمال الدین الأفغانی، الآثار الکاملة، رسائل فی الفلسفه والعرفان، مرآة العارفين، خاطرات الأفغانی، العروة الوثقی از جمله آثار اوست. نگاه: سیدجمال الدین الحسینی الأفغانی بیدار گر عصر، از ف. فاضل.

۲. عبدالقادر عوده؛ (۱۹۰۶ - ۱۹۵۴م) قاضی و حقوق‌دان پرآوازه مصری است که در ۱۹۵۴م، توسط رژیم ناصر به دار آویخته شد، الإسلام وأوضاعنا القانونية، الإسلام وأوضاعنا السياسية، المال والحکم فی الإسلام، التشریح الجنائی الإسلامی والإسلام بین جهل أبناؤه وعجز علمائه از جمله آثار اوست که شماری از آثار او به فارسی هم برگردان شده است. نگاه: الموسوعة الإخوان المسلمون.

۳. آموختنی‌های در مسیر انقلاب اسلامی، ص: ۴۶.

با مشکلات» تأکید می‌کند که باید داعی مسلمان در برابر رنج و محنت، شکیا و صابر و در مقابل مشکلات و موانع شجاع و ثابت‌قدم باشد و هجوم تکالیف اراده‌اش را ضعیف مسازد و وجود مشکلات مانع پیشرفت و حرکت او نگردد.

استاد برای مقابله با مشکلات دو راه را پیشنهاد می‌کند:
الف) وقایه: هدفش از آن این است که نباید داعی زیر نام مقابله با مشکلات خودش را در ابتلا و آزمون افگند و حدیثی را -نیز- نقل می‌کند که پیامبر / فرموده‌اند:

﴿لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ عَدُوِّكُمْ فَإِنْكُمْ لَا تَدْرُونَ عَسَى أَنْ تُبْتَلَوْا بِهِمْ﴾^۱

ب) تدبیر: در این نکته تأکید می‌دارد که باید داعی زیرک و هوشیار باشد و مواقع خطر را ادراک کند و هرگاه به خطر مواجه گردد، از قبل برای برچیدن آن تدبیر بسنجد؛ تا نشود که در دام افتد و برای تقویت نظر خویش به حدیث:

﴿لَا يُلْدَغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ﴾^۲

استدلال می‌کند؛

۵- استاد در خلال مبحث پنجم کتاب خود به مداوم‌بودن و پیگیری مستدام دعوت تأکید می‌کند و می‌فرماید:

«داعی باید مبارزه علیه فساد را وحیبه و مسئولیت دایمی و همیشگی خویش بداند و بدون احساس خستگی راه خود را ادامه دهد.»^۳

ایشان برای تقویت نظر خویش دعوت حضرت نوح ۴ و از دعوتگری حضرت یوسف ۴ در زندان و بیرون زندان و دعوت

۱. بخشی از حدیث مبارک است: ﴿لَا تَتَمَنَّوْا لِقَاءَ عَدُوِّكُمْ فَإِنْكُمْ لَا تَدْرُونَ عَسَى أَنْ تُبْتَلَوْا بِهِمْ، وَلَكِنْ قُولُوا: اللَّهُمَّ اكْفَانَا مِنْهُمْ وَكُفَّ عَنَّا بَأْسَهُمْ، فَإِذَا جَاءُوكُمْ يُعْرِضُونَ وَبُرْجَعُونَ وَيَصِيحُونَ، فَعَلَيْكُمْ بِالْأَرْضِ، وَقُولُوا: اللَّهُمَّ نَوَاصِينَا وَنَوَاصِيَهُمْ بِيَدِكَ، وَإِنَّمَا تَقْتُلُهُمْ أَنْتَ، فَإِذَا غَشَوْكُمْ فَتَوَرَّأُوا فِي وُجُوهِهِمْ، وَاعْلَمُوا أَنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ الْأَبَارِقَةِ﴾ نگاه: سنن سعید بن منصور، ص: ۲۰۴، شماره حدیث: ۲۵۱۹.

۲. نگاه: صحیح البخاری، کتاب بدء الوحي، شماره حدیث: ۶۱۳۳.

۳. آموختنی‌های در مسیر انقلاب اسلامی، ص: ۵۹.

حضرت پیامبر / را مثال می‌آورد که آن انبیای بزرگوار چگونه بدون خستگی و با استفاده از هر فرصت زمانی و مکانی برای رساندن دعوت و اندیشه خویش دریغ مورزیدند؛

۶- استاد در لابه‌لای مبحث ششم کتاب به ضرورت‌ها و صفات اولی یک مسلمان مبارز اشاره کرده و تأکید می‌دارد که باید دعوتگر مسلمان از این صفات برخوردار باشد، این ضرورت‌ها و صفات اولی که استاد بر آن تأکید داشته‌است، عبارت‌اند از:

الف) نیازمندی‌های عقلی و نفسی؛ یعنی دعوتگر مسلمان باید متصف به عقلیت اسلامی بوده و تمام تلاش‌های خود را در چارچوب تعالیم و ارزش‌های اسلامی عیار سازد و از روش کار خود در روشنی ارزش‌های اسلامی کاملاً آگاه باشد؛

ب) باید داعی مسلمان نفسیت اسلامی داشته و به ارزش‌های اسلامی و راه‌حل‌های اسلامی قناعت کامل داشته باشد؛ تا از دوگانگی شخصیتی و دعوتی برکنار بماند و شخصیت وی، خود نماد از دعوت وی باشد؛

ج) صفا و خلوص نیت؛

د) راستی در قصد و قول و عمل؛

ه) صبر و شکیبایی در برابر طاعت‌ها و معاصی و بلاها؛

و) مهربانی و ترحم؛

ز) تواضع و وسعت نظر؛

ح) داشتن روحیه اجتماعی.

۷- استاد در مبحث هفتم کتاب خود جهت راه‌یافتن داعی به دل‌های مردم و برداشتن موانع از سر راه ۲۰ روش عملی در تعامل و برخورد را پیشنهاد می‌کند که همه نشان‌دهنده تجارب زنده و واقعی‌اند، بنده به قوت می‌توانم، بین این رهنمودهای «بیست‌گانه» عملی استاد و «اصول عشرین» امام شهید حسن البنا مقایسه کنم؛ ولی با یک تفاوت که سخنان

استاد شهید ابعاد عملی و تطبیقی دارند و اصول عشرين امام حسن البنا به بُعد تیوریکی و اعتقادی متعلق‌اند.

چند نکته مهم آن عبارت‌اند از: رعایت حکمت در نشر دعوت اسلامی که از روحیه چلنج و تحدی دور باشد، دوری از یأس و خستگی در هنگام پخش تیوری، دوری از پاسخ‌دادن تند و زشتی در وقت بحث و مناقشه، انتخاب کوتاه‌ترین راه به‌خاطر رسیدن به هدف مطلوب، دوری از وقت‌گذرانی در اموری که نتیجه‌ای بر آن مرتب نمی‌شود، پرهیز از جدال بی‌ثمر، دوری از غرور و خودخواهی، تعقیب و ادامه کار با شخصی که نزدیک شده‌است، پرهیز از عیب‌جویی و شکوه، تلاش برای اینکه شخصیت ترجمان فکر و دعوت باشد، دوری از ناقص و یک‌پهلوی معرفتی کردن اسلام، گزینش راه میانه در امور و عدم اظهار مخالفت با مسایل ثابت علمی؛

۸- مبحث هشتم کتاب متعلق به طبیعت و سرشت و خواص دعوت اسلامی است، استاد در این مورد می‌فرماید که دعوت اسلامی درواقع اعلان انقلاب و تمرد است علیه تمام مظاهر انحراف؛ چه به انحرافات و فساد در جهان بیرون مربوط شود و چه به انحرافات و فساد در درون وجود انسان؛

۹- در مبحث اخیر کتاب جهت رسیدن به اهداف مطلوب به لزوم برنامه‌ریزی دقیق تأکید شده‌است و می‌گوید: بنیان‌گذاری حکومت اسلامی و درهم‌کوبیدن طواغیت و رژیم‌های جهنمی الزام می‌دارند که پاسداران انقلابی و سر به کف اسلام پلان و برنامه دقیق داشته باشند و در ادامه می‌گوید: دشمنان اسلام برای سرکوبی حرکت‌های اسلامی برنامه‌ریزی طویل‌المدت می‌کنند و عصر کنونی هم عصر برنامه‌ریزی است و در ادامه به برنامه‌ریزی حضرت یوسف ۴ جهت کنترل بحران گرسنگی و قحطی در مصر و به برنامه‌ریزی ذوالقرنین^۱ و استفاده او از وسایل جهت

۱. یکی از شخصیت‌های مهم و در عین حال بحث‌انگیز قرآن «ذوالقرنین» است، نام این

ایجاد سد در برابر گروه خطرناک یاجوج و مأجوج و به برنامه‌ریزی‌های مختلف پیامبر / در غزوات مختلف مخصوصاً در غزوة خندق^۱ اشاره می‌کند، ایشان برنامه‌ریزی را یک وجیهه و ضرورت عصر می‌داند و این قاعده شرعی:

﴿مَالَايْتُمُ الْوَاجِبَ إِلَّا بِهِ، فَهُوَ وَاجِبٌ﴾^۲

را دلیل می‌آورد.

بخش سوّم؛ پیرامون خدمات مرکز تدوین آثار رهبر شهید: حقیقت این است که «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» کار بس بزرگی در خدمت این رساله انجام داده‌است که می‌توان گفت، سی‌الی چهل فیصد اثر، بخشی این رساله مرهون کار برادرانی است که آن را ویرایش و تحقیق کرده‌اند، به گونه‌ای که هیچ صفحه‌ای را از حواشی و توضیحات مفید و سودمند خالی نمی‌توان دید و در آخر آن فهرست‌هایی اضافه شده که شامل فهرست آیات قرآنی، احادیث نبوی، اشعار، اسما، اشخاص، اماکن، گروه‌ها و احزاب و قبایل، مفاهیم و اصطلاحات و روی‌کردها

شخصیت سه بار، در سورة كهف آمده‌است، داستان ذوالقرنین در آیات ۸۳ تا ۹۷ سورة كهف آمده‌است.

۱. غزوة احزاب یا غزوة خندق؛ در شوال سال پنجم هجری به‌وقوع پیوسته‌است، سببش این بود که بعد از آنکه بنی‌نضیر کوچانده شد، تنی چند از رهبران‌شان به مکه آمده و قریش را به نبرد با فرستاده الله / تشویق کردند، قریش نیز پیشنهادشان را پذیرفت، سپس آنان به قبیله غطفان رفتند، عشایر بنو قراقره، بنومره و اشجع نیز حرف‌های‌شان را قبول کردند و سوی مدینه رهسپار شدند، وقتی که رسول الله / از تصمیم دشمنان، اطلاع حاصل کرد، با اصحاب به مشوره پرداخت، حضرت سلمان فارسی ~ مشورت داد؛ تا در اطراف مدینه خندق حفر کنند و رسول الله / مطابق مشوره سلمان فارسی ~ به حفر خندق دستور داد و خود نیز با اصحاب در حفر خندق سهم گرفت، از همین سبب این غزوه به‌نام غزوة خندق نیز مشهور شد، تعداد کفار در این غزوه به ده هزار نفر و از مسلمانان به هزار تن می‌رسید، تمام گروه‌های مشرکین در این غزوه شرکت کرده بودند، از همین جهت به‌نام غزوة احزاب یاد شده‌است؛ ولی با این همه سرانجام مشرکان شکست خوردند و مسلمانان پیروز شدند، در مورد این غزوه آیاتی نیز آمده‌است. جهت معلومات بیشتر مراجعه شود به کتاب «سیرت نبوی درس‌ها و اندرزها»، اثر دکتر مصطفی سباعی، مترجم: ف- فاضل، ص: ۶۴-۶۵.

۲. نگاه: تفسیر المنار، ج: ۸، ص: ۵۲۶.

می‌شود، در کم‌تر کتابی پیدا می‌کنم که جهت تحقیق یک رساله کوچک این‌چنینی، به ۵۶ مرجع علمی و ۲۵ صفحه انترنتی مراجعه صورت گرفته باشد، البته این خود دلیل دقت و جدیت و توجه محققین آن می‌باشد، امیدوارم که در بقیه کتب استاد هم این‌طور دقت صورت گرفته باشد.

در حالی که برای استاد شهید بهشت‌برین آرزومندم، برای رونندگان راه او توفیق کار خیر و ادامه کار خیر خواهانم و برای برادرانی که در ویرایش و تحقیق این رساله گران‌سنگ تلاش فراوانی به خرج داده‌اند، پاداش عظیم مسئلت می‌کنم.

وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقُ

سخنرانی میر آقا حقجو

در نخستین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید

مکان: تالار دانشگاه تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی

زمان: ۶/۲۷ / ۱۳۹۳ هـ ش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ وَأَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ
مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ؛
قال علی 4 :

﴿لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ خَلَقَكَ اللَّهُ حُرًّا﴾^۱

(بنده دیگران مباشید؛ زیرا خدا شما را آزاد آفرید.)

دشمنت کُشت؛ ولی نور تو خاموش نگشت

آری؛ آن جلوه که فانی نشود، نور خداست

زنده را زنده نخوانند که مرگ از پی اوست

بلکه زنده است، شهیدی که حیاتش ز قفاست^۲

قبل از همه سوّمین سالگرد شهادت جانگداز و پرافتخار اسوه
صلح‌خواهی و برادری، رهبر سترگ دوران جهاد و مقاومت جناب استاد
شهید برهان‌الدین ربّانی را به پیشگاه با عظمت ملت غیور افغانستان،
مبارزین و صلح‌جویان جهان تسلیت عرض می‌دارم، استاد شهید که عمر
پر بارش را در راه گسترش فرهنگ ملی و اسلامی، دفاع از آزادی کشور،
مقاومت در برابر ستون پنجم^۳ دشمن و صلح‌جویی جهت وحدت ملی و

۱. نگاه: نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲. این بیت از مرثیه میرزا فتح‌الله قدسی کرمانی متخلص به فؤاد است. نگاه: دیوان شمع جمع.

۳. ستون پنجم؛ به معنای عوامل پنهانی است که در خدمت دشمن قرار دارند و در پشت جبهه
به عملیات خرابکارانه دست می‌زنند. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۴۳.

تقریب مذاهب اسلامی به منظور اخوت و یک‌پارچگی مذاهب اسلامی سپری کرد، سه سال قبل به‌دست گروه جاهل و عُمالِ بیگانه به کاروان شهدا پیوست، شهادت این مرد بزرگ ملی ضایعه جبران‌ناپذیری بر ملت افغانستان و درس بزرگی بر تمامی آزادمردان این خطه‌است که دشمن هیچ‌گاهی تن به صلح نمی‌دهد، خون پاک این شهید مجاهد و سایر شهدای به خون خفته این مرزوبوم چهره منحوس این مزدوران اجانب و جنایت‌پیشگانِ خون‌آشام تاریخ را بیش از پیش بر ملا ساخته صلح و وحدت ملی را به ارمغان آورد و بر اجساد پوسیده آنان بنای برادری و برابری و حکومت حق و عدالت اعمار خواهد گردید.

استاد شهید رهبر با عظمت و از بنیان‌گذاران نهضت اسلامی به شمار می‌رود، موصوف از نخبگانی بود که با داشتن ویژگی‌های بزرگ علمی، سیاسی، جهادی و عرفانی مستقیماً در جامعه اثرگذار بود، عامل شگوفایی این شخصیت والا، توجه خاص ایشان به خودشناسی و خداشناسی بود که وی را اسوه و الگوی دوران جهاد و مقاومت ساخت، ابعاد گوناگون شخصیتی حتی متضاد در وجود وی به کمال رسیده بود، این فرزندِ هجرت، جهاد و شهادت، هم مرد عمل بود و هم مرد اندیشه، شیر بیشه‌های میدان مبارزه و جهاد بود و عارف شب‌های تار و خلوت، وی مرد آهنینی بود که با قلب رؤوف و مهربان، با زیردستانش مثل یک پدر مهربان برخورد می‌کرد و در صحنه‌های جهاد و مبارزه به‌خاطر خدا و نجات خلق الله؛ تا آخرین قطره خون مقاومت می‌کرد، زندگی، آرا و دیدگاه‌های وی، مملو از ارزش‌های ملی، اسلامی و راه‌گشای جاده کمال به‌سوی او و إلى الله المصیر برای نسل ما و نسل‌های آینده‌است.

استاد بزرگ یکی از اندیشه‌پردازان افغانستان و انقلاب اسلامی به شمار می‌رود، جهاد و جامعه را در جهت تطبیق استقلال رهبری می‌کرد، کتاب پر بار و افتخار آفرین «استقلالیت انقلاب» مبین این واقعیت است،

این کتاب با عناوین و مطالب دلچسپ و زیبا، مانند: ارادهٔ مستقل، گوهر انسانیت، هشدار از فرصت‌طلبان و مزدوران، نمونه‌های از فرصت‌طلبی‌ها از تاریخ اسلام، وابستگی آفت انقلاب‌ها، جهاد در افغانستان، امریکا و سایر مطالب تقریر یافته، استاد بر وحدت ملی و استقلالیّت کشور و انقلاب به‌عنوان یک ارزش ملی و اسلامی تکیه دارد و جهت پاسداری و رسیدن به آن نقشی به سزای در پروسهٔ سیاسی بُن^۱ ایفا کرد.

استاد همیشه تأکید داشت که سیاست باید مبتنی بر استقلالیّت و عدالت باشد و بر نمایندگان مجاهدین، در نشست بن هشدار می‌داد که استقلالیّت سیاسی و ملی کشور در توافقات بین‌المللی حفظ شود و نباید خدشه‌دار گردد، از زمان اشغال اتحاد شوروی به بعد، افغانستان در شرایطی به‌سر می‌برد که با تقابل شدید دو قطب بزرگ شرق و غرب، دریافت اسلحه از سازمان‌های اطلاعاتی جهت مُبارزه با قوای شوروی و عدم هماهنگی گروه‌های جهادی، صلح، ثبات و امنیت در سراسر کشور جای خود را به سفرای قومی، سیاسی، نظامی، نژادی و مذهبی مبدّل کرده و حضور گستردهٔ رقبای استخباراتی منطقه و بین‌المللی در سرتاسر افغانستان، کشور را تبدیل به جولان‌گاه رقابت‌های استخباراتی بین‌المللی کرد، بالاتر از همه تقابل فرهنگ‌های قومی، نفوذ سیاسی و فرهنگی بیگانگان، هویت ملی و استقلالیّت انقلاب را خدشه‌دار ساخته بود، از این‌رو استاد، در طول حیات پربار و ارزشمندش، جهت حفظ و حراست از دست‌آوردهای جهاد، مُبارزه علیه تهاجم فرهنگی بیگانگان و پاسداری از ارزش‌های دینی و میهنی، توجّه دینی و استقلالیّت فرهنگی داشت و تأکید می‌کرد که استقلالیّت فرهنگی مقدمهٔ رسیدن به استقلالیّت ملی است، اگر انسان استقلالیّت ملی نداشته باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند

۱. بُن؛ یکی از شهرهای آلمان در ایالت نوردراین - وستفالن است، این شهر از پایان جنگ جهانی دوم؛ تا زمان اتحاد آلمان شرقی و غربی در اکتبر ۱۹۹۰م، پایتخت کشور آلمان غربی بود، منظور در اینجا کنفرانس بن اوّل است که در ۱۳۸۰هـ.ش، در ارتباط به افغانستان در این شهر گرفته شده بود. نگاه: کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان، ص: ۴۳۴.

انتخاب‌گر باشد، همیشه توسط انتخاب‌دیگران تصمیم می‌گیرد و به تصریح می‌فرمود:

«ما شاید استقلال سیاسی داشته باشیم؛ اما در عرصه تصمیم‌گیری‌های بزرگ متکی به خود نباشیم و همیشه از جانب قدرت‌های بیرونی دیکته گردیم، وقتی ما تمام تصمیم خود را خود بگیریم، دارای استقلالیت ملی‌ایم.»

در یک کلام باید گفت: تفکر و اندیشه ناب رهبر بزرگ جهاد و مقاومت، شهید زنده‌یاد، جناب استاد ربانی این است که حفظ استقلالیت انقلاب، استقلالیت ملی است، ما باید تمام توجه و تلاش خود را معطوف به این داریم که این فرهنگ، فرهنگ حریت است که در مکتب استاد بود. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

نگاهی به کتاب: چه نوع مُبارزه؟

اثر استاد شهید اکادمیین علوم جمهوری اسلامی

افغانستان، پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛

سرمحقق عبدالباری راشد؛ رئیس پیشین اکادمی علوم

افغانستان

شکی نیست که استاد شهید، یکی از نخبگان علم و ادب، محقق و نویسنده بزرگ در تاریخ کشور ما بودند، ایشان را در نوشتن متن عالی نثر فارسی، تنها می‌توان با مرحوم استاد خلیل الله خلیلی G^۱ مقایسه کرد و بس.

برخی‌ها با نوعی از القاب، بزرگ‌نمایی می‌شوند؛ اما برخ دیگری القاب را بزرگ می‌نمایانند، چنانچه لقب «مولوی» با نام جلال‌الدین محمد بلخی عظیم و سنگین تجلی می‌یابد.

این چنین القاب پروفیسور و اکادمیسین در کشور ما با نام‌های نامی چون برهان‌الدین ربانی و آیت‌الله شیخ محمد آصف محسنی،^۲ بزرگ جلوه می‌کنند.

۱. خلیل‌الله خلیلی؛ شاعر معاصر سرزمین ما بود که در ۱۲۸۶ هـ.ش، به دنیا آمد، به زبان فارسی شعر می‌سرود، در کودکی پدرش را از دست داد، پیش از کوتای ۷ ثور، وی صاحب مناصب دولتی متعدد در دولت وقت افغانستان بود و پس از آن، ترک وطن کرد و باقی عمر را اکثراً در پاکستان به‌سر برد، استاد خلیلی در مجموع ۶۲ اثر منظوم و منثور در عرصه‌های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان دارد که بیشترشان در داخل و خارج از افغانستان به چاپ رسیده‌است، سرانجام استاد خلیلی در بهار ۱۳۶۶ هـ.ش، در شهر اسلام‌آباد کشور پاکستان درگذشت، جسد وی پس از ۲۵ سال از درگذشتش، از پاکستان به کابل منتقل شد و در مراسم رسمی در محوطه دانشگاه کابل، در کنار آرامگاه سیدجمال‌الدین افغان به خاک سپرده شد. نگاه: وبسایت گنجور.

۲. آیت‌الله اکادمیسین محمد آصف محسنی؛ رئیس شورای علمای اهل تشیع در افغانستان است که بیش از ۶۳ اثر در موضوعات مختلف دارد. نگاه: شخصیت‌های بزرگ افغانستان، از شمس‌الحق آریانفر.

به قول مولانای بلخ: این چنین آدم که نامش می‌برم؛ تنها نامش می‌تواند معرّف و ستایشگر مقامش باشد، نه القابش، بخشی از ابعاد شخصیت اسلامی، علمی، ادبی و انقلابی استاد شهید را می‌توان در رساله «چه نوع مُبارزه؟» ایشان دریافت، این رساله جرماً کوچک؛ اما معنأً بزرگ، از نگاه متن و محتوی، قله‌های آگاهی‌های علمی، دینی، سیاسی، روحانی و ادبی استاد مرحوم و مغفور را به بسیار خوبی آینه‌داری می‌نماید، زندگی یک فرد مسلمان را استاد شهید، در این رساله مطابق آموزه‌های اسلامی چنین تعریف می‌کنند:

«زندگی مؤمن، مُبارزه‌ای است دوامدار و کشمکش‌ی است، پایان‌ناپذیر.»^۱

«زندگی مسلمان که فاقد جهاد، نیت و روحیه مُبارزه باشد، حیاتی است جاهلی.»^۲

آری؛ زندگی مؤمن باید با مُبارزه قطع‌ناپذیر تا دام قیامت همراه باشد؛ زیرا دو عنصر انسان‌دشمن، اوّل ابلیس و دوّم استعمار (پیروان ابلیس) چه در ظاهر و چه در باطن، هرگز بشریت را آرام نمی‌گذارند همیشه جان، مال، ایمان، اخلاق و ناموس انسان‌ها آماج این عناصر ضد حق و بشرند، بناءً مؤمن؛ تا در جهان است با دشمنان سوگندخورده خود درگیر باشد و در مقابل همه دسایس و توطیه‌های شیاطین جنی و انسی، مردانه بایستد و اگر برای بقای حیات مادی و معنوی خویش مُبارزه و مقاتله کند، بدون شک آزادی و زندگی‌اش در مخاطره اسارت در دام‌های نفس و شیاطین جنی و انسی (استعمار) خواهد بود که مسلماً چنان زندگی را حیات جاهلی می‌توان گفت: آرامش مرگبار موجود جهان سوّم^۳ مخصوصاً دنیای اسلام؛ یعنی زندگی بدون مُبارزه، بهترین مصداق

۱. نگاه: چه نوع مُبارزه، ص: ۱۴.

۲. همان، ص: ۱۴.

۳. اصطلاح جهان سوّم؛ برای اوّلین بار توسط یک اقتصاددان فرانسوی به نام «آلفرد سووی» به کار رفت، منظور از آن، کشورهایی است که از لحاظ سطح توسعه در وضعیتی پایین‌تر از

حیات جاهلی است که میلیارد‌ها انسان تحت سلطه شیاطین بزرگ جهان با همه دار و ندار مادی و معنوی‌شان به سر می‌برند.

استاد شهید چهار بُعد اساسی مُبارزه را خیلی موجز؛ اما بسیار عمیق در معرض آگاهی مبارزین راه آزادی، استقلال، نظام اسلامی و اعلای کلمه الله قرار داده‌اند؛

یعنی: آشنایی به مفهوم مُبارزه؛ خلوص نیت در مُبارزه؛ هوشیاری در مُبارزه و استقامت در مُبارزه.

چنان‌که هریک از این مقوله‌های چهارگانه عرصه مُبارزه حذف شود، مسلماً نتیجه هر نوع مُبارزه برای نیل به آرمان‌های والای آزادی، استقلال، حکومت اسلامی و اعلای کلمه الله منفی خواهد بود، نتایج بد مبارزات ملت مظلوم افغانستان در دهه‌های اخیر شاهد عینی برخی از کاستی‌های مبارزات این ملت، در مبانی عملی مقولات یادشده است.

استاد فقید و شهید، مفاهیم مُبارزه را با جملات بی‌حد رسا و زیبا ارایه فرموده‌اند، چنانچه در فرازهایی از یادداشت‌های ایشان می‌خوانیم: «مُبارزه اسلامی یک شعار تُند، میان‌تهی و یا یک خیزِ بی‌حاصل و مشت‌زدن، بر لبه تیز شمشیر نیست.

مُبارزه اسلامی، گاهی به صورتِ دعوتِ آرام و منطقی و گاهی تُند و انقلابی و وقتی هم در شکل برخورد قهرآمیز و فیصله‌کن صورت می‌گیرد.

ناآشنایی به جهان‌بینی اسلام و عدم اطلاع به اصول مُبارزه اسلامی، انحرافات سلوکی و عملی را در مسیر مبارزان قرار می‌دهد. استاد از مرحله آگاهی و آشنایی به مفهوم مُبارزه اسلامی در سطح تیوری هم می‌گذرند و بر بخش ایمان به مُبارزه تأکید می‌کنند.

قدرت‌های بزرگ و متوسط جهان قرار گرفته‌اند، اکثر این کشورها، مدت زمانی تحت تسلط قدرت‌های استعمارگر زیسته‌اند و هنوز نتوانسته‌اند، آثار این سلطه را از بین ببرند. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۵۰.

«تنها معرفت به مُبارزهٔ اسلامی و داشتن عقلیت اسلامی در تکمیل شخصیت داعی و مبارز کافی نیست؛ بلکه داشتن نفسیت اسلامی و قناعت وجدانی کاملاً ضروری است...»^۱

زیرا چه بسی مبارزینی‌اند که تیوری مُبارزه را در مغزها حفظ می‌دارند؛ اما در بُعد ایمان به مُبارزه عملاً ناکام‌اند.

واقعاً در بخش آشنایی به مفهوم مُبارزه به معنای وسیع کلمه کاستی‌هایی در سطوح مختلف به ملاحظه می‌رسید که هرگز جبران نخواهد شد و این یکی از دلایل شکست مبارزات، ملت افغانستان برای کسب آزادی، استقلال و پایه‌گذاری یک نظام اسلامی دلخواه مردم مبارز ماست.

استاد شهید G در خصوص «خلوص نیت» هم که اهم عوامل پیروزی در مُبارزه را نشان می‌دهد، ارشادات قیمت‌داری دارند که اگر به این نکات ظریف و لطیف در مُبارزه توجه شود، مُبارزه را از چهارچوب ضرورت و احساسات، به قلهٔ مبارزات علمی و عملی می‌رساند، به‌طور مثال استاد مرحوم و مغفور در این زمینه چنین می‌نویسد:

«خلوص نیت در مُبارزه، از مسایل بنیادی است، مسلمانان مبارز، در مُبارزهٔ خود یک هدف عالی را در نظر دارند و آن، همانا برافراشتن پرچم توحید و حصول رضای خداوند است...»
 ﴿لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا﴾

«موضوع رسیدن به قدرت، در مُبارزهٔ اسلامی، تنها به‌خاطر حاکمیت‌بخشیدن احکام خدا و غلبهٔ حق بر باطل بوده و قدرت در مُبارزهٔ اسلامی وسیله است، نه غایه.»^۲

مُبارزهٔ خالصانه که با دو هدف اصلی و اساسی کسب حصول رضای خدا^۱ و اعلاّی کلمهٔ الله صورت بگیرد، انسان مؤمن و مبارز را به اصل

۱. نگاه: چه نوع مُبارزه، صفحات: ۱۹، ۲۰، ۲۳ و ۲۵.

۲. نگاه: چه نوع مبارزه، ص: ۲۲ و ۳۴.

رسالت‌های پیامبران الهی و وظیفه امت مسلمه در زمینه واصل می‌سازد، چه هر عمل و عبادتی که یکی از اجزای این (خلوص در نیت) را از دست بدهد یا عملش کاملاً باطل و یا دست‌کم بی‌حاصل برای آزادی و اعلاّی پرچم توحید خواهد بود.

این چنین فراست ایمانی که آخرین فراورده ایمان، تقوی و تمامی عبادات و اعمال صالحه که مخصوص بندگان خاص خدا^۱ است، به‌عنوان سوّمین رکن مبارزه مقبول و موفق در اثر استاد گرامی تجلّی یافته‌است.

آری؛ اگر محض ایمان؛ یعنی اقرار به زبان و تصدیق بر دل را که مخصوص عامه مسلمانان است، درجه ابتدایی ایمان از نگاه رشد و تکامل به حساب آریم، بالترتیب مدارج بعدی رشد ایمانی را در توأمیت ایمان با اعمال صالحه دانست:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ..﴾^۱

که ۶۲۵ مرتبه در قرآن کریم آمده‌است؛

سپس تجدید و تقویّه دمامد ایمان

﴿آمِنُوا، آمِنُوا﴾

و بعداً ترسیدن به حق از خدای متعال:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ..﴾^۲

و در پایان انشراح صدر و دریافت نورانیت خاص الهی را در دل‌ها، درجه نهایی ایمان دانیم، آن فراست ایمانی محصول این نور خاص خدا^۱ در قلب خواهد بود، خداوند^۱ در اشاره به این مرتبه ایمان

۱. بخشی از آیه ۱۱ سورة مبارکه بروج است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ﴾ (مسلمانان کسانی که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته می‌کنند، بدون شک باغ‌های بهشت از آن ایشان است که از زیر [کاخ‌ها و درختان] آن رودبارها روان است و رستگاری و کامیابی بزرگ این است).

۲. بخشی از آیه ۱۰۲ سورة مبارکه آل‌عمران است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آن چنان‌که باید از الله ترسید از الله بترسید و شما نمیرید؛ مگر آنکه مسلمان باشید).

می فرماید:

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ...﴾^۱

استاد ربانی و روحانی ما که با همچو دیدی مصداق تخلص منتخب‌شان را در خود دریافته‌اند، در مورد هوشیاری در مُبارزه «فراست ایمانی» را یکی از ملاک‌ها و معیارهای کار مُبارزه اعلام می‌کنند.

«هوشیاری جزئی از طبیعت مبارزان مسلمان است.»^۲

﴿إِتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ﴾^۳

ایشان اضافه می‌فرمایند:

«مُبارزه اسلامی، خواهان ادراک سالم، بصیرت عمیق، نیت پاک، تقوای بی‌ریا، عمل برنامه‌ریزی شده، هوشیاری، استقامت و استواری است.»^۴

استقامت در مُبارزه، اصل چهارمی است که جناب استاد شهید آن را جزو لوازم اساسی مُبارزه اسلامی تعریف می‌کنند، اصلاً ثبات و پایداری در راه خدا^۵ موجب جذب حمایت و تأییدات ذات اقدس کبریای می‌گردد، خداوند حکیم در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۶

از آیه مبارکه فوق به خوبی روشن است که تنها ادعای بندگی و ایمان به خداوند^۷ شرط تأییدات الهی نیست؛ بلکه ثبات و استقامت

۱. بخشی از آیه ۲۲ سوره مبارکه زمر است که می‌فرماید: ﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ قَوْلٍ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (آیا کسی که الله سینه‌اش را برای پذیرش اسلام گشاده و فراخ ساخته‌است و دارای نور پروردگارش می‌باشد، وای بر کسانی که دل‌های سنگینی دارند و یاد الله بدانان راه نمی‌یابد، آنان واقعا به گمراهی و سرگشتگی آشکاری دچارند.)

۲. نگاه: چه نوع مُبارزه، ص: ۴۰.

۳. نگاه: سنن ترمذی، شماره حدیث: ۳۱۲۷.

۴. نگاه: چه نوع مُبارزه، ص: ۴۴.

۵. (درحقیقت کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند [و می‌گویند] هان بیم مدارید و غمگین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید، شاد باشید.) فصلت / ۳۰.

مدعیان ایمان در این راه مهم است.

این چنین خداوند^۱ مبارزینی را بر دشمنان حق چیره و مسلط می‌سازد که در راه مبارزه استقامت همیشگی داشته باشند، بناءً استاد شهید استقامت در مبارزه را با عبارات شیوا و دل‌انگیز انقلابی این چنین در اثر «چه نوع مبارزه؟» انعکاس بخشیده‌اند:

«مبارزات نیم‌بند و کم‌دوام و موسمی، هر قدر تُند و انقلابی باشد، هیچ‌دردی را دوا نکرده‌است، زعامت و قیادت را قرآن شایسته اشخاصی می‌داند که با ثبات و پایداری در برابر تبهاران صبر و استقامت کرده‌اند.»^۱ هم چنین نشناختن اوضاع و شرایط مبارزه و عدم بینش صحیح از قضایا و تزلزل در راه مبارزه، بخشی از عوامل ناکامی جریان‌ها و مبارزات بی‌سرانجام و بدون استقامت می‌آیند.

استاد مرحوم در هم‌چو موارد می‌نویسند:

«اگر ما مطابق با شرایط و اوضاع و با درک عمیق و بینش اسلامی و با ثبات و استقامت گام برداریم، سرانجام پیروز می‌گردیم، هدف ما بزرگ، منزل ما دور و راه ما صعب‌العبور است؛ اما اراده پولادین و تلاش مسلسل و پیگیر، راه را نزدیک و موانع را از سر راه ما دور می‌کند.»
«هجوم هیبت‌ناک مشکلات، پای اراده‌اش را نمی‌لرزاند و اتهام خیانانه و کاذبانه حلقه‌به‌گوشان استبداد و پای کوبان محفل ارتجاع، در روحیه او تأثیر وارد نمی‌کند.»^۲

خلاصه اثر «چه نوع مبارزه؟» در حقیقت یک شاهکار علمی، تحقیقی، ادبی، سیاسی و اسلامی است که با خامه توانای رهبر شهید جهاد و دعوت اسلامی، استاد برهان‌الدین ربانی^G نگاشته شده‌است که می‌تواند، برای نسل‌های مؤمن، مشعل راه مبارزه و دعوت در راه آزادی، استقلال، حکومت اسلامی و اعلائی کلمه‌الله باشد.

۱. نگاه: چه نوع مبارزه، ص: ۴۸.

۲. نگاه: چه نوع مبارزه، صفحات: ۵۰، ۵۱ و ۵۴.

﴿اللهم اغفره وارحمه وارزقه جنّات النعیم، آمین یارب العالمین﴾

تاریخ، ۱۹ / ۶ / ۱۳۹۳ خورشیدی

سخنرانی مولوی کمال‌الدین حامد

در نخستین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید
مکان: تالار دانشگاه تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی
زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۳ هـ ش

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ.^۱

چه نوع مُبارزه؟ از نوشته‌های جدی و پرمحتوای استاد شهید می‌باشد، فقط می‌توان پیرامون محتوی و آنچه در قسمت کتاب انجام شده‌است، عریضه‌های کوچک و با توجّه به محدودیت وقت داشت.

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾^۲

این پیام الهی آغازین مستند این اثر است، این پیام و نوشته‌های محور آن مُعرّف اصلی کتاب استاد بود، ما با شخصیت استاد و درون‌مایه فکری او روی محدودیت موضوعی بحث نمی‌توانیم؛ ولی می‌توان با توجّه به ابعاد اندیشه‌ای که در درون این کتاب است، به ابعاد شخصیتی استاد - نیز - آشنا شد.

چه نوع مُبارزه؟ آنچه مهم است، نوعیت مُبارزه‌است، علی‌الخصوص برای دعوت‌گرانی؛ چون استاد و عصر سدهٔ پسین، دسترسی به اهداف

۱. ستایش خداوند بزرگ راست، درود و سلام بر حبیب و سید ما، محمد رسول الله، به خانواده و آل و یارانش.

۲. نحل / ۱۲۵. ([ای پیغمبر!] مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوهٔ هرچه نیکوتر و بهتر گفت‌وگو کن؛ چرا که بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا اینکه رهنمود و راهیاب می‌گردند.)

مُبَارَزَه در گروِ نوعیتِ مُبَارَزَه می‌باشد، این عنوان به خوبی انتخاب گردیده که به سادگی رأس اصلی سوال یک مبارز و یک جوان و یک مسلمان را نشانه گرفته‌است، محتوای کتاب در قالب چهار بحث:

الف: مفهوم مُبَارَزَه؛

ب: خلوص نیت در مُبَارَزَه؛

ج: هوشیاری و استقامت در مُبَارَزَه و یک درآمد کلی آماده شده‌است که می‌توان روی محتوای این کتاب چند پاراگراف را یادآوری کرد، از ویژگی‌های کلی کتاب ایجاد سنخیت موضوعی میان آیات و احادیث پیغمبر اسلام / و پیام اصلی کتاب است.

قسمتِ اوّل کتاب؛ مفهوم مُبَارَزَه‌است، مفهوم مُبَارَزَه در این کتاب به‌عنوان یک گزاره معقول و منطقی بیرون‌شده از مستندات شرعی در نظر گرفته شده‌است، استاد با ارایه چارچوب مفهومی برای مُبَارَزَه، راه اندیشه‌اش را از دو گروه جدا می‌کند، گروه اوّل، گروه جزم‌اندیش و دگم‌اندیش آن زمان، مانند: خوارج^۱ سده اوّل اسلام و حرکت‌های آن‌چنانی امروز و با ارایه یک مفهوم زنده، استاد مُبَارَزَه را از قالب محافظه‌کارانه آن، که نیاز حکومت‌ها بود، هم بیرون می‌کند، جالب‌ترین فراز این قسمت با مثال‌زدن خوارج شکل می‌گیرد که در برابر کل اسلام با چسپیدن به تفسیر جزمی و قبیلوی خود ضربات جبران‌ناپذیری را به پیکر اُمت اسلامی وارد کردند، ماوشما فراموش نکنیم، اُمت مسلمة امروز

۱. خوارج؛ به لحاظ اسم به گروهی از مسلمانان اطلاق می‌شود که از بیعت علی > پا بیرون گذاشته‌اند؛ اما پژوهشگرانی؛ چون ابن جوزی F نخستین جرقه‌های اندیشه خوارج را به حادثه‌ای پیوند می‌دهند که در عصر پیامبر اکرم / به وقوع پیوست، حدیثی را امام بخاری از ابوسعید الخدری در این مورد روایت کرده و کتاب‌های دیگر حدیث و تاریخ -نیز- آن را نقل کرده‌اند. جهت معلومات بیشتر نگاه شود: مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، ج: ۱، ص: ۲۰۷ از الأشعری والفصل.. از ابن حزم والملل.. از شهرستانی، صحیح البخاری، کتاب الأدب، باب ماجاء فی قول الرجل ویلک، شماره حدیث: ۴۰۰۴ و صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۷۶۳ و کتاب «مذهب طالبان» از خواجه بشیراحمد انصاری، چاپ اوّل، انتشارات سعید، سال: ۱۳۹۱ هـ.ش.

بیشترین رنج را از دست گروه‌های این‌چنینی و در جغرافیای فکری این‌طوری تحمّل می‌کنند، استاد فرموده‌اند:

«زندگی مؤمن، مُبارزه‌ای است دوامدار و کشمکش‌است، پایان‌ناپذیر.»^۱

قسمت دوم؛ صفحه ۲۷ تا ۳۷ کتاب را مشتمل است، حاوی بحثی تحت نام «خلوص نیت در مُبارزه» می‌باشد، شما می‌دانید، بحران اصلی جوامعی؛ چون جامعه ما فرورفتن در لاک قومی و دامن‌زدنِ تعصبات قبیله‌ای و زبانی‌اند، استاد با ارایه مفهوم زنده از اخلاص، خلوص نیت را از مفهوم کلیشه‌ای بی‌نیستی بیرون می‌کند، تمام نگاه مبارز را به‌سوی رسالت الهی‌گونه آن متوجّه می‌سازد.

خلوص نیت؛ یعنی پاک و خالص کردن هدف و نیت از تمام خواسته‌های قومی و طبقاتی، در صفحه ۲۵ می‌فرماید:

«تنها معرفت به مُبارزه اسلامی و داشتن عقلیت اسلامی در تکمیل شخصیت داعی و مبارز کافی نیست؛ بلکه داشتن نفسیت اسلامی و قناعت وجدانی کاملاً ضروری است.»^۲

قسمت سوم؛ صفحه ۳۷ تا ۴۴ کتاب را در برگرفته‌است، تحت عنوان «هوشیاری در مُبارزه» به چاپ رسیده‌است:

﴿لَا يَلِدُغُ الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرِ وَاحِدٍ مَرَّتَيْنِ﴾^۳

در عصر جنگ نرم، پیامد فریب‌خوردن‌های، زیانبار، تند و ویران‌کننده‌تر ثابت شده‌است، نسبت به پیامد جنگ‌های فیزیکی، استاد مُبارزه را در دو بُعد قرار می‌دهد، به این معنی که هوشیاری در امر به ثمررسانیدن مُبارزه را از یک جانب اهمیت می‌دهد و هوشیاری در ترفندهای مقابل را از جانب دیگر، حدیثی که بخاری آن را از پیامبر اکرم / روایت

۱. نگاه: چه نوع مُبارزه، ص: ۱۴.

۲. همان، ص: ۲۵.

۳. نگاه: صحیح البخاری، کتاب بدء‌الوحي، جزء: ۸، ص: ۳۸، شماره حدیث: ۶۱۳۳.

کرده است، این را می‌رساند که مؤمن نباید از یک سنگر دو بار فریب بخورد و مورد حمله قرار گیرد، سلسله فریب خوردن‌ها از یک مجرا و ترفند، نشانگر کم‌توجهی به این هوشیاری می‌تواند، باشد.

قسمت چهارم؛ صفحه ۴۷ تا ۵۴ کتاب، بحثی تحت عنوان «استقامت در مُبارزه» است، بی‌شک استاد خود نمونه مجسمی از این استقامت بود، در منطقه و در تاریخ ما، مانند استاد و یا شبیه آن در استقامت، ما شخصیت‌های کم‌تری را سراغ داریم، مُبارزه یک جریان است، در جریان آب همیشه سنگ‌های قرار می‌گیرند که باید از فراز آن‌ها عبور کرد، ملت‌هایی که متجاوزین را لااقل گرفتار جنگ‌های فرسایشی^۱ کرده‌اند، پیروز گردیدند، استقامت؛ یعنی صبر بر مُبارزه، استاد مبارزینی را که بی‌استقامت‌اند، به مرغ‌هایی مثال می‌زند که از شاخی به شاخی می‌پرند، استاد می‌گوید:

«آنان که چون مرغانِ گم‌کرده آشیان، گاهی بر شاخی و زمانی بر شاخه دیگر، بی‌قرار و پرزان پایین و بالا می‌جهند، اگر آماج صیادی نگردند، سنگ کودکی هم بال و پرشان را می‌ریزند.»^۲

این چنین استاد روی روش منافقانه در مُبارزه انگشت می‌گذارد، شاید میان مبارزین، منافقان زیادی هم زندگی داشته باشند، استاد می‌خواهد لایه این‌ها را جدا از تمام مبارزین راه آزادی واقعی برای ما معرفی کند، استاد نسبت به هر پیشنهادِ دیگرش بر این امر بیشتر تأکید می‌کند که روی هم‌رفته خود - نیز - تا پایان کار به این مأمول ثابت‌قدم ماند.

بی‌استقامتی و بی‌ثباتی در مُبارزه، تمام ارزش یک مُبارزه را نابود می‌کند، درکل می‌توان گفت: این اثر جزوه درسی کاملی است، برای درس

۱. این جنگ؛ یک راهبرد نظامی است که در آن یک طرف جنگ سعی دارد با وارد کردن مستمر خسارات جانی و تجهیزاتی طرف دیگر را از پای درآورد و پیروز شود، پیروز جنگ معمولاً طرفی است که مقدار بیشتری از منابع را دارد، نظریه پردازان نظامی و راهبردی، اغلب معتقدند که باید از این شیوه دوری جست. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۴۸.

۲. نگاه: چه نوع مُبارزه، ص: ۵۰.

زندگی و برای هر جوانی که می‌خواهد، مبارز زندگی کند، نسل امروز و نسل فردای ما عمرشان را در مُبارزه، حتماً خواهد گذرانید، مُبارزه برای عدالت، برای ترقی، برای تحکیم اتحاد و اتفاق خلاصه برای اعلای کلمه الله.

در پایان؛ بودن این جزوه و این اثر را چراغی می‌دانم فرا راه این نسل و نسل آینده؛ تا هردرسی آن چراغ‌های باشد، فرا راه رهروان دیگر. در ارتباط به آنچه برای این کتاب صورت گرفته‌است، باید گفت که «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» این کتاب را به لحاظ حروف‌نگاری، ویرایش، تحشیه، ارجاع آیات و استخراج احادیث، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشخاص، اماکن و مفاهیم و اصطلاحات، طرح جلد، برگ‌آرایی و کیفیت چاپ به بهترین صورت ممکن تهیه کرده‌است، در جای خود یک قدمی به پیش محسوب می‌گردد.

در پایان مطمئنم که این کتاب به‌سان چراغی برای ماست و متشکرم از «مرکز تدوین» که این مأمول را به‌سر رسانیده‌است.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

بازتاب اندیشه‌های استاد،
در کتاب خط رهبر جلد اوّل؛
پوهنمل سیّدعنایت الله شاداب

پیش زمینه:

انسان‌ها به گونه عام و اندیشمندان و نظریه‌پردازان به گونه خاص، فرزندان و پروردگان محیط خاص خویش، جغرافیا و فرهنگ حاکم بر محیط جغرافیایی خودند، اگر ابن خلدون^۱ انسان را شایسته و سزاوار سیاست‌ورزی می‌داند، بنیاد این نحوه نگرش او در اصالت خیرگرایی در طبیعت و فطرت انسان نهفته بوده که خود عصاره و فشرده آموزه‌های اسلامی می‌باشد، او انسان را بنا به طبیعت اجتماعی و مدنی الطبع بودنش، آفریده‌ای می‌خواند، سزاوار سیاست‌ورزی و حکومت‌داری، گرایش به سیاست، از خواسته‌های فطری او بوده و به فحوای آیه:

۱. ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون حَضَرَمِی؛ معروف به ابن خلدون در سال ۷۳۲ هـ ق، سیاست‌مدار، جامعه‌شناس، انسان‌شناس، تاریخ‌نگار، فقیه و فیلسوف مسلمان در تونس به دنیا آمد، عبدالرحمن آموزش‌های آغازین را نزد پدرش فراگرفت و سپس نزد علمای تونس قرآن و تفسیر، فقه، حدیث، علم رجال، تاریخ، فن شعر، فلسفه و منطق آموخت، او در دربار چند امیر در مراکش و اندلس (اسپانیا) به کار سیاسی پرداخت؛ اما در ۴۲ سالگی به نگرارش کتابی پیرامون تاریخ جهان رو آورد که مقدمه آن بیش از خود کتاب شناخته شده‌است، او را از پیشگامان تاریخ‌نویسی به شیوه علمی و از پیشگامان علم جامعه‌شناسی می‌دانند، العبر و دیوان المبتدا والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر ومن عاصره من ذوی السلطان الأکبر، لباب المحصل فی اصول دین، خلاصه‌ای از کتاب بزرگ کلامی و فلسفی فخرالدین رازی، شفاء السائل و.. از جمله آثار اوست، سرانجام این دانشمند بزرگ جهان در ماه رمضان ۸۰۸ هـ ق، در ۷۶ سالگی درگذشت و در قاهره به خاک سپرده شد. نگاه: وبسایت عقیده.

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۱

از عقل به دور است که انسان در فطرت و سرشت خود شریر باشد،
ابن خلدون می گوید:

«انسان از حیث اینکه انسان است، تمایل او به خیر و خصلت‌های
خیرگرایی نزدیک‌تر بوده و این تمایل به ملک و سیاست، ویژه انسان بودن
اوست، سیاست ویژه انسان است، نه حیوان، همین خصال و اوصاف
انسان مناسب سیاست و ملک (حکومت‌داری) بوده و خیر و خیرگرایی،
امری است، مناسب به سیاست.»^۲

اما هابز؛^۳ فیلسوف و سیاست‌مدار انگلیسی، در قرن شانزده که
نظریات سیاسی‌اش از آرا و نظریات «ماکیاولی»^۴ متأثر است، انسان را،
آفریده شریر می‌خواند که جبون است و فاسد و حریص و خبیث که در
پی مصلحت ذاتی خود بوده و محکوم غرایز انانیت و حرص می‌باشد،
زمانی متسلم و منقاد می‌شود که احساس خوف کند، وقتی مصالحش را
قربان می‌کند که در برابر زایوه قرار گیرد، صلح را برای صلح دوست
ندارد، دوستی انسان با صلح به‌خاطر ترس از نتایج جنگ است، زندگی
جولانگاه تبارز قدرت و زورگویی ارباب قدرت بوده و عرصه خدعه و
فریب و حيله‌ورزی، برای ضعیفان است.^۵

بدون تردید این دو طرز دید، در مورد انسان مولود فرهنگ‌هایی است
که هریک از شخصیت‌های یادشده در دامان آن‌ها رشد و نمو کرده و

۱. تین / ۴. (ما انسان را [از نظر جسم و روح] در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده‌ایم).

۲. نگاه: مقدمه ابن خلدون، ص: ۱۰۱.

۳. توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۹) مشهورترین اثر او «لوائتان» است که در سال ۱۶۵۱م، نوشته
است که بنیان بسیاری از نظریه‌های قرارداد اجتماعی را در فلسفه سیاسی به‌وجود آورده‌است.
نگاه: تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از طالس تا مارکس.

۴. نیکولو برناردو ماکیاولی؛ فیلسوف سیاسی، شاعر، آهنگساز و نمایش‌نامه‌نویس مشهور
ایتالیایی در ۱۴۶۹م، در فلورانس ایتالیا به دنیا آمد و در ۱۵۲۷م، درگذشت. نگاه: تاریخ اندیشه
سیاسی در غرب، از سقراط تا ماکیاولی، از کمال پولادی.

۵. بدوی، عبدالرحمن، فلسفه انسان، ص: ۹۹.

دست به نظریه پردازی زده‌اند که یکی انسان را آفریده‌ای می‌داند، خیرگرا و دیگری آن را آفریده‌ای می‌خواند شیریر.

استاد و اندیشه‌های او هم از این قاعده مستثنا نبوده و قلم و قدم و نقش او در هم‌چو یک فضای حرکت می‌کند و نبض او در حرکت می‌شود.

آری؛ بر بنیاد چنین پیش‌زمینه، می‌توان در گستره اندیشه‌های استاد، قلم به دست گرفت و قدم برداشت و نقش کشید.

درخشش ژرفای اندیشه‌های استاد در اجلاس بیداری اسلامی:

سخنرانی استاد و بیانیه او در اجلاس بیداری اسلامی منعقدۀ تهران^۱ او را به‌حیث یک چهره مفکر و نظریه‌پرداز و شخصیت آشنا به ریشه‌های نهضت‌های اسلامی در کشورش، منطقه و جهان اسلام به تصویر می‌کشد که در کالبدشگافی خیزش‌های اسلامی، عوامل ظهور و درخشش و بازی‌گران اصلی آنان دست بالا داشته و به معرفتی طلایه‌داران این خیزش‌ها می‌پردازد و عوامل آن‌ها را یکایک در تدین و دین‌گرایی، ستمگری و ستم‌پذیری، آزادی و آزادی‌خواهی، آموزه‌های قرآنی و نقش بیدادگرانه آن و باور به کرامت انسانی به خوانش می‌گیرد و از پیشگامان نهضت‌های اسلامی در برابر استعمار؛ چون مهدی سودانی^۲،

۱. تهران؛ پایتخت جمهوری اسلامی ایران است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹.
 ۲. محمدالمهدی بن عبدالله بن فحل؛ زعیم و شخصیت سودانی است که در ۱۸۴۳م، در دهکده لب شهر دنقلا به دنیا آمد و در ۲۲ جون ۱۸۸۵م، در پی یک بیماری ناگهانی درگذشت، جنبش و دعوت او به عبدالله تعایشی واگذار شد، او خویش را مهدی می‌خواند و می‌گفت: من از جانب خدا مکلف به عدالت‌گستری و ستم‌ستیزی‌ام و با این باور با انگلیس رزمید؛ تا اینکه در سال ۱۸۸۵م، توانست خرطوم را به تصرف خویش درآورد. نگاه: المهدیه تاریخ السودان الإنجلیزی المصری از أ ب ثیوبولد، ترجمه محمد المصطفی حسن عبد الکریم.

شیخ عبدالقادر الجزایری^۱ و سنوسی^۲، از امام حسن البنا، نایینی^۳، علمای دیوبند و ابوالاعلی مودودی نام می‌برد.

استاد در این بیانیه خویش، به نکته مهم دیگری اشاره می‌کند که بیانگر درک عمیق و دورنگری‌اش نسبت به توطیه‌های پنهان و عریان در برابر این خیزش‌هاست، آنجا که می‌گوید:

«در برابر جنبش‌های بزرگی که فعلاً در کشورهای مسلمان - به لطف خداوند- در حالت پیروزی‌اند، شاید توطیه‌های بسیار زیادی در مسیر راه باشد، از جمله این توطیه‌ها، توطیه رسانه‌ای است...»^۴

حوادث مصر بعد از پیروزی اخوان المسلمین، خود نمادی از این توطیه‌هاست که گویایی درک عمیق استاد است.

نقش نسل جوان؛ جوان در گستره اندیشه‌های استاد:

نگرش استاد در ارتباط به اهمیت نسل جوان و نقش آن در تحولات

۱. امیر عبدالقادر جزایری؛ قهرمان ملی الجزایری‌هاست که در ششم سپتامبر ۱۸۰۸م، چشمش روی هستی دید و در ماه می ۱۸۸۳م، به عمر ۷۵ سالگی در دمشق درگذشت، وی در کنار اینکه یک مرد مبارز بود؛ یک دانشمند و اندیشمند بزرگ هم بود، این مرد بزرگ در سن ۲۰ سالگی، رهبری جریان را به‌دوش گرفت که علیه اشغالگران فرانسوی می‌رزمید و ۱۷ سال تمام به این نبرد خویش ادامه داد؛ اما به‌دلیل خیانت شماری از افرادش از یک‌سو و به‌خاطر قتل عام مردم مدنی به وسیله سربازان فرانسوی از سوی دیگر، ناگزیر، خویش را تسلیم کرد که در نتیجه به فرانسه تبعید شد. نگاه: دایرةالمعارف القرن العشرين، ص: ۷۱۰ - ۷۱۱.

۲. محمدادریس سنوسی؛ در ۱۲ مارچ ۱۸۹۰م، به دنیا آمد و در ۱۹۵۵م، پس از یک عمر جهاد و مبارزه با معیت مردان بزرگ دیگری؛ چون W توانست استقلال کشورش را از ایتالیا به‌دست آورد و به‌هیئت نخستین پادشاه لیبیا پس از استقلال لیبیا تعیین شد و سرانجام در ۲۵ می ۱۹۸۳م، در قاهره چشم از جهان فروبست و در جنة البقیع مدینه منوره دفن شدند. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج: ۱۵، ص: ۴۶۵.

۳. آیه‌الله میرزا محمدحسین نایینی؛ در ۱۲۷۷هـ.ق، در شهر نایین به دنیا آمد و در ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۵۵هـ.ق، درگذشت، نقش‌آفرینی او در نهضت مشروطیت که به‌منظور برچیدن استبداد و به‌دست‌آوردن استقلال و امنیت به رهبری عالمان دینی در ایران انجام شده بود، یکی از مهم‌ترین کارکردهای اوست. نگاه: ناظم‌الإسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ اول، ج: ۲، ص: ۵۳۵.

۴. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۲۳.

سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی آنان، به سانِ نگرشِ آن دانشمدانی نیست که موی خود را در ورق زدنِ تاریخِ ملت و عناصرِ اثرگذار و پیش‌رو در این تحولات، سفید کرده و در تجاربِ عملی، زندگی‌های سیاسی و اجتماعی دخیل نباشد.

استاد از دورانِ نوباوگی در آغازین دورهٔ دانش‌آموزی خود به‌حیثِ یک جوان در پهلوی هم‌قطارانِ خود، نقش‌آفرینی نسل‌جوان را به تجربه می‌گیرد و واردِ معرکه‌ها و کارزارهای سیاسی می‌شود و از شور و نشاط دوران‌های جوانی، تجاربی در دست دارد.

آری؛ بر بنیاد همین باور است که او حرکت‌های جوانان و نقش‌آفرینی آنان را در درازای تاریخ به خوانش می‌گیرد، استاد از نقش جوانان کشور در حماسه‌آفرینی در اوضاع پیچیدهٔ کشور یاد می‌کند که تشت رسوایی تجاوزگران و عمال آنان را از بام تاریخ به زیر افگندند.

استاد در همایش جوانان، حضور نسل جوان را در همهٔ تحولات من‌حیثِ یک واقعیت تاریخی با اهمیت تلقی کرده و می‌گوید: «این‌ها (جوانان) رسالت بس بزرگ و عظیمی در پیش دارند، رسالت دینی، رسالت ملی و رسالت تاریخی...»^۱

استاد، قهرمان ملی را به‌حیثِ یک جوان به مُعرَفی می‌گیرد: «او هم مانند این نسل جوان، یک جوانی بود که زمانی دید کشورش توسط قشون سرخ مورد تاخت و تاز قرار گرفته و حریم استقلال و آزادی کشورش را لشکریان قشون سرخ درهم شکستند، دیگر با مکتب و مدرسه و فاکولته وداع کرد...»^۲

استاد در مورد مسئولیت نهادهای دولتی و غیردولتی، نخبگان و .. در برابر جوانان می‌گوید:

«..همه باید در خدمت نسل جوان قرار داشته باشند، زیرا نسل جوان

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۳۰.

۲. همان، ص: ۲۹.

به همان اندازه که توانمندی و خلاقیت دارد، به همان حد آسیب‌پذیر هم است..^۱

استاد در این راستا با اشاره بس ظریفی، می‌گوید:
 «..نسل جوان ما هم حیثیت یک شمشیر را دارد، اگر به دست قانون‌گذار بود، ریشه‌های فساد و جنایت را قطع می‌کند و اگر به دست یک جلاد و ستمگر افتاد، به‌عنوان یک گرزکوبنده بر فرق تمام ارزش‌ها کوبیده می‌شوند..^۲»

هماهنگی با تحولات زمان و قرائت اسلامی استاد؛ در تشکیلات جدید جمعیت:

استاد در همایش مقدماتی برگزاری جمعیت خطوط اساسی سازمان جمعیت را بعد از مرور گذرا بر مواضع مبارزاتی جوانان جمعیت، در برابر نظام بیمار و جبون که قادر به برداشتن هیچ‌گونه گام‌های اصلاحی نبود و کشور در برابر غول وحشتناک اتحاد شوروی^۳ قرار داشت، می‌گوید:
 «..فرزندان مؤمنی که متکای‌شان حمایت الهی بود، با عشق و با احساس سوزودرد، وارد سنگر مبارزه شدند و در پناه لطف و نصرت الهی در اندک‌زمانی توانستند که به‌عنوان قدرت تعیین‌کننده و جریان تأثیرگذار، در مسیر سیاست و تحولات اجتماعی کشور، حضور قدرتمند

۱. همان، ص: ۳۰.

۲. همان، ص: ۳۳.

۳. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ کشوری بود متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲م، تا زمان انحلال در ۱۹۹۱م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد؛ در دهه ۱۹۸۰م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۶۵.

خود را داشته باشند...»^۱

استاد بعد از چشم‌انداز کوچکی به مرحله کودتا و حضور قدرتمند در برابر تهاجم غیرمستقیم و مستقیم اتحاد شوروی و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی و آموزشی جمعیت وارد مرحله نوین شده و می‌گوید:

«..امروز در یک مرحله جدیدی هستیم.. قانون اساسی جدیدی داریم و فعلاً نظام جمهوری در افغانستان حاکم است، دیروز افغانستان تنها بود، امروز جامعه جهانی، نه تنها حضور سیاسی دارد.. در شرایط کنونی که ما فعلاً شاهد تحولات مختلفی در جهان و مخصوصاً در شرق میانه‌ایم، جمعیت باید در برابر تمام این حوادث ملی و بین‌المللی و در برابر چالش‌های جدید، با در نظر داشت همه این قضایا، ساختار تشکیلاتی خود را، آرمان‌ها و پیام‌های خود را، مطابق تمام نیازمندی‌ها سازمان بدهد..»^۲

استاد در پیوند به نقش دین در سازمان جمعیت، می‌گوید:

«..تمام اهداف والای ما که از ارزش‌های والای دینی سرچشمه می‌گیرد، ما از دین چنین آموخته‌ایم: دین عبارت است از یک سلسله اصول ثابت، اجتهاد متحول و فقه متغیر، دین یک مقوله جامد نیست، بلی اصول ثابتی دارد.. ما معتقدیم که اساساً در جهان و در زندگی انسان، یک سلسله اصول و ارزش‌های ثابتی وجود دارد که با گذشت زمان تغییر نمی‌کند و اما یک سلسله ارزش‌های متحوّلی است که تغییر می‌کند..»^۳

استاد خطوط مواضع جمعیت را در شرایط فعلی این‌گونه ترسیم می‌کند: «..لذا در شرایط فعلی باید برنامه جمعیت مطابق شروط، ظروف، چالش‌ها و تحولات جدید و مسایل مختلفی که در این شرایط هست، بوده باشد، دیروز حضور خواهران در دوران شاهی در عرصه فرهنگ

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۴۱.

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۴۳ - ۴۴.

۳. همان، ص: ۴۴.

و قضایای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کم‌رنگ بود؛ اما امروز پر قوت است، دیروز جوانان اکثراً در حاشیه بودند، امروز جوانان باید در متن تحولات باشند، به این اساس ما می‌بینیم که امروز نسل جوان ما با بسیار قضایا آشناست، دیروز علما به سیاست سروکاری نداشتند؛ اما امروز علمای دینی در عمق تحولات سیاسی حضور دارند.. پس ما در جمعیت با حفظ همان ارزش‌های تاریخی و فرهنگی و اصول اساسی و بنیادی دینی خود، در قسمت پیام‌های جمعیت، برنامه‌های جمعیت، سازمان و تشکیلات جمعیت و در عرصه‌های فعالیت جمعیت، خلاصه در همه این بخش‌ها، باید یک سلسله ابتکارات بسیار سازنده و جدیدی را داشته باشیم که جواب‌گوی زمان و عصر ما باشد، ما از عصر خود نباید عقب بمانیم، مسلمانان هیچ‌وقت از عصر خود عقب نمی‌مانند.. امروز اگر در سطح ملی و بین‌المللی تحولاتی وجود دارد، ما باید خود را با همه این‌ها هماهنگ بسازیم و در این مورد مطمئنیم و باید هم مطمئن بوده باشیم که هیچ‌چیزی نیست که ما در برابر آن لاجواب باشیم، تمام مقوله‌هایی که امروز تحت هر نام و عنوانی تحت نام: دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زن و مسایل مختلف دیگری که مطرح می‌شود، همه این‌ها در فرهنگ ما حل شده است..»^۱

آزادی در اندیشه سیاسی استاد:

استاد با تبحری که در منابع ناب اسلامی و آموزه‌های آن دارد، آزادی را در فرهنگ دین به‌حیث یک موهبت و عطیه الهی به خوانش گرفته و به این باور است که «..آزادی بر مبنای قرارداد اجتماعی و یا هدیه‌ای نیست که نظام‌ها و حکومت‌ها به ملت‌ها ببخشند؛ بلکه هدیه الهی و حق طبیعی است..»^۲

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۴۵ - ۴۶.

۲. همان، ص: ۵۸.

استاد با استدلال به آیه:

﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ...﴾^۱

به این باور است:

«..هدف اساسی و عمده رسالت‌های آسمانی درهم‌شکستن قدرت‌های سرکوبگر، استعمارگر و دشمنان انسان و انسانیت است...»^۲
استاد بعد از اینکه آزادی را در گفته‌های خلفای راشدین به خوانش گرفته می‌گوید:

«جهاد در راه خدا، به معنای جهاد در راه آزادی، در راه دفاع از مظلوم، در راه دفاع از حق، در راه سرکوبی ستمگرانی که انسانان را اسیر می‌سازند، می‌باشد...»^۳

استاد ضمانت برای حفظ آزادی در درازای تاریخ را در سه چیز خلاصه می‌کند و می‌گوید:

«یک؛ عزت و سربلندی و از بین رفتن تمام آثار غلامی و استبداد؛
دو؛ ارتباط و ایمان عمیق، قیام‌گران به ارزش‌های دینی و معتقدات مذهبی؛

سه؛ وحدت ملی در میان ایثارگران و قیام‌گران.»^۴

نکته دیگری که استاد، در ارتباط به این موضوع در محراق توجه

۱. بخشی از آیه ۵۷ سوره مبارکه اعراف است که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (کسانی که پیروی می‌کنند، از رسول و نبی امی که در تورات و انجیل نگاشته می‌یابند، او آنان را به کار نیک دستور می‌دهد و از کار زشت باز می‌دارد و پاکیزه‌ها را برای‌شان حلال می‌کند و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌سازد و بند و زنجیر را از ایشان به در می‌آورد، پس کسانی که به او ایمان بیاورند و از او حمایت کنند و وی را یاری دهند و از نوری پیروی کنند که به همراه او نازل شده است، بی‌گمان آنان رستگارانند).

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۵۸.

۳. همان، ص: ۶۰.

۴. همان، ص: ۶۰.

خویش قرار می‌دهد، این است که می‌گوید:

«..چیز دیگری که فکر می‌کنم که بسیار ضروری است، تعمیم علم و دانش است، ملت‌های جاهل قیمت آزادی را نمی‌فهمند، پس باید کوشید که بعد از آزادی کار بسیار عمده‌ای که صورت بگیرد، تعمیم علم و دانش باشد، تا قیمت و ارزش آزادی و قیمت برادری با همدیگر را مردم بفهمند..»^۱

استاد شعار قیام‌های، شرق‌میانه را آزادی و عدالت می‌خواند و در ضمن می‌گوید:

«مبارزه برای رسیدن به آزادی و استقلال سیاسی، وجیهه مقدّسی است که همه چیز آن مقدّس است، خونی که از بدن یک شهید به زمین می‌ریزد، در نزد خدا مقدّس است، گرد پای اسپه‌ی یک غازی که در دوران استقلال و آزادی به هوا برمی‌خیزد، پیش خدا مقدّس است..»^۲

نقش علمای دین؛ در اندیشهٔ استاد:

بدون تردید علمای دین در جوامع اسلامی از جایگاه ویژه و بس بزرگی برخوردار بوده و سخنان آن از بالای منابر دل‌ها را آماج قرار می‌دهد و اکثراً روح و روان مخاطبان و سامعان، به‌حیث باورهای دینی در کان‌های قلوب‌شان جای می‌دهند.

استاد با الهام‌گیری از آیات قرآن کریم، - جایگاه علما را- به مقتضای این فرمودهٔ خداوند:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ..﴾^۳

۱. همان، ص: ۶۱.

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۶۲.

۳. بخشی از آیه ۱۸ سوره مبارکه آل‌عمران است که می‌فرماید: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقُسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ (الله گواهی می‌دهد اینکه معبودی جز او نیست و اینکه او دادگری می‌کند و فرشتگان و صاحبان دانش [هریک به گونه‌ای در این باره] گواهی می‌دهند، جز او معبودی نیست که هم تواناست و هم کاریجا).

در درجهٔ سوّم قرار داده و با درک اهمیت نقش علما، در جامعهٔ اسلامی و رسالت علما و جایگاه آنان را در تعیین زعامت‌های سیاسی در مرحله‌ای از تاریخ اسلامی که در فقه سیاسی از آن به نام شورای حل‌و‌عقد^۱ یاد شده که یکی از مؤلفه‌های این شورای علما بودند.

اکنون رسالت آنان چیست و چه وظایفی را باید به پیش برند؟ از منظر استاد، علما، در عصر حاضر سه وظیفهٔ ذیل را باید انجام دهند:

«یک؛ وظیفهٔ علمی دارند؛ یعنی علمایند که وقتی مسایلی در جامعه پیدا می‌شود، رأی فقهی یا حکم فقهی و یا حکم شرعی را باید بیان بکنند؛ زیرا جوامع انسانی در حال تحول است..»^۲

باید در رابطه به حوادث جدید، رأی و نظر فقهی و شرعی را بیان کنند.

دو؛ وظیفه و یا مسئولیت علما وظیفهٔ اجتماعی علماست و در رأس وظایف اجتماعی علما، امر بالمعروف و نهی عن المنکر بوده و لو که به فحوای آیه:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۳

۱. حل و عقد؛ در لغت به معنای گشودن و بستن است و اما عقد در اینجا به معنای بستن نظام گروهی از مسلمانان در همهٔ شئون زندگی‌شان است، اعم از سیاسی، قانونی و قضایی و همچون مسایل و حل به معنای انفکاک، این بستن به دلایل معینی که تا نظام جدیدی شکل بگیرد و اهل حل و عقد در نظر علمای اصول همان اهل اجتهداند و امام نووی اهل حل و عقد را عبارت از علما، رؤسا و اهل خبره‌ای می‌داند که مردم در مصلحت‌های عمومی و نیازمندی‌های‌شان به آنان مراجعه می‌کنند و شماری هم، اولوالأمر را اهل حل و عقد می‌دانند و علامه جوینی اهل حل و عقد را این گونه معرفی می‌کند: خبرگانی مستقلی‌اند که از تجارب و تهذیبی بالایی برخوردارند و صفاتی کسانی که باید امور رعیت را به‌دوش بگیرند در آن‌ها وجود دارد و امام ماوردی شروط خلافت و یا امامت را سه چیز می‌داند: ۱- عدالت؛ ۲- علم؛ ۳- بصیرت و حکمت. برای معلومات بیشتر نگاه: منهاج الطالبین، از امام نووی، غرائب القرآن، از نیشاپوری، الغیائی، ص: ۸۲ و الاحکام السلطانیة، از ماوردی.

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۷۰ - ۷۱.

۳. بخشی از آیه ۱۱۰ سورهٔ مبارکهٔ آل عمران است که می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

امر به معروف و نهی از منکر وجیبه همه امت است؛ اما به صورت خاص قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ..﴾^۱

یعنی؛ یک گروهی که عبارت از علما هست، به صورت خاص این مسئولیت را پیش می‌بردند؛

سوّمین وظیفه‌ای که علما دارند، وظیفه سیاسی است.

استاد شهید؛ با استحکام از آموزه‌های دینی، نصیحت برای خدا و پیامبر و زعامت‌های اسلامی را به دور از شور و غوغا به راه انداخته و کمک به ظالم و مظلوم را با تفسیر و توجیه این حدیث^۲ شعار کار و پیکار مبارزاتی خویش قرار می‌دهند.

استاد شهید، وظیفه اجتماعی علمای امت را در گام نخست همکاری با نظام و دولت، در قسمت رهنمایی به حقایق دین و به کارهای بهتر، تعیین کرده و آن را از جمله وظایف اجتماعی برشمرده؛ البته در پهلوی وظایف دیگری که علما به دوش دارند، این وظیفه اجتماعی را انجام می‌دهند.

سوّمین وظیفه‌ای که علما دارند، وظیفه سیاسی است، علما تنها تماشاچیان نمی‌باشند؛ بلکه باید در تشکیل نظام و اداره نقش خود را

مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (شما بهترین امتی‌اید که به سود انسان‌ها بیرون شده‌اید [مادامی‌که] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید و اگر اهل کتاب [مثل شما به چنین برنامه و آیینی درخشان] ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است؛ ولی شماری از آنان ایمان دارند و بیشترشان فاسق‌اند.)

۱. بخشی از آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (باید از میان شما گروهی باشند که دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان خود رستگارند).

۲. متن حدیث مبارک این است: ﴿أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا، فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ / أَنْصُرُهُ إِذَا كَانَ مَظْلُومًا، أَفَرَأَيْتَ إِذَا كَانَ ظَالِمًا كَيْفَ أَنْصُرُهُ؟! قَالَ: تَحْجِزُهُ أَوْ تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ﴾ نگاه، صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۹۵۲.

داشته باشند، حتی شورای اهل حل و عقد در فرهنگ سیاسی اسلام، اهل نخبگان‌اند، علما نباید این وظایف علمی، اجتماعی و سیاسی خود را فراموش کنند.^۱

استاد شهید، بعد از این، نقش علما را در تاریخ اسلام و مبارزات آزادی‌بخش در به‌میان‌آمدن نظام‌های سیاسی، در رهبری جامعه خویش به بحث می‌گیرد، به تجربه علمی اندونیزیا^۲ در کشورشان اشاره کرده و می‌خواهد تجربه آنان را چون رهنمودی برای علمای افغانستان بازگو کند، می‌گوید:

«سه حرکت بسیار عمده اسلامی در اندونیزیاست.. تشکیلات نهضت‌العلماء، علمای محمدی و یک گروپ دیگری که به نام حزب عدالت است از جمله تشکیلاتی‌اند که اولین بار مبارزات آزادی‌بخش را برضد استعمار هالندیان آغاز کردند.. بالآخره در اثر مبارزات اسلامی و ملی که در رأس آن علما قرار داشت، این کشور آزاد شد.. منظورم این است که علما با وجودی که فعالیت‌های دعوتی خود را دارند؛ اما در مسایل اجتماعی و در قضایای سیاسی، آنان بی‌تفاوت نیستند...»^۳

استاد شهید؛ در عین اینکه بروز مشکلات در جوامع انسانی به‌ویژه در نهادهای سیاسی از جمله دولت را یک امر طبیعی تلقی می‌کند، می‌گوید: «.... وظیفه ملت‌ها، وظیفه انسانانی چیزفهم و در رأس علمای دینی است که باید مسئولیت خود را بدانند...»^۴

استاد شهید؛ به مشکل بس مهم دیگری اشاره می‌کند که دامن‌گیر جامعه افغانی ماست، استاد در این راستا می‌گوید:

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۷۰ - ۷۳.

۲. اندونزی؛ کشوری است که در آسیای جنوب‌شرقی و اقیانوسیه قرار دارد، مساحت آن ۱۹۰۴۴۳۳ کیلومتر مربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۳۲۵۱۷۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن باهاسا - اندونزیایی، واحد پولی آن روپیه اندونزی و پایتخت آن شهر جاکارتاست. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۹۸.

۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۷۳ - ۷۴.

۴. همان، ص: ۷۶.

«مسئله‌ای که فعلاً ما درگیر آن هستیم این است که دنیای ماوشما مخصوصاً منطقه‌ما، درگیری مسئله حرکت تکفیری و یا حرکتی است که متأسفانه تحت پوشش نام طالب به شکل گروه‌های انتحاری به میان آمدند، هستند تعدادی حرکت‌های تکفیری که افغانستان را دارالحرب می‌خوانند و کسانی هستند که به نام طالب خون همه ماوشما را مباح می‌دانند، می‌گویند هرکسی که در افغانستان زندگی می‌کند مباح‌الدّم است، این فتوی از کدام جا نشأت می‌کند، این فتوی، فتوای دینی نیست، این فتوی توسط دشمنان اسلام داده شده است.. لذا این فتوایی که داده شده، یا از سوی عناصر غیرمسلمان است.. و یا عناصر جاهلی هستند که این گونه فتوایی را می‌دهند، به‌خاطری که در گذشته هم چنین عناصر جاهلی وجود داشته است که چنین فتوای را می‌دادند، ما می‌بینیم که در دوران خلفای راشدین خوارج برضد حضرت علی بن ابی طالب > قیام کردند، می‌بینیم که آنان به نام اسلام چه نوع کارهایی را انجام می‌دادند..»^۱

استاد شهید، نظر خود را در این مورد این گونه بازگو می‌کند:

«نظر من این است که علمای ما باید کمر بسته کنند و با کسانی که فعلاً می‌جنگند و مردم را انتحاری تربیه می‌کنند، مذاکره کنند.. ناگفته نگذاریم.. من یقین دارم که پشت سر این ترورها داستان هست که نه به اسلام عقیده دارند.. بلکه می‌خواهند اسلام را بدنام بسازند..»^۲

اندیشه استاد در پیوند به نوعیت حکومت اسلامی:

استاد بیانیه‌ای که به مناسبت سالگرد شهادت احمدشاه مسعود قهرمان ملی ایراد کرد، پیام اسلام را به فحوای آیه:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۳

پیام رحمت و شفقت خوانده و همه مردم را به مقتضای فرموده پیامبر اکرم / - که درود بی پایان نثار روحش باد- عیال الله می‌خواند،

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۷۶ - ۷۷.

۲. همان، ص: ۸۲.

۳. انبیاء / ۱۰۷. [ای پیغمبر!] ما تو را جز به عنوان رحمت جهانیان نفرستاده‌ایم.

آنجا که می‌فرماید:

﴿الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ﴾^۱

یعنی مردم همه خانواده خداوند.

استاد شهید، حکومت اسلامی را به مقتضای میثاق مدینه یک حکومت مدنی و شهروندی خوانده و می‌گوید:

«...می‌بینیم که در میثاق مدینه تفکر دولت‌داری در حکومت اسلامی، بر مبنای شهروندی ترسیم شده است، نه بر مبنای دین، از این رو یهودی و مسلمان هر دو در دولت اسلامی به عنوان یک شهروند و یک عضو بودند و قسمی که دولت اسلامی از حقوق، عزت و آبروی مسلمان دفاع می‌کرد، از یهودی هم به عین شکل دفاع می‌کرد...»^۲

البته استناد مطلب بالا به بندهایی از میثاق مدینه است که در نتیجه این قاعده را شکل داد:

﴿لَهُمْ مَالُنَا وَعَلَيْهِمْ مَا عَلَيْنَا﴾

یعنی حقوقی که آنان از آن برخوردارند، همان حقوقی است که ما از آن برخورداریم، مکلفیت‌های آنان هم همان مکلفیت‌هایی است که به دوش ماست.

در اخیر این نوشتار ارتجالی لازم می‌دانم، از سعی و تلاش و پشت کار برادر ارجمند آقای فضلی آماج ابراز سپاس کنم که چنین تلاش‌هایی را در راستای خدمت به تنظیم گفتارها و خطابه‌های استاد شهید، متحمل و این زحمت‌های او را قابل ستایش می‌دانم و از خداوند منان اجر و پاداش جمیل برایش می‌خواهم.

کابل، کارته چهار

شنبه ۱۹ / ۶ / ۱۳۹۳ خورشیدی

۱. بخشی از این حدیث مبارک است: ﴿الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِيَالِهِ﴾ (مردم همه خانواده خداوند است و محبوب‌ترین‌شان پیش الله، سودمندترین‌شان به مردم است). نگاه: شعب‌الایمان، شماره حدیث: ۷۰۴۶.

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۹۴.

نگاهی به خط رهبر جلد دوّم؛

دکتر عنایت‌الله خلیل هدف

«سخنان ما به سان عروسک‌های ساخته‌شده از موم‌اند؛ اما هرگاه به‌خاطر آن شهید شویم، در این سخنان روح دمیده خواهد شد و دارای حیات و حرکت و جهش خواهند گردید...»^۱

از زمانی که در دهه پنجاه خورشیدی در مدرسه ابوحنیفه^۲ مشغول تعلیمات ثانوی بودم، با نوشته‌های استاد برهان‌الدین ربانی از طریق صفحات مجله‌های شرعیات^۳ و پیام حق آشنا شدم، و بعد از هجرت در سال ۱۳۵۷هـ.ش؛ تا پایان عمر مبارک استاد شهید همواره با نوشته‌ها، خطابه‌ها و صحبت‌های ایشان محشور بودم؛ اما برای اولین بار از خلال مطالعه گزیده‌هایی از سخنرانی‌های استاد شهید در کتاب «خط رهبر جلد دوم» به مصداق فرموده شهید سیدقطب، حیات و حرکت و جهش را در سخنان استاد شهید با همه وجود خود احساس کردم!

تصمیم «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» مبنی بر رونمایی و بازنگری

۱. علامه شهید استاد سیدقطب G .

۲. این مدرسه؛ در میزان سال ۱۳۲۳هـ.ش، به نام «مدرسه علوم شرعی» در کابل افتتاح شد، نخست؛ در عمارت فاکولته طبی در دارالفنون آغاز به تدریس کرد، بالاخره در سال ۱۳۲۴هـ.ش، به پغمان انتقال کرد، در سال ۱۳۴۳هـ.ش، تعمیر جدید این مدرسه، در مساحت ۴۴ جریب زمین، به صورت عصری و مجهز که گنجایش چهارصد نفر را داشت، در بگرامی کابل، اکمال و مورد استفاده قرار گرفت. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۴۴ - ۴۵.

۳. این مجله؛ در سال ۱۳۴۹هـ.ش، به مدیریت مسئول استاد برهان‌الدین ربانی شهید W آغاز به فعالیت کرد و در حوت ۱۳۵۲هـ.ش، به علت تحولات سیاسی در کشور، نشرات آن متوقف گردید. نگاه: وبسایت پوهنتون کابل.

آثار چاپ شده استاد در مناسبت سوّمین سالگرد شهادت استاد شهید، یک اقدام بجا و ابتکار فرهنگی قابل تقدیر و ستایش است، نظر به تقاضای برادر دل‌سوز و فرهیخته جناب استاد فضلی آماج مسئول مرکز تدوین آثار رهبر شهید، جلد دوم خط رهبر را مطالعه مجّد کردم و در این کوتاه‌نوشته، گوشه‌ای از نظرات، برداشت‌ها و پیشنهادهای خود را در باب تازه‌ها و پیام‌های فکر استاد شهید و ضرورت تدوین و تحقیق آن در دو محور زیر، به‌طور فشرده خلاصه و اشاره می‌کنم:

۱- فرازهایی از فکر استاد شهید در اثر خط رهبر جلد دوم؛

۲- نقش‌آفرینی مرکز تدوین آثار رهبر شهید.

۱- تازه‌گی‌ها و فرازهایی از فکر استاد شهید؛ در اثر خط رهبر جلد دوم:

این اثر گران‌سنگ دارای بیست‌ویک خطابه‌است که به موضوعات مختلف فکری، سیاسی و اجتماعی اشاره می‌کند؛ اما ما در این عجاله به فرازهایی از تازگی‌های فکری استاد شهید، در این اثر نگاه کوتاهی می‌اندازیم.

سخنان استاد شهید فهم گسترده، عمیق و همه‌جانبه ایشان را به قضایای جهان، مخصوصاً جهان اسلام نشان می‌دهد، استاد شهید به‌عنوان یک عالم آگاه و روشن، طی نیم‌قرن در مراحل مختلف تحصیلی، مبارزاتی و جهادی و سیاسی زندگی خویش، با قضایای معاصر جهان به‌ویژه با تحولات تاریخی و دردورنجهای جهان اسلام، شخصیت‌ها و حرکت‌های اسلامی در تماس نزدیک و دایم بود، به همین سبب همیشه در سخنرانی‌ها و صحبت‌هایش از تجارب تلخ تفرقه و تجزیه جهان اسلام، سقوط خلافت‌های اسلامی و سقوط آخرین رمز وحدت مسلمانان؛ یعنی خلافت عثمانی^۱ و نقش قدرت‌های استعماری در سرکوب و تضعیف و

۱. خلافت عثمانی؛ در سوّم مارچ ۱۹۲۴م، به‌وسیله کسی به‌نام مصطفی کمال اتاترک سقوط کرد. نگاه: دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص: ۱۲۸ و الدولة العثمانیة، از دکتر علی محمد

تجزیهٔ مسلمانان و غارتِ سرمایه‌های جهان اسلام سخن می‌گفت و مردم را آگاه می‌ساخت؛

از ویژگی‌های منحصر به فرد استاد شهید در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش، انتخاب مناسب موضوعات به ارتباط مناسبت‌ها، در نوشته‌ها و سخنرانی‌هایش بود که این هم عمق مطالعات و فهم گستردهٔ استاد را نشان می‌داد، از جانب دیگر، استاد شهید در ابداع و آفرینش واژه‌ها، اصطلاحات و عبارات در میدان نویسندگی و سخنرانی سرآمدِ دوران خود بود، اعجاز قلم و سحر بیان استاد شهید، خواننده و شنونده را به حیرت می‌آورد، خوب به یاد دارم در نخستین سال‌های هجرت و جهاد مردم افغانستان، در پشاور^۱ بودیم و استاد شهید به مناسبت وفات امام ابوالاعلی مودودی G^۲ در جنازهٔ مرحوم اشتراک ورزید و پیام تعزیت جمعیت اسلامی را در یک صفحه به زبان عربی نوشت و آن را انتشار دادیم، استاد شهید مطلع پیام را به خط درشت، با این مصرع مزین کرد:

عَلَوْ فِي الْحَيَاةِ وَفِي الْمَمَاتِ
لِحَقًّا أَنْتِ إِحْدَى الْمُعْجَزَاتِ^۳

صلابی.

۱. پشاور؛ پایتخت ولایت مرزی شمال غربی کشور پاکستان است، مساحت این شهر ۱۲۵۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۹۵۵۲۵۴ نفر تخمین شده است. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، سرواژهٔ پشاور.

۲. علامه سید ابوالاعلی مودودی؛ در ۱۹۰۳م، در شهر اورنگ‌آباد ایالت حیدرآباد هند به دنیا آمد، نوجوانی‌اش را به عنوان یک روزنامه‌نگار گذراند و در ۱۹۲۷م، نخستین اثر مهمی را زیر عنوان «جهاد در اسلام» در شماره‌های پی‌هم روزنامهٔ جمعیت می‌نوشت؛ اما چند سال بعد، ماهنامه‌ای را تحت عنوان «ترجمان القرآن» که به ترجمه و تفسیر قرآن اختصاص داشت منتشر کرد و تا پایان زندگی‌اش به انتشار آن ادامه داد و در سال ۱۹۴۱م، گروه جماعت اسلامی را بنا نهاد و پس از تقسیم هند، به پاکستان رفت و برای تشکیل حقوق شرعی یا حقوق اسلامی به تلاش خستگی‌ناپذیر دست زد و سرانجام در ۱۹۷۹م، درگذشت. نگاه: وبسایت عقیده.

۳. این مطلع قصیده‌ای از قصاید «أبو الحسن الأنباری» است که در وصف «ابن بقیة البغدادی» سروده است. نگاه: منتدیات تغارید.

که انتخاب چنین مصرعی به مناسبت رحلت مفکر جهان اسلام ابوالأعلی، با این ابداع ادبی (لفظی و محتوایی) برای هر خواننده صاحب ذوق ادبی، فوق العاده گیرا و سحرآمیز است؛

نمونه دیگری از انتخاب موزون و زیبا و مؤثر فکر استاد شهید را خدمت شما عرض می‌کنم که در سخنرانی استاد شهید به مناسبت پیروزی انقلاب‌های مردمی تونس و مصر به تاریخ ۲۴ / ۱۱ / ۱۳۸۹ خورشیدی ایراد کردند و به عنوان نخستین سخنرانی ایشان در کتاب «خط رهبر جلد دوم» به چاپ رسیده است، در این سخنرانی که استاد شهید به مناسبت خیزش‌ها و قیام‌های بهار عربی، سقوط و فروپاشی نظام‌های فرعون‌ی و دیکتاتوری در خاورمیانه و رهایی مردم از زنجیرهای ظلم و استبداد که بیشتر از نیم قرن بر سرگردن و دست و پای ملت‌های مظلوم گذاشته شده، سخن می‌گوید؛ با فهم عمیق و مطالعات گسترده تاریخی خود از اوضاع و احوال جهان اسلام و مبارزات آزادی‌خواهی مردم در برابر این نظام‌های طاغوتی می‌بینیم که استاد شهید در مقام تقدیر و تمجید از پیروزی قیام‌های مردمی بهار عربی سخنرانی خود را با این فریاد شاعر جوان و آزادی‌خواه تونس‌ی «ابوالقاسم شابی» آذین می‌بندد:

إِذَا الشَّعْبُ، يَوْمًا، أَرَادَ الْحَيَاةَ

فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدَرُ

وَلَا بُدَّ لِلَّيْلِ أَنْ يَنْجَلِيَ

وَلَا بُدَّ لِلْقَيْدِ أَنْ يَنْكَسِرَ^۱

یعنی؛ روزی که ملت‌ها بخواهند با عزت و سربلند زندگی کنند، تقدیر الهی به استقبال این خواست و اراده ملت‌ها خواهد شتافت؛ در نتیجه اراده ملت‌ها، شب‌های تاریک به صبح روشن مبدل خواهد شد و زنجیرها و قیدهای سنگینی که بردست و پای ملت گذاشته شده، درهم خواهد شکست.

۱. نگاه: دیوان شابی، قصیده «أَرَادَ الْحَيَاةَ»، ص: ۷۶.

استاد شهید به عنوان عالم و فقیه آگاه، سیاسی بافهم و دعوتگر با درد در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خویش برای هر مقام، مقالی دارد و هر نقطه را در جایش می‌گذارد، شناخت مقتضای حال و مراعات حالت و ظرفیت مخاطبین، مهم‌ترین شروط خطابت و سخنرانی است، با این فهم، استاد شهید همواره در سخنرانی‌هایش مقتضای حال و حالت مخاطبین خود را خوب تشخیص می‌دهد و سخنان خود را نثار آنان می‌سازد، استاد شهید در میان توده‌های مردم بر نبض مردم انگشت می‌گذارد و با سحر بیان و آفرینش عبارات تازه و جذاب، مشاعر و احساسات توده‌ها را به وجد و حرکت می‌آورد.

استاد شهید در جمع جوانان استعدادها و امیدهای نسل جوان را به سوی درخشش و شگوفایی سوق می‌دهد و همه را به آینده خوش بین و متحرک می‌سازد، استاد شهید در حلقات علم و تخصص، سیاست و قانون، صاحب فکر و طرح و تألیف و تدوین است و همیشه پیام‌ها و بیانی‌ها و فیصله‌نامه‌ها را به قلم توانای خود می‌نویسد، به همین ترتیب، استاد شهید در میان سیاست‌کاران و در مجامع بین‌المللی و دیپلماسی از قوت منطق و متانت و استواری در موضع‌گیری‌هایش برخوردار است و در فرجام، استاد شهید در حد یک انسانِ بارسالت، بیشترین اوصاف و سجایای قیادت و رهبری را در خود جمع کرده که پروردگارش این همه خصال پسندیده و سجایای نیک و خدمات ارزنده را که برای دعوت اسلامی انجام داده در میزان حسناتش حساب کند و بهشت‌ترین را مأوایش بگرداند و به رهروانش توفیق اخلاص و عمل نصیب فرماید.

نقش‌آفرینی مرکز تدوین آثار رهبر شهید:

معلوم است که افکار مردان بزرگ و میراث فکری علما و قافله‌داران امت با ثبت و تدوین، شرح و تحقیق و پخش و نشر زنده می‌ماند و مشعل راه

نسل‌های آینده می‌گردد، اگر به تاریخ ملل و به میراث فکری و فرهنگی شخصیت‌ها، مخصوصاً میراث فکری و فرهنگی مسلمانان نگاه کنیم، درمیابیم که میراث فکری و علمی ائمه و دانشمندان بیشتر در نتیجه جمع و تدوین و شرح و تحقیق ماندگار گردیده و به نسل‌های بعدی انتقال یافته‌است.

به ارتباط ضرورت جمع و تدوین آثار استاد شهید، من به دو نقطه بسیار مهم اشاره می‌کنم و توجه برادران، به‌ویژه صاحبان فکر و قلم را معطوف می‌سازم:

۱- همه می‌دانیم که استاد شهید در قدم اول مرد فکر و صاحب قلم بود و در فن نویسندگی جایگاه منحصر به خود را داشت، یقیناً هرگاه استاد شهید مانند دیگر علما و نویسندگان مجال ادامه نویسندگی را می‌یافت، امروز ما شاهد آثار و مؤلفات به مراتب بیشتر از آنچه می‌بودیم که از استاد شهید باقی مانده‌است؛ اما ضرورت پرداختن به مبارزات سیاسی و مشغولیت‌های دوامدار در امر جهاد و مقاومت این مجال و فرصت را به استاد شهید نداد؛

۲- نقطه دوم اینکه؛ با وجود تقاضاهای مکرر از جانب برخی از برادران اهل فکر نزدیک به استاد، مبنی بر ضرورت نوشتن خاطرات و زندگی‌نامه استاد شهید به قلم خودش، باز هم مقدر نبوده تا استاد شهید عصاره افکار و خاطرات و فراز و نشیب حیات پربارش را به قلم خود به یادگار بگذارد.

این دو نقطه و موارد دیگر، ضرورت جمع و تدوین و شرح و تحقیق میراث فکری، قلمی و فرهنگی استاد شهید را بیشتر می‌سازد که خوش‌بختانه ایجاد «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» روزه امید را در این راستا باز کرده‌است، این مرکز که فکر می‌شود با شرایط و امکانات ناچیز به کار آغاز کرده، ابتکارات و دست‌آوردهای بسیار پرارزشی را در جمع

و تدوین و تحقیق و نشر آثار استاد شهید محقق ساخته‌است، در این راستا لازم می‌دانم به گوشه‌ای از ابتکارات، فرصت‌ها و چالش‌های فرا راه این مرکز مختصراً اشاره کرده، ملاحظات و پیشنهادهایی را غرض بهبود و موفقیت بیشتر این نهاد نوین‌پایه ارائه کنم.

طوری که از ملاحظه و مطالعه جلد دوم خط رهبر و آثار چاپ‌شده دیگر دریافتیم؛ مرکز تدوین در راستای جمع و تدوین سخنرانی‌های استاد شهید ابتکارهای علمی و مفید را انجام داده‌است که این کار از توان هرکسی نمی‌باشد، دست‌اندرکاران مرکز در پهلوی جمع و تدوین، ویرایش و ترتیب موضوعات سخنرانی‌ها، ابتکار تحقیق علمی را به دوش کشیده‌اند که نه تنها ارزش این سخنرانی‌ها را بلند برده و آن را خواندنی و دلنشین ساخته؛ بلکه ابتکار تحقیق و شرح و تفسیر شخصیت‌ها و موضوعات به شکل حواشی و پاورقی‌های تحقیق‌شده به جامعیت کتاب افزوده و حیثیت یک دایرةالمعارف همه‌جانبه را به خود گرفته است، این ابتکار در رابطه با سخنرانی‌های استاد شهید یک ضرورت علمی و فرهنگی برای خوانندگان؛ مخصوصاً برای نسل جوان و کسانی که به فرهنگ و ثقافت عربی آشنایی کم‌تر دارند، بسیار مفید و ضروری می‌باشد. استاد شهید به حیث یک عالم و دانشمند پرمعلومات و باتجربه در سخنرانی‌های خویش، در مناسبت‌های مختلف به صورت عابر و گذرا به آیات و احادیث و روایات دینی، حوادث مهم تاریخی، سخنان محکم و ماندگار دانشمندان، اشعار و ابیات پر حکمت، شخصیت‌ها و رویدادها اشاره می‌کند که برای بسیاری از مردمان که بضاعت علمی و مطالعات کم‌تر داشته باشند، قابل هضم نمی‌باشد، بدین ترتیب می‌بینیم که نقش‌آفرینی «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» با دست‌زدن به شرح و تحقیق و مستندسازی موضوعات ذکر شده در بالا، فهم و هضم موضوعات طرح‌شده در سخنرانی‌های استاد شهید را برای همه خوانندگان میسر و

مفید ساخته است، طور مثال، استاد شهید در سفرش به امریکا در دوران جهاد، در ملاقات با رئیس جمهور امریکا خطاب به ریگان می‌گوید:

«ما اجازه نمی‌دهیم از کشور ما آلتای دوم^۱ ساخته شود...»^۲ حالا خواننده عادی چگونه می‌تواند بفهمد که «آلتا» چه معنی دارد؟

اینجاست که می‌بینیم «مرکز تدوین...» آن را تحقیق علمی کرده این گونه اصطلاحات و استعارات را شرح و کار خواننده را آسان ساخته‌است، به همین ترتیب استاد شهید در سخنرانی‌هایش از شخصیت‌های مهم تاریخی، علمی، سیاسی جهان نام می‌برد که برای بسیاری خوانندگان فهم و هضم آن دشوار است؛ اما مرکز تدوین این همه را برای خواننده حل کرده و کتاب را جذاب و مفید ساخته‌است.

به همین ترتیب آیات قرآنی و احادیث نبوی توثیق و ترجمه گردیده که برای خواننده مفید و آموزنده می‌باشد، مرکز تدوین در این زمینه حتی یک مصرع شعری و یا اشاره عابری را که در سخنان استاد وارد شده، بدون شرح و تحقیق و مستندسازی نگذاشته که به حق این یک ابتکار علمی پربها و مجهود با ارزش است که قدر آن را صاحبان فکر و علم و تحقیق می‌دانند.

اکنون که «مرکز تدوین آثار استاد شهید» این شمع را فروزان ساخته و روزنه تدوین و تحقیق آثار استاد شهید را باز کرده، سزاوار است، این

۱. آلتایان: در مفهوم وسیع به اقوام و قبایل ترکی به ز بان ساکن سرزمین آلتای شوروی، چین و مغولستان اطلاق می‌شود و به ۲ بخش آلتایان شمالی و جنوبی تقسیم می‌گردد. نام آلتای با گذشت سده‌های دراز هنوز در پرده‌ای از ابهام باقی‌مانده و چنان‌که باید به درستی روشن نشده‌است، بعضی محققان معتقدند که این نام از واژه مغولی «آلتا» یا «آلتان» پدید آمده که به معنای زر است، قدیم‌ترین نام ترکی که سرزمین آلتای جنوبی بدان نامیده شد، آلتین، ییش یا آلتون، ییش به معنای کوه‌های زرین است که در سنگ‌نبشته مشهور «اورخون» آمده‌است، آلتایان نیز پس از انقلاب اکتبر در روسیه و تأسیس منطقه قومی خویش از ۱۹۲۲م، نام مغولی اویرات را بر خود و سرزمین خویش نهادند، حال آنکه نام مذکور به قالموق‌ها تعلق داشت. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ شوروی روسی، ج: ۲ و ۳.

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۲، ص: ۴۴.

مجهود به عنوان یک گام علمی و فرهنگی تقدیر و تقویت و گسترش یابد؛ تا بتواند میراث فکری استاد شهید را جمع و تدوین کند و منفعت آن به همه رهروان راه استاد شهید برسد، در این راستا، پیشنهاد ما این است که آثار استاد شهید در قدم اول به زبان پشتو ترجمه و نشر شود؛ تا هموطنان ما بتوانند از فکر استاد و آثار باقیات صالحات استاد شهید استفاده بیشتر کنند، نه تنها این؛ بلکه سزاوار است؛ تا آثار استاد شهید که به حق تمثیل کننده میراث بزرگ دعوت و جهاد و مقاومت مردم مسلمان افغانستان در یک مرحله بسیار حساس و خطیر تاریخ کشور ما و جهان اسلام صورت گرفته، به زبان عربی و زبان های دیگر - نیز - ترجمه و نشر شود تا نسل های آینده مسلمانان بیشتر به حقایق مربوط به جهاد و مقاومت و دعوت در این سرزمین آشنا شوند.

این کارها در صورتی ممکن و میسر می گردد که اراده قوی برای ادامه راه مبارزاتی استاد شهید وجود داشته و به اهل علم و تحقیق ارج گذاشته شود و از کارهای علمی و تحقیقی تقدیر و تقویت به عمل آید؛ تا این امانت بزرگ به صورت درست حمل شود و به نسل های بعدی انتقال داده شود.

وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

نگاهی به خط رهبر، جلد سوّم؛

معاون سر محقق عبدالولی بصیرت

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ أَجْمَعِينَ وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۱

شهید استاد پروفیسور برهان‌الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، نه تنها اینکه از بزرگ‌مردان تاریخ کشور ماست؛ بلکه از مردانه‌مردان جهان اسلام و علم‌بردار بیداری اسلامی بوده که از کودکی با داشتن ذهن برتر، دید ژرف و علایق بلند دینی، اجتماعی و سیاسی؛ به مسایل فرهنگی، خدمات اجتماعی، افکار سیاسی سر و کار داشته و در جهت رسیدن به اهداف والای خود، مردانه‌وار قدم گذاشت، استوار حرکت کرد و عَلمِ جهاد را برداشت؛ تا رسید به جایگاهی که رسید، سرانجام به هدف بالابلند مقام شهادت نایل گردید، از الله متعال استدعا داریم که در صف شهدای صدر اسلام محشورش فرماید.

اینکه «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» اقدام تدوین حساب‌شده خطبه‌های رهبر کرده‌است، اقدام بسیار زیبا و بجا بوده که الله تعالی ایشان را توفیق رفیق بفرماید؛ تا بتوانند صحبت‌های رهبر بزرگ جهاد

۱. آل‌عمران / ۱۶۹. (و کسانی را که در راه الله کشته می‌شوند، مرده مشمار؛ بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شود.)

و مُقاومت را - که منبع بزرگ علمی به حساب می‌روند- تا حد ممکن و دسترس پیاده کرده و به‌صورت مکمل تدوین، چاپ و به خدمت هم‌وطنان مؤمن و مجاهد قرار دهند.

اینک که جلد سوّم خط رهبر را برای من سپردند؛ تا نکات بارزتر آن را بیرون‌نویس کنم، با مروری بر آن دیدم خیلی مشکل بود که من از میان این خطبه‌ها، نکات و جملات بارز را دریافت و بیرون‌نویسی کنم؛ چون هرواژه و جمله آن بارز، شایسته و بجای بود؛ ولی ناگزیر نکات و جملات بارزتری را در این مقال اقتباس و تقدیم دارم:

خطابه سی‌وسوّم؛

در مراسم بزرگداشت از امام جعفر صادق > ؛

کابل، تالار رادیو تلویزیون ملی، ۲۱ / ۷ / ۱۳۸۷ خورشیدی؛

بعد از خطبه و تشکری از اکادمی علوم افغانستان، مروری به دوران زندگی امام جعفر صادق کرده، از مقابله اصلاحی امام با اموی‌ها^۱ و عباسی‌ها^۲ که اصلاح سیاسی و بسیار مهم بود، یاد کرده فرموده‌اند: «اما حضرت امام درست تشخیص کرده بودند که مشکلات سیاسی، تنها چلنجی، در جهان اسلام نیست؛ بلکه چلنج‌های دیگری هم در اینجا دامن‌گیر جهان اسلام است و مهم‌ترین آن‌ها چلنج فکری و فرهنگی بود...»^۳

استاد شهید در این برداشت از زندگی امام صادق، توجّه مسلمانان را

۱. خلافت اموی‌ها؛ از ۴۰ تا ۱۳۲هـ.ق، ادامه داشت، نخستین خلیفه اموی حضرت معاویه بن ابی سفیان > و آخرین آن مروان بن محمد بود. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتر حسن ابراهیم حسن.

۲. خلافت عباسی‌ها؛ مدت پنج‌قرن ادامه داشت که از سال ۱۳۲هـ.ق، شروع و تا سال ۶۵۶هـ.ق، ادامه پیدا کرد، ابوالعباس عبدالله بن علی از خاندان حضرت عباس > اولین کسی است که از این خاندان به قدرت رسید و تا زمانی که بغداد به‌دست «هلاکو خان» مغول سقوط کرد، حکومت کردند. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتر حسن ابراهیم حسن.

۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۷.

به مهم‌ترین مشکلات در جامعه اسلامی جلب کرده و به بیداری اسلامی انگیزه می‌دهد، چنانچه مسلمانان را به وحدت و هم‌بستگی و دوری از تعصبات مذهبی این گونه انگیزه می‌دهد:

«از خصوصیتی که حضرت امام داشت این بود که معارف اسلامی را از دو سلسله، از مشکوٰۃ نبوت به دست آورده بودند، یکی از سلسله اجداد بزرگوارشان حضرت علی، حسین، حسن، زین العابدین^۱ و والد امجدشان امام باقر^۲ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ - و دیگری از طرف جد مادری‌شان حضرت قاسم^۳ بن محمد بن ابوبکر صدیق > ؛ که به عنوان هفتمین فقیه بزرگ حجاز^۴ به حساب می‌رفت...»^۵

همان‌گونه که امام صادق را استاد ائمه مذاهب اهل سنت به گونه مستقیم و یا بالوسيله خوانده است، هم‌چنان امام را استاد برخی از ائمه حدیث، تصوف و علوم معاصر؛ مُعَرَفی کرده و در عین حال، با بیان زانوزدن تلمذ وی به امام ابوحنیفه^۶، رابطه او را با ائمه مذاهب اهل سنت

۱. علی بن حسین Z ؛ مَلَقَب به زین العابدین، چهارمین امام اهل تشیع است که بنا به درست‌ترین روایت در ۱۵ جمادی الاول ۳۶ هـ ق، به دنیا آمده است و بنا به روایتی در ۲۵ محرم ۹۵ هـ ق، دار فانی را وداع کردند. نگاه: تاریخ یعقوبی، ج: ۲، ص: ۲۳۲.
۲. ابوجعفر؛ محمد بن علی الباقر، مشهور به امام محمد باقر Z امام پنجم اهل تشیع است که در سوم صفر و یا در اول رجب ۵۷ هـ ق، در مدینه منوره زاده شدند، پدرشان علی بن حسین و مادرشان فاطمه بنت حسن بن علی > نام دارد و بنا به روایتی در هفتم ذوالحجه ۱۱۴ هـ ق، به رحمت پروردگارش پیوست. نگاه: زندگی سیاسی امام باقر، از احمد ترابی، ص: ۱۵۱.
۳. پدرش محمد پسر ابوبکر صدیق > است و مادرش دختر «یزدگرد» آخرین پادشاه ایران و عمه اش ام‌المؤمنین عائشه A می‌باشد، این فقیه بزرگوار در اواخر خلافت حضرت عثمان > دیده به جهان گشود و پس از ۷۲ سال عمر، دار فانی را وداع کرد. نگاه: دانشنامه اسلامی.
۴. حجاز؛ نام تاریخی ناحیه غرب شبه جزیره عربستان است، این ناحیه، زادگاه اسلام و محل قرارگرفتن کعبه مبارکه است و شهرهای مهم مکه مکرمه و مدینه منوره در این ناحیه قرار دارند. نگاه: وبسایت دانشنامه اسلام.
۵. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۸.

۶. نام این فقیه و متکلم؛ نعمان بن ثابت بن زوطی مرزبان، مشهور به امام اعظم است، کنیه اش ابوحنیفه، یکی از امامان مشهور اهل سنت است، امام اعظم G در شهر کوفه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان خلیفه اموی، در سال ۸۰ هـ ق، به دنیا آمد و در ۱۵۰ هـ ق، چشم از جهان فروبست، امام G از تبحر زیادی در علوم از قبیل: فقه، کلام، علم حدیث، اصول

مستحکم مَعْرِفَى می‌کند.

«..حَتَّى گفته می‌شود که حدود چهارهزار شاگرد در مدینه منوره^۱ زیر تربیه حضرت امام بودند که از این میان بیش از چهارصد نفر مُحَدِّث از جمله شاگردان حضرت امام بودند.»^۲
و می‌گوید:

«پس به این معنا که حضرت امام جعفر > به‌عنوان پیشوای علم، فکر، فلسفه، فقه، تصوّف، عرفان و همه چیز بودند.»^۳

در مورد رعایت وقار و زیباپوشی امام صادق چنین می‌گوید:
«چیز دیگری که مسلمانان، امروز باید بسیار زیاد در زندگی عملی‌شان، به آن متوجّه باشند، مسئله ظاهرآراسته‌است و به‌خصوص علما باید همیشه متوجّه این مسئله باشند، به‌خاطری که علما نباید در مابین مردم به‌عنوان چهره‌های ناآشنا و بیگانه مَعْرِفَى باشند، به این اساس حضرت امام از لحاظ ظاهری هم لباس بسیار خوبی را به جان می‌پوشید، روزی لباس بسیار زیبایی را پوشیده بودند، شاگرد صوفی‌شان، سفیان ثوری گفت:

«يَا ابْنَ بَنَتِ رَسُولِ اللَّهِ فدایت شوم، چه لباس زیبایی را شما پوشیده

و علم تفسیر برخوردار بودند، امام شاگردان زیادی داشت که مشهورترین آنان عبارت بودند از: امام ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، محمّد بن الحسن بن فرّقد الشیبانی و زُفَر بن هُدَیل بن قیس X . نگاه: دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.

۱. این شهر در شمال ریاض و در میانه نجد قرار گرفته‌است، این شهر پیش از هجرت رسول اکرم / به‌نام یثرب یاد می‌شد، با ورود رسول اکرم / آن را «مدینه‌النبی» نامیدند، در اوّلین شب ربیع الاول سال ۱۴ بعثت، رسول اکرم / به «یثرب» مهاجرت کرد و سرآغاز تاریخ مسلمانان (تاریخ هجری)، از همان سال می‌باشد، مسجد النبی / مسجد قبا و مسجد ذوقبلتین در این شهر قرار دارند، فاصله مدینه تا مکه حدود ۴۲۰ کیلومتر است، در قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره مبارکه احزاب، نام یثرب (مدینه) آمده‌است که می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا..﴾ (چون گروهی از آنان گفتند: ای مردم یثرب (مدینه) دیگر شما را جای درنگ نیست برگردید...) نگاه: مختصر تاریخ مدینه منوره، مترجم: عبدالله حیدری، نشر: مرکز تحقیقات مدینه منوره.

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۲۱.

۳. همان، ص: ۲۶.

اید؟!

فرمودند: مگر نمی‌دانی که قرآن چه فرموده؟^۱
 ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ﴾^۲
 این درک و درایت برای امام جایگاه بلندی نصیب کرده که می‌گوید:
 «..حضرت امام جعفر محوّر وحدت مسلمان‌هاست.»^۳

و در اخیر؛ مسلمانان را به وحدت و یک‌پارچگی توصیه کرده، از
 مکتب امام چنین درسی را ارایه می‌دارد:

«..در دنیای امروز ما به وحدت و یک‌پارچگی مسلمان‌ها ضرورت
 داریم، باید بشناسیم که اصلاً آغاز حرکت فقه و تفکر فقهی در مابین
 ائمه ما، از یک مرکز شروع شده‌است، در اینجا، فقیه حنبلی که ما آن
 را اهل حدیث می‌خوانیم، مرجع فکری‌اش حضرت امام جعفر صادق
 است، فقیه حنفی و مکتب عراقی بازهم استادش، حضرت جعفر صادق
 است، فقیه جعفری دوازده امامی بازهم استادشان همان یک امام است و
 این چنین خردگرایان و تمام کسانی که متعلق به دنیای معرفت‌اند و تمام
 کسانی که متعلق به مکاتب عرفانی و تصوّفی‌اند، مرجع همه‌شان همان
 یک امام است.»^۴

خطابه سی و چهارم؛

در مراسم بزرگداشت از روز عاشورا؛

کابل، ۵ / ۱۰ / ۱۳۸۸ خورشیدی

در آغاز خطابه را چنین ظریفانه شروع می‌کند:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * ﴿..إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۲۶.

۲. اعراف / ۳۲. (بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش آفریده‌است و هم چنین
 مواهب و روزی‌های پاکیزه را تحریم کرده‌است؟).

۳. همان، ص: ۲۷.

۴. همان، ص: ۲۷.

الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۱

در این خطابه بعد از ارایه تسلیت شهادت سالگشت سالار شهدا برای امت مسلمه، می‌فرمایند:

«حادثه کربلا؛ نهضت بزرگ در تاریخ جهان و حماسه فراموش ناشدنی تاریخ است، این حادثه حرکت جدیدی را در جهان اسلام ایجاد کرد، حرکت تغییر، اصلاح و قیام برای عزت و آزادی مسلمانان و نجات امت اسلامی از ستمگران بی‌رحم تاریخ در هر جایی که هستند و الی قیام قیامت این حرکت ادامه خواهد داشت، در حادثه کربلا عقل و عاطفه، روح و احساس، همه شریک‌اند.»^۲

از فضایل حضرت حسین یاد کرده می‌گوید:

«حسینی که پیامبر گرامی / حتی در محراب عبادت هم - زمانی که او بر شانه‌های قدسی اش سوار می‌بود - تا آن‌گاه که او را به‌گونه آرام به زمین نمی‌گذاشت، سر از سجده بلند نمی‌کرد.. و می‌گفت: نخواستم که او را اذیت کنم؛ اما این سنگ‌دلان وحشی صفت و بی‌رحم، چنین حسینی را و کودکان او را؛ یعنی کودکان اهل بیت را، با کمال بی‌رحمی و بی‌دردانه شهید ساختند، اینجاست که بعد از گذشت قرن‌ها هنوز با یاد این حادثه و با شنیدن آن، سنگ‌دل‌ترین انسان‌ها اشک از چشمان‌شان فرو می‌ریزد و سخت غمگین می‌شوند.»^۳

قیام امام حسین > را توجیه می‌کند و هدف آن را برای اصلاح و نجات از پخش فرهنگ بدبختی، ذلت و ظلمت می‌داند و بعدش

۱. بخشی از آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب است که می‌فرماید: ﴿وَقَدْ فِي بُيُوتِكُمْ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدَ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت پیشین در میان مردم ظاهر مشوید و خودنمایی نکنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و از الله و پیغمبرش اطاعت کنید، الله قطعاً می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را کاملاً پاک سازد.)

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۳۳.

۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۳۳ - ۳۴.

می‌افزایند؛ تا وقتی که نظام‌های فاسد و زمامدارانِ مستبد بر جامعه حاکم باشند، هیچ اصلاحی در آن جامعه ممکن نیست، اگرچه تلاش‌های اصلاحی مفیدند؛ اما کم‌ثمر و حتی بی‌ثمر خواهند بود، می‌گوید: «پس باید مُبارزه برای اصلاح رأس قدرت و نظام سیاسی صورت بگیرد، اگر نظام سیاسی فاسد شد، آنجاست که دیگر هیچ اصلاحی ممکن نیست»^۱

«اینجاست که امام حسین تصمیم می‌گیرد که باید تغییری در نظام سیاسی به میان بیايد و این تغییر را به‌خاطر خود نمی‌خواست؛ بلکه به‌خاطر ملت، مردم و جامعه می‌خواست؛ زیرا او از جد امجد خود شنیده بود:

﴿مَا تَرَكَ قَوْمَ الْجِهَادِ إِلَّا عَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ﴾^۲

(یک ملت وقتی که جهاد را ترک کنند، خداوند آنان را به عذاب فراگیری مبتلا می‌کند).»^۳

بعد از بیان وعده‌خلافی اهل کوفه^۴ از تأثیر نظام‌های فاسد حتی بر شخصیت‌های بزرگ چنین می‌گوید:

«..اما ببینید که در نظام‌های فاسد حتی در فکر و فرهنگ شخصیت‌های بسیار بزرگ و غازیان عظیم هم تغییر ایجاد می‌شود، انسان‌هایی که باید در پهلوی امام قرار می‌گرفتند، نگرفتند و دلیلش هم این بود، با حیات در زیر سایه نظام استبدادی - هرچند که عمرش کوتاه هم بود- ذلت‌زدگی، نفاق، دورویی در میان‌شان حاکم شده بود.»^۵

سپس این وضعیت را به اوضاع کشور وفق داده می‌گوید:

-
۱. همان، ص: ۳۶.
 ۲. نگاه: السلسلة الصحيحة، از الألبانی، ج: ۶، ص: ۳۵۲، شماره حدیث: ۲۶۶۳ وأخرجه الطبرانی فی الأوسط، ج: ۲، ص: ۲۲۸، شماره حدیث: ۳۸۳۹.
 ۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۳۶ - ۳۷.
 ۴. کوفه؛ شهری است که در عراق موقعیت دارد، این شهر در ۱۷۰ کیلومتری جنوب بغداد و در استان نَجَف واقع شده‌است، این شهر در زمان حضرت علی > به‌عنوان مرکز خلافت ایشان انتخاب شده بود، از همین جهت در نزد مسلمانان قابل اهمیت است. نگاه: کوفه از پیدایش تا عاشورا، ج: ۱.
 ۵. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۳۹.

«چنانچه شما هم این وضعیت را در افغانستان عزیز دیده بودید، حتی در همین اوضاع اخیر، مردمان بسیاری بودند که تعهدات خود را تغییر دادند، تصمیم‌های خود را دوباره عوض کردند، به فکر اینکه ما باید با کسی باشیم که ما را در قدرت سهیم بسازد.»^۱

در این حادثه از شهادت امام حسین، کودکان و کسان دیگری که شست‌وشوی خدایی دیده‌اند، یاد کرده از طرفی آن را فاجعه دردناکی خوانده و از جانب دیگری می‌گوید:

«..اما این قیام، نتایج و اثراتِ بزرگِ بعدی خود را داشت که باعث خیزش‌ها و قیام‌های بزرگی در جهان اسلام شد.»^۲
این قیام‌ها را شامل همه دانسته می‌گوید:

«..حضرت امام حسین > رمز وحدت و کفاح و مبارزه جهان مسلمان شد، شیعه و سنی، فقیه، سیاست‌مدار، فیلسوف، جوان، صوفی و همه درس قیام، مبارزه و جهاد را از امام حسین > گرفتند.»^۳
اما درسی را که ما از این قیام باید بگیریم، چیست؟ در این باب، می‌گوید:

«اگر قیام حضرت امام حسین > رمز وحدت و یک‌پارچگی مسلمان‌هاست؛ پس بر ماست که از این قیام درس بگیریم و باید این را بدانیم که مذهب به معنای دین نیست، مذهب یک‌طرز تفکر فقهی فقه‌های اسلامی است؛ اما اساس و ریشه دین که - رمزی از آن را ما در قیام حضرت امام حسین > می‌بینیم - همه مذاهب در آن شریک‌اند؛ لذا باید ما وحدت و هم‌پستگی خود را حفظ کنیم و در افغانستان - به‌استثنای عناصر بسیار کوردل و تاریک‌نظر، دیگر همه اهل دو مذهب اعم از شیعه و سنی - به لطف خداوند - باهم دوست، برادر و پیکره واحدند.»^۴

۱. همان، ص: ۴۰.

۲. همان، ص: ۴۰.

۳. همان، ص: ۴۱.

۴. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۴۱ - ۴۱.

استاد شهید، حادثه شش جدی را در پیوند به کربلا بیان کرده، هجوم خونین قشون سرخ که در این کشور کربلاهایی را به وجود آورد؛ اما انگیزه احیای مجدد و حماسه و رستاخیز جهادی شد که سرآغاز فروپاشی اتحاد شوروی شد، دیوار برلین درهم شکست و ملت‌های در زنجیر، آزاد شدند؛ «..اما دریغ و صددریغ که تاهنوز هم در کشور خودمان، جریان قتل و کشتار، خون و آتش، بیچارگی‌ها، مظلومیت‌ها و محرومیت‌ها ادامه دارد.

ما با یقینی که به این فرموده خداوند داریم:

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخَّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ * مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ﴾^۱

امیدواریم، قسمی که سرنوشت ستمگران تاریخ در گذشته، ناکامی و ذلت بوده و در هر جای هم، همیشه دست‌های ظلم و ستم به ناکامی روبه‌رو می‌شوند و بالاخره مظلومین و ملت‌های محروم به آزادی و به عزت خود می‌رسند، کشور ما هم این مراحل خونین را پشت سر بگذارد و بعد از این همه قربانی‌ها و شهادت‌های فراوانی که داریم، سرانجام ملت ما هم به امنیت سرتاسری برسد.^۲

و پیام قیام حسینی را این‌گونه بیان می‌کند:

«..پیامی را که امام حسین > با ریختاندن خون خود به جهان اسلام الی قیام قیامت دادند، ابعاد مختلفی داشته، بلی پیامی بود به خاطر ایجاد دوباره عزت و سربلندی در صفوف مسلمان‌ها و وحدت و

۱. بخشی از آیه ۴۳ سورة مبارکه ابراهیم است که می‌فرماید: ﴿مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْنَدْتَهُمْ هَوَاءً﴾ (ای پیغمبر، گمان مبر که الله از کارهایی که ستمگران می‌کنند بی‌خبر است [نه؛ بلکه مجازات] آنان را به روزی حواله می‌کند که چشم‌ها در آن [از خوف و هراس چیزهایی که می‌بیند] باز می‌ماند [ستمگران همچون اسیران، از هراس] سرهای خود را بالا گرفته و یک‌راست [به‌سوی نداده‌نده] می‌شتابند و چشمان‌شان [از مشاهده این همه عذاب هراسناک] فرو بسته نمی‌شود و دل‌های‌شان [فرو می‌تپد و از عقل و فهم و اندیشه] تهی می‌گردد).

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۴۴.

یک پارچگی شان، چنان که پیام، بخش های سیاسی، عرفانی، معنوی و اجتماعی را در خود - نیز - داشت؛ ولی از همه پیام هایش پیام وحدت و یک پارچگی آن در جهان اسلام مهم تر بود و ما امروز نه تنها در افغانستان؛ بلکه در تمام جهان اسلام، سخت به وحدت و یک پارچگی ضرورت داریم.^۱

«البته این پیام حسین، پیام اسلام است که قرآن کریم در مورد آن می فرماید:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾^۲

به امید آن روزی که اختلاف ها به هر شکل و به هر رنگی که باشند، از میان برداشته شوند.^۳

بعد از آن اوضاع سیاسی روز و جریان انتخابات و چلنج ها و مشکلات را بیان کرده و فرمودند:

«..ولی چیزی که بسیار مصیبت بار بود: عبارت از همان تقلب ناروایی بود که صورت گرفت که نه تنها آبروی یک شخص و یک فرد را؛ بلکه تقریباً باعث آبروریزی ملی، در سطح بین المللی شد.»^۴

نتیجه این جریان را با تمام نابسامانی هایی که وجود داشت، چنین فشرده می سازد:

«در حالی که در برابر فساد همه ما باید مبارزه کنیم و به خاطر اصلاح دست به دست همدیگر بدهیم، در دفاع از وحدت ملی، استقلال سیاسی افغانستان، حفظ عزت و آبروی ملت افغانستان، بازسازی کشور، تأمین امنیت در کشور؛ تاجایی که به ما ارتباط دارد، از هر گام مثبتی که از طرف حکومت به خاطر حفظ مصالح ملی، تأمین امنیت، حفظ استقلال، عزت

۱. همان، ص: ۴۵.

۲. مؤمنون / ۵۲. [و بدیشان گفتیم: به اقوام خود برسانند که] این ملت یگانه ای بوده و من پروردگار همه شمایم، پس تنها از من بهراسید.

۳. همان، ص: ۴۶.

۴. همان، ص: ۴۶.

و آبرومندی کشور برداشته می‌شود، ما از آن در این بخش‌ها حمایت می‌کنیم؛ اما مبارزات ما به‌خاطر پاک‌سازی فساد، اصلاحات اساسی و بنیادی، از بین بردن انحصارطلبی‌ها، مظلومیت‌ها به‌خاطر جلوگیری از بی‌عدالتی‌ها ادامه دارد؛ چون این مُبارزه یک مُبارزه دینی و ملی همه ماست، ما این را از قرآن آموختیم و از پیغمبر خود یاد گرفتیم و هم‌چنان این درسی است که قیام عاشورای حسینی برای ما داده‌است.^۱

خطابه سی و پنجم؛

در مراسم فاتحه یکی از قومندانان جهادی ولایت لغمان؛

۱۶ / ۹ / ۱۳۸۸ خورشیدی

باز هم آغاز زیبا:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۲

(در میان مؤمنان مردانی هستند که در پیمانی که با الله بسته‌اند، راست بوده‌اند، برخی پیمان خود را به‌سر برده‌اند و شربتِ شهادت سرکشیده‌اند و برخی - نیز - در انتظارند، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.)

از خاطرات مجاهدان راه حق به‌خصوص در لغمان،^۳ اهداف و آرمان‌های شهدا، شهکاری‌ها و افتخارات‌شان و توطیه‌های دشمن علیه آنان یاد کرده تأکید فرمودند:

«..ملت مؤمن و مردم اصیل ما، نسل‌های جوان ما باید این تاریخ و

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۴۹.

۲. احزاب / ۲۳.

۳. لغمان؛ یکی از ولایت‌های شرقی افغانستان است، مرکز آن شهر «مِهترلام» است، مساحت آن ۷۲۱۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ. ش، ۴۶۳۹۸۸ نفر تخمین شده‌است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۳۵ - ۳۶.

این افتخارات بزرگ و این عَظَمَتِ ملی خود را فراموش نکنند...»^۱
 «و إلا درس آزادی و آزادمردی و دفاع از دین و ارزش‌ها و میهن،
 در میان مِلّت ما، نسبت به مِلّت‌های دیگر کم‌رنگ خواهد شد...»^۲
 خود و تمام مِلّتِ مؤمن افغانستان را شریک درد و غم خانواده‌های
 شهدا دانسته می‌گوید:

«بلی وقتی که یک مصیبت تقسیم می‌شود، فشارش هم اندک می‌شود
 و از طرف دیگر ما عقیده داریم که مرگ برای انسان و مخصوصاً مسلمان،
 یک جَهْش و یک معراج است...»^۳

آری؛ «..مرگ برای مؤمنان سیر الی الله است؛ ..مرگ برای مسلمان
 مفهومی جز رسیدن به ابدیت و رسیدن به قُرب و لطف و رحمت
 الهی مفهوم دیگری ندارد، مرگ در - باور مؤمن - شکستنِ قفسِ تنگِ
 زندگی است که به یک فضای بزرگ و ابدیت پرواز می‌کند...»^۴

«..مرگ برای مؤمن نعمت است، مثلی که حیات برای او نعمت است
 و مسلمان باید نعمت حیات و موت؛ یعنی هردو را قدر بکند، اگر مرگ
 نمی‌بود، یقیناً زندگی جهنمی بیش نمی‌بود، مرگ است که انسان را از
 بسیاری از مصیبت‌ها و بدبختی‌ها نجات می‌دهد...»^۵

یقیناً این گونه شناسایی از مرگ و مُعرَفی آن با این واژه‌ها و جملاتِ
 دل‌انگیز؛ تسلّیت، آرامش و راحتِ قلبی را برای هرانسانی به‌وجود
 می‌آورد.

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۵۵.

۲. همان، ص: ۵۶.

۳. همان، ص: ۵۷.

۴. همان، ص: ۵۷.

۵. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۵۸.

خطابه سی و ششم؛

در افتتاحیه مسجدی در بازارک ولایت پنجشیر؛

۸ / ۲ / ۱۳۸۸ خورشیدی

در آغاز بر روان شهدا درود فرستاده و برای مجاهدان راه حق، سربلندی، عزت و اجر عظیم و برای همه کسانی که در بنای مسجد نقش داشته، از بارگاه رب العزت اجر عظیم خواسته و مسجد را چنین معرفی می کند.

«..مسجد؛ یعنی اولین تهداب تمدن اسلامی، مسجد؛ یعنی مرکز تصمیم گیری های بزرگ مسلمانان در ابعاد نظامی، سیاسی و فرهنگی. مسجد؛ یعنی جایگاه ارتباط انسان با خدا. مسجد محراب عظمت، قدرت و سلطه مسلمانان. مسجد؛ یعنی آغاز یک حرکت سیاسی و پایه گذاری یک نظام سیاسی در جهان اسلام و در میان مسلمانان..»^۱

با استدلال به این آیت کریمه:

﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۲

می گوید: آری؛ از طریق نماز، خودسازی و انسان سازی به میان می آید، با دادن زکات وضع اقتصادی و زندگی مردم بهتر می شود.

امر به معروف را چنین توجیه می کند:

«در این شکی نیست که امر به معروف به معنای نظارت ملی است که تمام منسوبین دولت اسلامی به خاطر تطبیق قانون، پیاده کردن نظم و استقرار اجتماعی و به خاطر تطبیق ارزش ها، همه احساس مسئولیت می کنند...»^۳

پس از آن می گوید:

۱. همان، ص: ۶۲.

۲. حج / ۴۱. (همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن الله است).

۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۶۳.

«این همه در نتیجه ایجاد یک مرکز ارتباط انسان با پروردگارش است که آن عبارت از ساختن مسجد است...»^۱
 بناء رسول الله اولین بار خشت نظام اسلامی؛ یعنی مسجد را می گذارد، بعد از آن:

«..عمده ترین پیمانی را که به نام پیمان مدینه است، در مسجد بسته شده است...»^۲

نقش مسجد را از دوره رسالت تا سقوط خلافت، این گونه بیان می کند:
 «مسجد نه تنها به عنوان پایگاه عبادت بود؛ بلکه پایگاه تصمیم گیری های بزرگ و حتی خدمات اجتماعی بود.»

«مسجد جایگاه آشتی در میان تفکرات مختلف، مذاهب مختلف و جایگاه پخش فرهنگ و معارف اسلامی، فکر و فلسفه اسلامی بود...»^۳
 از تأسیس مسجد تقدیر کرده و پنجشیر^۴ را مرکز اتحاد همه اقوام امت اسلامی یاد می کند:

«..اقوام مختلف چون: پشتون، ازبک، تاجیک، بلوچ، ترکمن، پشه ای و همه اقوام افغانستان به عنوان یک پیکر متحد امت اسلامی در افغانستان تصمیم های مشترکی گرفتند و یکجا در سنگرهای پرافتخار در برابر تهاجم اجانب قرار گرفتند، یکجا شهید و یکجا دفن شدند و در یک سنگر، برای

۱. همان، ص: ۶۳.

۲. همان، ص: ۶۴.

۳. همان، ص: ۶۵.

۴. پنجشیر؛ در شمال افغانستان واقع گردیده است، مرکز آن شهر «بازارک» می باشد، پنجشیر به فاصله ۱۲۰ کیلومتری به طرف شمال شرق کابل در بین دو شاخه جنوبی هندوکش، از شمال شرق به جنوب غرب موازی به امتداد هندوکش واقع است و دره های فرعی آن از شمال به جنوب و از جنوب به شمال امتداد داشته و به دره عمومی پنجشیر وصل می شود، ارتفاع آن از سطح بحر ۲۲۱۷ متر بوده و در نقاط مرتفع به ۶ هزار متر از سطح بحر ارتفاع آن می رسد، طول آن از «دالان سنگ» تا پای «کوتل انجمن» زیاده از ۱۲۵ کیلومتر است، مساحت آن ۳۶۱۰ کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن در سال ۲۰۰۹م، ۱۳۹۱۰۰ تخمین شده است. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج: ۱۳.

دفاع از وحدت ملی قرار داشتند و قرار گرفتند...^۱

در اینجا بر مبنای ایمان تصمیم‌های گرفته می‌شد که مستحیل خوانده می‌شد، از قاطعیت قهرمان ملی یاد می‌کند که می‌گفت:

«قسم به خدا اگر به اندازه کلاه سرم هم جای باقی بماند، من مُقاوَمَت می‌کنم و سنگر را به دشمن هرگز تسلیم نمی‌کنم.»^۲

اما امروز: «..جایگاه جهادگران مؤمن در کجاست؟ آیا این‌ها باردیگر تصمیم می‌گیرند که به اراده مستقل خودشان در صحنه حضور داشته باشند و یا مانند خس و خاشاک در جریان‌ها و حرکتهای دیگران و به دنبال دیگران حرکت می‌کنند؟ من یقین دارم که در چنین وضعی، عناصر مجاهد، مؤمن و با اراده‌ای که افتخارات بزرگ تاریخی‌ای را در حیات خود دارند، آن افتخارات را هرگز فراموش نمی‌کنند...»^۳

از کاندیدای مجاهدین در انتخابات یاد کرده می‌گوید:

«..اما وحدت و یک‌پارچگی مان مهم‌تر از هر چیز دیگری است...»^۴

انتخابات همه راه حل نه؛ بلکه بسا که بحران می‌آفریند:

«..تنها پیروزی در انتخابات مشکلات کشور.. جهان سوّم را حل نمی‌کند.. ما شاهدیم که در دو انتخابات نه تنها اینکه بحران‌ها را از بین برده؛ بلکه بحران‌های جدیدی را نیز به میان آورده، کشمکش‌های زیادی را بعد از انتخابات شاهدیم که در کشورها به میان آمده...»^۵

بناء به وحدت تأکید می‌دارد:

«..ما طرفدار وحدت و یک‌پارچگی کلّ کشور و همه اقوام افغانستانیم، ما هرگز نمی‌خواهیم که یک قوم بر قوم دیگر، برتری داشته باشد، همه اقوام و تمام ملیت‌های افغانستان همه باهم برادر و برابرند، همه حق

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۶۶ - ۶۷.

۲. همان، ص: ۶۷.

۳. همان، ص: ۶۸.

۴. همان، ص: ۷۰.

۵. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۷۲ - ۷۳.

دارند که در مبارزات سیاسی سهم بگیرند، همه حق دارند که مطالبه حق و عدالت بکنند، همه حق دارند که سربلند و با عزت زندگی کنند، این همه؛ ایجاب می‌کند که ما متحدانه و یک‌پارچه حرکت بکنیم...»^۱

از اختلاف منع کرده، می‌گوید:

«اختلافات و تفرقه باعث شکست دولت‌های بزرگ شده‌است، ما در تاریخ شاهدیم که کشورهای بزرگ و به‌خصوص در جهان اسلام، خلافت‌های بزرگ اسلامی، زمانی سقوط کردند که در بنای با عظمت‌شان میکروب اختلاف ریشه دواند...»^۲

«..باید متوجه باشیم که وحدت و یک‌پارچگی خود را حفظ بکنیم، اول؛ وحدت خود را از داخل خانواده خود، بعد از آن در خانواده بزرگ افغانستان و اقوام مختلف افغانستان...»^۳

خطابه سی و هفتم؛

به مناسبت سالگشت شهید سید مصطفی کاظمی؛

کابل، ۹ / ۳ / ۱۳۸۸ خورشیدی

بعد از سپاس و تشکر می‌گوید: «شکی نیست که تفاوت در میان ملت‌های زنده، سربلند، با عزت و با غرور و ملت‌های محکوم، اسیر و خودفروخته؛ از جمله در این است که ملت‌های سربلند و آزادمنش، از شخصیت‌های خود، مخصوصاً از انسان‌هایی که در دوران حیات پرثمرشان، کارهای بزرگی را انجام داده‌اند، هم در زندگی و هم بعد از مرگ‌شان تجلیل به عمل می‌آورند، نمی‌خواهند نام‌شان، راه‌شان و کارنامه‌های‌شان به فراموشی سپرده شود، ما مسلمانان هم باید از شخصیت‌هایی که مصدر خدمات در میان مردم خود شدند، تجلیل بکنیم.»^۴

۱. همان، ص: ۷۴.

۲. همان، ص: ۷۵.

۳. همان، ص: ۷۶.

۴. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۸۲.

بعد می‌گوید: «..ما این را از قرآن آموختیم، بلی می‌بینیم که قرآن کریم در آیات متعددی از همه مردان، زنان و حتی کودکانی که مصدر تحوّل و کاری در دوران زندگی‌شان شده‌اند به نیکی یاد می‌کند..»^۱

از حضرت ابراهیم Z یاد می‌کند که قرآن او را من حیث الگو معرّفی می‌دارد:

«به‌خاطر موضع‌گیرهایی جرأت‌مندانه قاطع‌اش و به‌خاطر مبارزه‌های بزرگ او، در برابر قدرت‌های استبدادی و نمرودیان زمان و درهم‌شکستنِ بت‌های استبداد، زور و زر..»^۲

از جوانان مبارزی که در سورۀ کُهِف ذکر شده‌است، یاد کرده و می‌گوید: «..خداوند^۱ این‌ها و مبارزه‌شان را از مظاهر قدرت شگفت‌انگیز خود می‌داند..»^۳

از زنان مبارز مانند زن فرعون یاد می‌کند: «..خداوند از این زنی که عَلَمِ مبارزه را برضد کفر و استبداد خانوادگی خود بلند کرده، یاد می‌کند و او را به‌عنوان نمونه‌ای، از زنان در تاریخ زنان مبارز، یاد می‌کند..»^۴

از توطیه‌های دشمن در برابر شخصیت‌های مبارز کشور با دادن القاب مانند جنگ‌سالار و تفنگ‌سالار و اشرار و غیره یاد کرده می‌گوید:

«..همۀ این‌ها توطیه‌های حساب‌شده‌ای است که برضد شخصیت‌های ما دیروز و امروز و در فردا دوام دارد؛ امّا ملت‌های زنده و مردم هدف‌مند و متعهد هرگز در برابر این هرزه‌سرایی‌ها تسلیم نمی‌شوند..»^۵

اهمیت تجلیل از شخصیت‌ها را بیان کرده می‌گوید: «..ملت‌ی که از شخصیت‌های سیاسی، علمی، فلسفی، اجتماعی خود تجلیل نکنند، اصلاً

۱. همان، ص: ۸۲

۲. همان، ص: ۸۳

۳. همان، ص: ۸۵

۴. همان، ص: ۸۶

۵. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۸۹

آن ملت، مرده است..»^۱

از جنگ سالارهای غربی مانند: دوگل^۲ فرانسوی و آیزنهاور^۳ آمریکایی یاد می‌کند که امروز به عنوان قهرمانان آزادی یاد می‌شوند، چنانچه از احزاب جمهوری خواه و دموکرات در امریکا که بعد از جنگ‌های داخلی سر کشیده‌اند، آن‌ها همه قهرمان و آزادی خواه‌اند؛ ولی احزاب جهادی ما را به القاب زشت یاد می‌کنند، نیز یاد می‌کند.

«به همه حال؛ منظور من از این حرف‌ها این است که ما باید به خاطر حفظ ارزش‌های خود، به خاطر حفظ فرهنگ و تاریخ خود و به خاطر حفظ مبارزات ملی و تاریخی خود و به خاطر تشویق نسل جوان خود، از هرکاری از هر شخصیت با ارزش خود باید دفاع کنیم..»^۴

خطابه سی و هشتم؛

در همایش فراغت حافظان قرآن کریم؛

کاپیسا، ۱۱ / ۴ / ۱۳۸۸ خورشیدی

با تشکر از دست‌اندرکاران این محفل می‌گوید: «شکی نیست که قرآن کریم سرچشمه نور و هدایت است. قرآن کتابی است برای نجات بشریت،

۱. همان، ص: ۸۹ - ۹۰.

۲. شارل آندره ژوزف ماری دوگل؛ معروف به جنرال دوگل، در ۲۲ نوامبر ۱۸۹۰م، در شهر «لیل» فرانسه چشم به جهان گشود، از مدرسه نظامی «سنت سیر» فارغ‌التحصیل گردید، در بست‌های فرمانده نیروهای فرانسه آزاد، رئیس حکومت مؤقت جمهوری فرانسه، نخست‌وزیر فرانسه و وزیر دفاع فرانسه کار کرده بود، در ۹ نوامبر ۱۹۷۰م، در دهکده «کولومب» - له - دو - اگلیز» فرانسه چشم از جهان فرو بست. نگاه: دنیای مشاهیر، ص: ۶۰ - ۶۱.

۳. دوايت ديويډ آيزنهاور؛ معروف به «آیک» در اکتوبر ۱۸۹۰م، در «تگزاس» به دنیا آمد، از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱م، به عنوان سی و چهارمین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بود، او در طول جنگ جهانی دوم، عنوان «جنرال ارتش» را دارا بود و فرمانده عالی نیروهای متفقین در اروپا بود و دو سال بعد در کنوانسیون حزب جمهوری خواه به عنوان نامزد این حزب برای انتخابات ریاست جمهوری معرفی شد. سپس «آدلای استیونسون»، رقیب خود در انتخابات ۱۹۵۲م، را شکست داد و رئیس جمهور آمریکا شد و در مارچ ۱۹۶۹م، درگذشت. نگاه: آیزنهاور تاریخی از مهم‌ترین عملیات و رمزهای جنگ بین‌المللی دوم، ص: ۵ - ۱۶.

۴. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۹۳.

همچنان کتاب بیدارگرِ مَلَّت‌ها و هدایت‌گرِ گمراهان و کسانی است که در بیابان گمراهی و ضلالت حرکت می‌کنند...^۱

«در جامعه‌ای که قرآن نازل می‌شد، جامعهٔ جاهل، صحرانشین و بی‌خبر از معارف انسانی بود؛ اما ما می‌بینیم که قرآن کریم فکر و ذهن افرادِ جاهلِ جامعه را به چه شکلی تغییر می‌دهد؟!»^۲

«به‌عنوان مثال، از رَبِیُّ بِنِ عَامِرِ یاد می‌کند که پیام اسلام را به ساسانی‌ها^۳ می‌برد و در جواب سوال رستم که گفت: چه می‌خواهید، می‌گوید:

﴿إِنَّ اللَّهَ ابْتِغَيْنَا لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَحْدَهُ، وَمِنْ ضِيقِ الدُّنْيَا إِلَى سَعَةِ الْآخِرَةِ، وَمِنْ جَوْرِ الْأَدْيَانِ إِلَى عَدْلِ الْإِسْلَامِ﴾
اینجا ما می‌بینیم که اسلام در اثر هدایت قرآنی؛ حتّی در آغازین روزهای نزولش، مجموعه‌ای از انسان‌های جاهل و بی‌خبر را به‌عنوان انسان‌های آگاه، عارف و عالم و به‌عنوان رهبران سیاسی و قدرت‌های شکست‌ناپذیری تغییر می‌دهد...»^۴

«..بلی این کتاب اعلان خطر می‌کند که شما بشریت باید خود را از این وضع نجات بدهید.»^۵

از اختراع ساعت از طرف مسلمانان و فرستادن آن به فرانسه و

۱. همان، ص: ۹۷.

۲. همان، ص: ۹۸.

۳. ساسانیان؛ نام دودمان ایرانی است که از سال ۲۲۴ تا ۶۵۱م، بر ایران فرمانروایی کردند، بنیان‌گذار این شاهنشاهی را «اردشیر» گذاشته بود، ساسانیان آخرین دودمان پیش از دورهٔ اسلامی در ایران بودند، پایتخت ایران در این دوره، شهر «تیسفون» در نزدیکی بغداد در عراق امروزی بود، جامعهٔ ساسانی به‌صورت طبقاتی اداره می‌شد، دین رسمی‌شان زردشتی بود و اوستا و زند منابع اصلی حقوقی و دینی حکومتی‌شان محسوب می‌شد، حکومت ساسانیان در زمان خلافت حضرت عمر > سقوط کرد و اسلام در آن سرزمین پخش و نشر شد. نگاه: زریاب، عباس، تاریخ ساسانیان.

. نگاه: کتاب، البدايه والنهاية، از ابن کثیر، جزء: ۷، غزوة القادسیه.

۴. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۰۱.

۵. همان، ص: ۱۰۱.

تعجب آن‌ها یاد کرده می‌گوید: «..مسلمان‌ها نه تنها معارف الهی را به بشریت می‌رساندند؛ بلکه علوم و معارف انسانی را - نیز - به بشریت انتقال داده بودند، زیادی از علمای غیر مسلمان منصف، هستند و اعتراف می‌کنند که اگر اسلام و تمدن اسلامی نمی‌بود، اروپای امروز در عهد ظلمت و در جهل و در بی‌دانشی به سر می‌برد...»^۱

از بحران مالی که نظام سرمایه‌داری را به لرزه درآورده و همه را پریشان کرده یاد کرده می‌گوید: «..از میان خود کشورهای غربی کسانی صدا بلند می‌کنند و می‌گویند: به جای انجیل قرآن را بخوانید، قرآن است که نظام سودی و سود را حرام ساخته و این نظام سود، باعث سقوط نظام سرمایه‌داری شده است؛ لذا ما به قرآن رجوع بکنیم...»^۲

با استدلال به این حدیث:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ بِهَذَا الْكِتَابِ أَقْوَامًا وَيَضَعُ بِهِ الْآخِرِينَ﴾^۳

می‌گوید: «یقیناً خداوند^۴ توسط قرآن ملت‌هایی را که تکیه به قرآن کردند و به آن عمل کردند، به رشد و قوت و عزت و عظمت و سربلندی می‌رساند؛ اما کسانی که به قرآن عمل نمی‌کنند، به ضلالت و گمراهی و بدبختی روبه‌رو می‌شوند.»^۵

از تهاجم فرهنگی یاد کرده می‌گوید: «هرچند ما بخشی از توطئه‌ها را از طریق تلویزیون‌ها می‌بینیم؛ اما توطئه‌های مخفی آن‌قدر زیاد است که اصلاً وقتی که ما آن را بررسی بکنیم، انسان حیران می‌ماند که آیا واقعاً در کشور ما چنین توطئه‌هایی برضد اسلام و برضد ارزش‌های اسلامی ما جریان دارد؟!»^۶

استاد شهید همه فعالیت‌ها را مؤثر دانسته و می‌گوید: «..اما در پهلوی

۱. همان، ص: ۱۰۲.

۲. همان، ص: ۱۰۳.

۳. نگاه: صحیح مسلم، جزء: ۴، ص: ۲۵۲، شماره حدیث: ۱۳۵۳.

۴. همان، ص: ۱۰۵.

۵. همان، ص: ۱۰۵.

سایر فعالیت‌ها، به فرموده حضرت عثمان > اشاره می‌کنم که فرموده بودند: خداوند توسط سلطان و قدرت سیاسی، تغییراتی را به میان می‌آورد که توسط وعظ قرآنی، این تغییرات به میان آمده نمی‌تواند.^۱

یعنی ما نباید تنها به مواعظ اکتفا بکنیم و اگر در نظام زندگی و در نظام سیاسی ما قرآن حضور نداشته باشد، انتظار نداشته باشیم که ما می‌توانیم در مبارزه فرهنگی، در برابر دشمنان دین مان و در برابر توطیه‌های خطرناکی که با آن روبه‌رویم، پیروزمند از صحنه بیرون می‌آیم..^۲

هدف جهاد را تغییر مثبت و نجات از نظام‌های مستبد و مزدور دانسته می‌گوید: «..باردیگر ما در شرایط کنونی ضرورت به یک تغییر جدید داریم؛ تا در اوضاع سیاسی مان که غیرمطلوب است، تغییراتی بیاید..^۳»

هجوم بر جهاد و مجاهدان با القاب جنگ‌سالار و تفنگ‌سالار و ناقض حقوق بشر را مانند هجوم بر پیامبران خدا با القاب دیوانه و جادوگر دانسته می‌گوید: «به این اساس دشمنان پیش از اینکه به اصل ارزش‌ها حمله بکنند، بر ممثلین ارزش‌ها حمله می‌کنند، به رهبران این ارزش‌ها و کسانی که دعوادار این ارزش‌ها هستند، حمله می‌کنند..^۴»

«..تصمیم این بود که مسلمان‌ها از زندگی سیاسی به کلی تجرید شوند، جهادشان مورد سوال قرار بگیرد..^۵»

از اشتباهات مجاهدین یاد کرده می‌گوید: «..اما این اشتباهات به این معنا نیست که تمام خوبی‌های‌شان زیر سوال قرار بگیرد..^۶»

۱. منظور این سخن حضرت عثمان > است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَيَرْعُ بِالسُّلْطَانِ مَا لَا يَرْعُ بِالْقُرْآنِ﴾
نگاه: شرح سنن ابی داود از عبدالمحسن العباد، ۲۳ / ۴۵۷.

۲. همان، ۱۰۶ - ۱۰۷.

۳. همان، ص: ۱۰۷.

۴. گاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۰۸.

۵. همان، ص: ۱۰۸.

۶. همان، ص: ۱۰۸.

چون هرانقلابی اشتباهات می‌داشته باشد و از انقلاب کبیر فرانسه^۱ که الگو و نمونه است، به عنوان مثال یاد کرده می‌گوید: «..ما می‌بینیم که بعد از پیروزی این انقلاب، چه حوادثی پیش می‌شود، بیش از نودهزار نفر را از میان خود همین انقلابیون سر می‌برند..»^۲

«به این اساس؛ بعد از این چیزی که ما سخت متوجّه آن باشیم، این است که نباید اجازه بدهیم که وارثین حقیقی این کشور و کسانی که این کشور را آزاد ساختند، علمای دینی ما که در پیشاپیش مجاهدین، در صفّ دعوت و هدایت قرار گرفته بودند و در سنگر جهاد و مقاومت قرار داشتند و فرماندهان عزیزی ما که افتخارات زیادی را نصیب تاریخ افغانستان ساختند، از جامعه تجرید شوند..»^۳

از انتخابات یاد کرده و رأی را امانت خوانده فرمودند: «باید ببینیم، به کسی رأی بدهی که سرنوشت تو به آن بسته است، تاریخ و زندگی تو با آن بسته است و او به حیات امروز و فردای تو تعلق دارد و حیات امروز و فردای تان به یکدیگر ارتباط دارد، به صفّ و به سنگر شما مربوط است؛ لذا در انتخابی که پیش رو دارید، سخت دقیق باشید؛ زیرا در همه عرصه‌ها، توطیه‌ها روان است، حتّی در همین انتخابی که فعلاً در پیش رو داریم..»^۴

«من امیدوارم که - إن شاء الله - با توجّه و اهتمام همه ما به قضایایی که در پیش روی ما قرار دارد، بتوانیم کاری انجام بدهیم که توسط آن، روح شهدای عزیز ما در آرامگاه‌های شان، شاد شود و نسل‌های مجاهد ما از بی‌سرنوشتی خلاص شوند..»^۵

۱. انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ - ۱۷۹۹م)؛ دوره‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی در تاریخ سیاسی فرانسه و اروپا بود، این انقلاب، پس از فرازونشیب‌های بسیار، منجر به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری لاییک در فرانسه انجامید. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۱۳.

۲. همان، ص: ۱۰۹.

۳. همان، ص: ۱۰۹.

۴. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۱۰.

۵. همان، ص: ۱۱۱.

خطابه سی و نهم؛

در افتتاح یکی از مؤسسات تحصیلات عالی کشور؛

کابل، ۲۱ / ۶ / ۱۳۸۸ خورشیدی

باز هم چون طبق معمول آغاز زیبا و هدفمندانه؛

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ..﴾^۱

با تشکر از فرزندان اصیل این سرزمین که کشور را از تجاوز و حشمتاک اتحاد شوروی نجات دادند و اینک در عرصه ارتقا و رشد علم و فرهنگ همت می‌گمارند و با اظهار اینکه ما از کاروان علم و دانش بسیار عقب‌مانده‌ایم؛ می‌گوید:

«..انسان‌هایی که در ساحت علم و دانش گام پیشرفته نگذارند و همیشه در عقب کاروان حرکت بکنند، یقیناً در زندگی، همیشه با محرومیت‌ها و مشکلات زیادی، دست‌وپنجه نرم خواهند کرد..»^۲

«شاید در کم‌ترین فرهنگ و ایدئولوژی دیگری، چنان‌که در دین و در ارزش‌های دینی ما برای تحصیل دانش تأکید شده، چنین تأکیدی شده باشد، اساساً هیچ مرحله معینی برای تحصیل تأکید نشده؛ بلکه از گهواره تاگور باید انسان و به‌خصوص مسلمان دانش بیاموزد.»^۳

«..ما می‌بینیم که در روزگار نخست دعوت، پیامبر گرامی مان برای مبارزه با بی‌سوادی، چه پروژه‌ها و چه برنامه‌هایی را به مسلمان‌ها تقدیم و رهنمایی می‌کرد.»^۴

۱. بخشی از آیه ۱۱ سوره مبارکه مجادله است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید؛ تا الله برای شما گشایش حاصل کند و چون گفته شود برخیزید، پس برخیزید، الله [رتبه] کسانی از شما را که به ایمان گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلندی گرداند و الله به آنچه می‌کنید، آگاه است.)

۲. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۱۶.

۳. همان، ص: ۱۱۶ - ۱۱۷.

۴. همان، ص: ۱۱۸.

به عنوان مثال از قبیلۀ اشعری ها یاد می کند که رسول الله / مکلف شان کرد که قبایل همسایۀ شان را در ظرف یک سال باسواد کنند و به اسیران باسواد شرط گذاشته بود با سوادآموزی به چند نفر، آزاد شوند و ارزش و جایگاه علم را این گونه بیان می کند:

«..اما این را باید دانست که علم برای ما تنها یک نیاز زندگی نیست؛ بلکه جزئی از اعتقاد و ایمان ماست، ارزش علم به حدی است که حتی با ارزش ترین مسئله که در حیات مسلمان ایمان است، این ایمان باید بر مبنای آن (علم) باشد...»^۱

«..از نظر علمای کلام، ایمان مُقلَّد مقبول نیست؛ یعنی هر مسلمانی که به درجۀ بلوغ و به مکلفیت می رسد، یکی از وجایب آن این است که باید، ایمان خود را، ایمان علمی بسازد، نه ایمان تقلیدی...»^۲

با بیان اینکه توجّه به علم جزئی از عقیدۀ ما و ضرورت مُبارزه با عقب ماندگی مان است، می گوید:

«..ملت های جاهل، همیش ملت های محکوم می باشند، ملت ها وقتی که استقلال علمی نداشتند، استقلال سیاسی خود را هم از دست می دهند، هم چنان که استقلال اقتصادی و استقلال فرهنگی خود را - نیز - از دست می دهند...»^۳

«..و ملت های دانشمند و عالم و آگاه، هرگز اسیر نمی شوند، اگر اسیر هم شوند، عمر اسارت شان کوتاه است...»^۴

با نفی این دید که کثرت مراکز علمی و تحصیلی کیفیت را از بین می برد، کوریای جنوبی^۵ را مثال می زند که با این شعار «علم و دانش برای

۱. همان، ص: ۱۱۹.

۲. همان، ص: ۱۱۹.

۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۲۰.

۴. همان، ص: ۱۲۱.

۵. کوریای جنوبی؛ کشوری است که در بخش جنوبی شبه جزیرۀ کره در شرق آسیا موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «سیول» است، مساحت آن در حدود ۹۹۶۴۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۴۹۱۶۹۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن کره ای و واحد پول

همه» اوّل با کمیت بسیار آغاز به کار کردند، مردم را باسواد ساختند و بعد به کیفیت پرداختند:

«..بلی انسان‌های باسواد می‌توانند کیفیت خوبی را در هربخشی از زندگی خود ایجاد بکنند...»^۱

با وجود بدامنی‌هایی که در کشور حاکم است، باید چراغی روشن کرد:

«..اما در جاهایی که می‌توانیم چراغ‌ها را روشن بسازیم و با تاریکی‌ها مبارزه بکنیم، باید چراغ علم و دانش را روشن بسازیم...»^۲

در فرجام می‌گوید: «..امیدواریم که باردیگر سرزمین ما مشرق‌ستان طلوع علم و دانش، رشد و انکشاف و مدنیّت در همه ابعاد باشد...»^۳

خطابهٔ چهلّم؛

در همایش انتخاباتی داکتر عبدالله عبدالله

کابل، هوتل ممتاز محل، ۵ / ۷ / ۱۳۸۸ خورشیدی

با تشکر از دست‌اندرکاران محفل، حضور مردم به گستردگی کلّ کشور را امیدوارکننده خوانده و بعد می‌گوید: «در تاریخ معاصر کشورمان - سر از آغاز شکست اتحاد شوروی در تهاجم خونینش بر افغانستان؛ تا انتخابات دور دوّم ریاست جمهوری در کشورمان، فرصت‌های زیادی به دست آمد و می‌شد، اگر با وقت‌شناسی و به صورت درست از این فرصت‌ها دست‌اندرکاران داخل کشور و جامعهٔ بین‌المللی - که امنیت و مصالح ملی‌شان با آنچه در کشور ما می‌گذرد گره خورده‌است، استفاده می‌کردند - ثبات و امنیت در کشورمان و در منطقه و در جهان تأمین می‌شد و ما

آن «وون کرهٔ جنوبی» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۷.

۱. همان، ص: ۱۲۲.

۲. همان، ص: ۱۲۴.

۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۲۴.

امروز شاهد مشکلات گسترده جهانی نمی بودیم؛ اما فرصت سوزی های متعددی به میان آمد که نشد از آن استفاده می کرد...^۱

از کمیسیون انتخابات شکایت کرده می گوید: «..اگر از سر آغاز تشکیل کمیسیون انتخابات، دقت به عمل می آمد، انتقادهای شنیده می شد و پیشنهادهای سازنده عملی می شد، ما امروز دیگر شاهد آبروریزی به نام تقلب در کشورمان نمی بودیم...»^۲

بجای اینکه انتخابات تمثیل کننده اراده واقعی مردم باشد، بازی های سیاسی شده که به وسیله آن یک جهت می خواهد جهت دیگری را سرکوب کند، با بیان این مطلب می گوید:

«مگر دهمره زه وایمه چی ز مور په هیواد کې د ټاکنو تر څنگ ځینې نورې ستونزې هم شتون لری. او شپه او ورځ د هیواد بی امنه کولو لپاره هڅې کیږي. دغه هڅې د هغو خلکو پر ضد کیږي چې ټول عمر یې په جهاد او سنگر کې تیر کړي وي او بله دا چې د هیواد د یو شمیر سیمو د بی امنه کولو لپاره کار روان دی...»^۳

با بیان این توطیه ها به عنوان جدیدترین توطیه، از حادثه انتحاری علیه امیر صاحب اسماعیل خان یاد و آن را محکوم کرده و می گوید: «..این مسایل بیانگر این حقیقت است که عمق توطئه تا چه حد پیش می رود که حتی جان عزیزترین فرزندان کشور در مخاطره قرار گرفته است...»^۴

آری؛ این همه توطیه ها منشأ استعماری و خودکامگی و قدرت طلبی دارد که به هروسیله باید جهت های دیگر و رقیب سرکوب شوند و لو به زیر پا کردن تمام معیارها و ارزش های دینی، ملی و قانونی که متأسفانه هنوز ادامه دارد.

۱. همان، ص: ۱۲۷ - ۱۲۸.

۲. همان، ص: ۱۲۸.

۳. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۱۳۰.

۴. همان، ص: ۱۳۱.

خطابهٔ چهل و یکم؛ در افتتاح معهد الأزهر؛

کابل، ۱۵ / ۲ / ۱۳۸۸ خورشیدی

به مناسبت افتتاح معهد الأزهر شریف شاخهٔ الأزهر از «دکتور شیخ طنطاوی^۱ که در رأس الأزهر قرار دارد و از ملت مصر تشکر و قدردانی کرده و رابطهٔ برادری بین این دو ملت را مستدام دانسته، به‌ویژه تأمین این رابطه را بعد از سفر فیلسوف افغان سید جمال‌الدین افغانی که به صفت استاد به جامعهٔ الأزهر پیوست و اندیشهٔ آزادی جهان اسلام و شرق را از آنجا پخش کرد، دوستانه و مستحکم معرفی می‌کند.

از وزیر معارف کشور دکتور فاروق وردک^۲ و از سفارت مصر نیز به سبب افتتاح این معهد تشکری می‌کند و این مؤسسه را شاخه‌ای از الأزهر معرفی کرده در بارهٔ الأزهر می‌گوید:

«..وبالطبع لا يخفى عليكم أن الأزهر الشريف يعتبر منارة عريقة، من منارة الهداية والنور، ليس في مصر فحسب؛ بل في عالم الإسلامی، و رسالة الأزهر لا تقتصر على نشر العلوم الدينية والفقهية؛ بل له رسالة في تحرير العباد والأوطان..»^۳

و از داخل شدنِ ناپلیون^۴ به مصر و علت صدمه‌رساندنش به الأزهر

۱. دکتور محمد سید طنطاوی؛ در اکتوبر ۱۹۲۸م، در سلیم شرقی در استان «سوهاج» مصر به دنیا آمد، وی با ادامهٔ تحصیلات عالی به کسب دکتورای تفسیر و علم حدیث عمومی نایل شد، چهارسال در لیبی به درس اصول دین اشتغال داشت، رئیس دانشکدهٔ علوم دینی در شهر «اسیوط» مصر شد و چهارسال در شهر مدینهٔ منوره، رئیس دانشکدهٔ مطالعات دانشگاه اسلامی بود، وی در ۱۹۸۶م، به‌عنوان مفتی کشور مصر تعیین گردید و مدت ۱۴ سال شیخ «مشيخة الأزهر» مصر بود، طنطاوی در مارچ ۲۰۱۰م، به اثر سکتهٔ قلبی در جریان سفر به عربستان سعودی دار فانی را وداع گفت. نگاه: أعلام وشخصيات مصرية، منشوری از: الهيئة العامة للاستعلامات، ۱۴ جولای ۲۰۰۸م.

۲. در این وقت دکتور فاروق وردک؛ وزیر معارف دولت جمهوری اسلامی افغانستان است.

۳. همان، ص: ۱۳۷ - ۱۳۸.

۴. ناپلیون بناپارت؛ در ۱۵ اگست ۱۷۶۹م، در «جزیرهٔ کرس» مدیترانه به دنیا آمد و در پنجم ماه می ۱۸۲۱م، درگذشت، نقش آفرینی او در شکست انگلیسی‌ها تا حدی بود که موفق به کسب

را چنین بیان می‌کند:

«لأن الإستعمار وفي رأسه قائده الإستعماري، حينذاك، كان يعرف وبحق أن الأزهر، مادام كان موجوداً في هذا البلد، لا يستطیع المستعمر، أن ينال براحة وتطول حركته الإستعمارية في الشرق ولا سيما في مصر.»^۱ با سپاس مجدد می‌گوید: «..ازهر نه تنها قدیم ترین مرکز علمی در دنیای اسلام است؛ بلکه به عنوان یک مرکز آزادی بخش است که اندیشه های آزادی و مبارزه علیه قدرت های استعماری از آن آغاز می شود، ما شخصیت های عمده ای مثل «سعد زغلول»^۲ و امثال او را داریم که شخصیت های آزادی بخش بزرگی بودند که کار و مبارزات خود را از ازهر^۳ شروع کردند و خصوصیت دیگر ازهر این است که علمای ازهر، اسلام را به معنای واقعی خود در کشورهای مختلف منتشر ساختند و وسطیت اسلام را که دین وسط است نشر می کنند، علمای ازهر

درجه جنرالی شد و اشغال مصر توسط او در سال ۱۷۹۸م، و کودتای ۱۷۹۹م، که در نتیجه در رأس هیئت ۱۳ نفری، دیکتاتوری خویش را آغاز کرد، از مهم ترین رویدادهای زندگی اوست. نگاه: سیری در اندیشه سیاسی غرب، از حمله ناپلئون به مصر تا جنگ جهانی دوم.

۱. همان، ص: ۱۳۸.

۲. سعد زغلول؛ در ۱۸۵۸م، در استان «کفرالشیخ» مصر به دنیا آمد، وی به عنوان نخست وزیر و رئیس دولت مصر کار کرده است، او پیش از نخست وزیری چهار سال سرپرست وزارت آموزش و پرورش و دو سال وزیر دادگستری مصر در زمان پادشاهی «عباس دوم» بود، سعد زغلول در ۲۳ اگست ۱۹۲۷م، در قاهره درگذشت. نگاه: تاریخ النادی الأهلی المصری.

۳. جامع الأزهر؛ یکی از معتبرترین نهادهای علمی و دانشگاهی دنیاست که در کشور مصر قرار گرفته که قدامتی هزارساله دارد و به عنوان اولین مؤسسه دینی، علمی و اسلامی در قاهره پایتخت مصر در دوران فاطمیان ساخته شد و بعدها این نهاد علمی توسط «صلاح الدین ایوبی» وسعت و برنامه داده شد و تا اکنون به منظور اشاعه اعتدال و میانه روی، فعالیت های بسیاری انجام می دهد، مساحت آن در حدود ۱۲ هزار متر مربع است و دارای ۵ مناره می باشد، البته این مؤسسه علمی در کنار مدارس و دیگر نهادهای علمی، دانشگاه آن دارای ۶۰ دانشکده بوده که ۴۳ دانشکده برای پسران و ۱۷ دانشکده برای دختران است، الأزهر مصر دارای مراکزی چون مرکز بیماری های خاص، مرکز میکروبیولوژی، مرکز بین المللی اسلامی، تحقیقات و مطالعات محیط زیست و مرکز اقتصاد اسلامی است. جهت معلومات بیشتر نگاه شود: وبسایت رُحما و دایرة المعارف انقلاب اسلامی ویژه جوانان و نوجوانان، جلد اول.

روابطشان با افغانستان، رابطه بسیار قدیمی است...»^۱

نتیجه:

در نتیجه بحث، چند موضوع بسیار بارز را یافتیم که استاد به آنها زیاد تأکید کرده‌اند.

– رشد و انکشاف سواد، آموزش علم و دانش و توجه جدی به ثقافت والای اسلامی؛

– تشویق و ترغیب به استقلال و آزادی و مبارزه در برابر ستمگران؛

– جهاد و مقاومت در برابر کفار و استعمارگران جهانی؛

– اتحاد و اتفاق همگانی از خانواده تا به امت اسلامی؛

– هم‌بستگی و یک‌پارچگی اقوام و ملیت‌های ساکن در افغانستان؛

– تجلیل و یادآوری از شخصیت‌های جهادی، مبارز و ملی.

پیشنهادهای:

از اینکه استاد شهید بر حفظ فرهنگ والای اسلامی و فرهنگ جهاد و مقاومت تأکید و توصیه کرده‌است که از طریق روشنگری به‌وسیله انکشاف، رشد و توسعه آموزش و پرورش آرمان‌های جهاد، مقاومت و شهادت را، باید حفظ و به منصه عمل قرار داده شود؛ نکات زیر را پیشنهاد می‌دارم:

۱- مرکز تدوین آثار رهبر شهید، بیشتر مورد حمایت قرار داده شود؛ تا به یک مرکز علمی کلان مبدل گردد؛ تا روح استاد شهید و شهدا شاد شوند؛

۲- مراکز و مؤسسات آموزشی و تحصیلی مبتنی به آرمان‌های شهدا تأسیس گردد؛

۳- مراکز صحی مبتنی به فرهنگ و اخلاق اسلامی ایجاد گردد؛

- ۴- مراکز فرهنگی و تبلیغاتی بیشتر ایجاد و توسعه داده شود؛
- ۵- بنیادی به نام شهدای جهاد افغانستان تأسیس گردد؛
- ۶- موزیم جهادی در مرکز و ولایات تأسیس و رشد داده شود.

استاد ربانی سیاست مدار متفاوت؛

تأملی بر اثر «سکوت وحشتناک»

دکتور عبداللطیف نظری

به نام خدا

طرح مسئله:

شاخص‌های شخصیتی استاد:

شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی، نماد جهاد و مقاومت مردم به‌شمار می‌رود، هنوز قلّه‌های هندوکش، پامیر و بدخشان، پژواک صدایش را فریاد می‌زنند و اندیشه‌اش مشعلی است به‌سوی صلح، عدالت و برادری، اندیشه سیاسی استاد ربانی یک‌قرن خاموشی نسل بازوبه‌زنجیر را ترمیم می‌کند؛ حتی اگر تنها در کتاب‌های تاریخ باشد.

استاد ربانی شهید، شخصیتی از تبار سروهای تنومندی بود که از یک زاویه تا آخرین نفس در برابر زورمندان گستاخ و اشغالگری که هوس تسخیر افغانستان را کرده بودند، مردانه ایستاد تا صدای تیر، خواب شکوفه‌ها را آشفته نکند، در زاویه دیگر استاد ربانی سردار سبز اندیشه و خرد به‌شمار می‌رود که همواره برای نسل جوان، آهنگ ترویج دانشوری می‌نوازد و سرود جدل‌های دانشورانه و روشنگرانه می‌خواند.

به همین جهت آثار برجای‌مانده از استاد ربانی که اینک توسط «مرکز تدوین آثار رهبر شهید استاد برهان‌الدین ربانی» جمع‌آوری و به زیور چاپ آراسته می‌گردد، همانند خونی است در رگ‌های خشکیده تاریخ

اندیشه‌ورزی و خردپژوهی در این سرزمین.

عمده‌ترین تفاوت استاد برهان‌الدین ربانی با بسیاری از رهبران جهاد و مقاومت در این است که ایشان تنها در فضای جهاد و مقاومت قدامت نکرد؛ بلکه از همان دوران جوانی در حوزه اندیشه و قلم گام برداشت، بدین ترتیب، برگ‌های سبز آثار استاد، اینک روح تازه‌ای در اندیشه‌های نسل جدید فرهیخته و خبره دمیده‌است.

تفاوت دیگری استاد ربانی شهید با چهره‌های هم‌عصرش این است که ایشان نماد گفت‌وگو و همزیستی در جامعه کثرت‌گرای افغانستان به‌شمار می‌رود، استاد ربانی بارها از مخالفان مسلح دولت خواست؛ تا به روند صلح برگردند و از قساوت و شقاوت دست بردارند، برای مناسبت که رویکرد استاد به پروسه صلح و درک اهمیت آن، عمل بدیع و ساختارشکنانه، واکاوی می‌گردد.

تلاش استاد ربانی شهید در این راستا وحدت افغانستان بر شالوده شرافت انسان بود، نظام فکری ایشان گفتمان انسان‌محور است؛ زیرا استاد ربانی در زمانه‌ای زیست که نه آفتاب، مهربانی پیشین را داشت و نه آسمان، سخاوت گذشته را، سایه‌ساری نبود؛ تا مردم در پناه آن، غم را از یاد می‌بردند.

در چنین شرایطی استاد شهید، با دامن‌پاشی پر از عاطفه، دستانی پر از مهر، چشمانی پر از محبت و قامتی به بلندای آفتاب، گفتمان انسان‌محور را در کانون توجهات سیاسی و اجتماعی خود قرار داد.

درک استاد از وضعیت این بود که کرامت انسانی، به اسارت آزمندی رفته و روح رحمانی به زنجیر زورمره‌گی بسته‌است.

آزادی در چنبره مجاز و سفسطه افتاده و تبسم شهروندان، هدف خشم و هیاهوی مخالفان دولت قرار گرفته‌است، این برداشت واقع‌گرایانه و انسان‌مدارانه، استاد را متقاعد ساخت که ریاست شورای عالی صلح را

بپذیرد؛ اما افسوس که در عصر قحطی انسانیت و پیشانی‌های پنبه‌بسته نیرنگ و چشم‌های دوزخی، فریاد صلح‌خواهی استاد ربانی شهید نه تنها شنیده نشد؛ بلکه تلاش شد؛ تا تاریخ سیاسی کشور، پایان قصه درد و داغ و زخم و رنج را به تماشا ننشیند.

سوّمین ویژگی استاد ربانی شهید؛ مفصل‌بندی گفتمان شریعت‌محور است.

در زمانه‌ای که گستره آسمان را ماهواره‌های گناه پرکرده و شب بیدارتر از روز است و ظلم، پایدارتر از عدالت، مردان بزرگ نمی‌توانند سکوت را پیشه کنند.

بر این اساس بود که استاد شهید طی یک دهه اخیر، بارها سکولاریزم و ناسیونالیزم را در عرصه مدرنیته، مرگ و جاهلیت مدرن، مورد نقد عالمانه قرار داد و تنها راه غلبه بر مشکلات را بازگشت همگان به‌ویژه نسل جوان به دامن ارزش‌های دینی دانست، بدین ترتیب استاد به مثابه چکاد بلند فرزاندگی در گستره گفتمان شریعت‌محوری سنجش می‌شود. ابعاد تربیتی و اخلاقی به موازات ابعاد علمی، جای تأمل زیاد دارد و از این منظر می‌توان او را سیاست‌مدار اخلاق‌محور و شریعت‌گرا دانست.

ارزیابی اثر سکوت وحشتناک:

این اثر؛ دربرگیرنده سه مقاله تحت عنوانین: سکوت وحشتناک در برابر فاجعه خونین ملت مستضعف افغان، پیام به مردم مسلمان افغانستان و داستان حل سیاسی، می‌باشد.

عمده‌ترین محورهای بحث در مقاله سکوت وحشتناک به شرح ذیل می‌باشد:

۱- تبیین جنایت‌های خلق و پرچم^۱ و سکوت مجامع جهانی:

۱. خلق و پرچم؛ حزب چپ‌گرا و مارکسیستی‌است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند، شاخه پرچم را «ببرک کارمل» و شاخه خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد،

در این بخش، مظلومیت ملت افغانستان سرفصل مظلومیت‌های تاریخ، ارزیابی شده و از سکوت مجامع جهانی انتقاد شده و به همین دلیل نام این مقاله «سکوت وحشتناک..» گذاشته شده است.

استاد در شرح نگاه انتقادی به سکوت شرم‌آور محافل سیاسی، رسانه‌ای و دیپلماتیک جهان بیرونی، چنین می‌نویسد:

«..کجاست ضمیر زنده انسانی؟ کجاست مؤسسات حقوق انسان که بیست میلیون افغان بی دفاع به جرم مسلمان بودن و آزادزیستن، در معرض تصفیه آشکار قرار گرفته؛ اما کسی نیست که آواز احتجاج را بلند کند..»^۱

۱- نقد سیاست دوگانه غرب:

استاد ربانی شهید با زیرکی که داشت، در همان دوره جنگ سرد، متوجه سیاست پارادوکسیکال و تناقض‌نمای کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده آمریکا بود، بدین جهت اتکای استاد شهید بر نیروهای مجاهدین و آموزش عقیدتی آنان متمرکز بود.

استاد شهید در این مقاله از گلبرگ‌های پاره‌پاره شهیدان یاد می‌کند و سیاست غیر شفاف و متناقض قدرت‌های بزرگ را در این مورد این گونه به نقد می‌کشد:

«..چند جاسوس امریکایی در سفارتخانه «امریکا»^۲ در «تهران» برای

این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و به نام «حزب وطن» یاد می‌شد، کودتای منحوس هفتم ثور و تجاوز وحشیانه و ددمشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دو نیم میلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هر گوشه کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست. نگاه: کتاب «دسایس و جنایات روس در افغانستان»، دکتر شیر احمد نصری حق‌شناس.

۱. نگاه: سکوت وحشتناک، ص: ۲۳.

۲. ایالات متحده آمریکا؛ کشوری است که در امریکای شمالی موقعیت دارد، پایتخت آن شهر واشنگتن دی‌سی است، امریکا سوّمین کشور پرجمعیت دنیا و سوّمین کشور پهناور جهان است و از لحاظ نژادی متنوع‌ترین کشور جهان شناخته می‌شود، مساحت آن ۹۳۶۳۳۶۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۱۰۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی

چند روز تحت مراقبت گرفته می‌شود، هیاهویی در جهان بالا می‌شود، شرق و غرب به دفاع بر می‌خیزد، چند نفر جنایت‌کار و آدم‌کشانِ حرفوی «ساواک»^۱ در جمهوری اسلامی ایران، بعد از مُحاکمه عادلانه، محکوم به اعدام می‌گردند، فریادِ احتجاج در هرجا بلند می‌شود و انقلاب زنجیرشکن «ایران»^۲ را محکوم می‌کنند؛ اما محصولِ سیزده ساله پوهنتون‌های افغانستان و دوازده هزار تن از استادان و محصلان به یک چشم‌زدن، توسط جَلّادانِ کمونیست کشته می‌شوند و داستان قتل آنان توسط خود رژیم به‌گوش جهانیان رسانیده می‌شود؛ اما آوازِ احتجاجی در هیچ‌گوشه‌ای شنیده نمی‌شود و آن‌گاه که چند کودک یتیم و زن بی‌دفاع در اطراف وزارت‌داخله و اوایل‌کنان به‌خاطر پدران و همسران کشته‌شده‌شان راه‌پیمایی می‌کنند، به‌زور برچه و مسلسل به‌خاک و خون می‌افتند، بازهم جهان مَهر سکوت را بر لب نهاده‌است.^۳

۲- تداوم جهاد رهایی‌بخش:

این مقاله استاد ربانی شهید، مجاهدین را زمزمه‌گران ترانه‌های خاموش رهایی‌بخش در تاریکی لحظه‌های روبه‌رشد می‌داند و به‌رغم

آن انگلیسی‌است، واحد پول آن دالر امریکایی است، در ایالات متحده آمریکا بر اساس متمم اول قانون اساسی، هیچ‌دینی به‌طور رسمی وجود ندارد؛ اما همین متمم نیز - آزادی تمام ادیان را تضمین کرده‌است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹.

۱. سازمان امنیت و اطلاعات؛ معمولاً به اختصار ساواک خوانده می‌شود، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ ه.ش، سازمان اصلی پلیس امنیتی و اطلاعاتی ایران در زمان سلطنت محمد رضاشاه پهلوی بود که قدرت و اختیارات بسیاری در توقیف و بازجویی افراد داشت، این سازمان به‌ویژه در سال‌های دهه ۱۳۵۰ ه.ش، و قبل از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ ه.ش، و سرنگونی حکومت سلطنتی، «نفرت‌انگیزترین و مُخَوِّف‌ترین» نهاد حکومتی در بین مردم به‌شمار می‌آمد، مقر سابق ساواک در خیابان خواجه عبدالله در تهران قرار داشت. نگاه: شاهدی، مظفر، ساواک: سازمان اطلاعات و امنیت کشور.

۲. جمهوری اسلامی ایران؛ کشوری است که در جنوب‌غربی قاره آسیا و در منطقه خاورمیانه قرار دارد، مساحت آن در حدود ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، پایتخت آن شهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» است، دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹.

۳. نگاه: سکوت وحشتناک، ص: ۲۴ - ۲۵.

سکوت ننگین قدرت‌های بزرگ و مجامع بین‌المللی، بر تداوم جهاد و رستاخیز اسلامی تأکید می‌ورزد.

تلاش استاد شهید، در این نوشتار این است که غیرتِ عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی مجاهدین را برآشوبد.

به‌باور استاد شهید، مردم افغانستان سرانجام بر اشغالگران و مزدورانِ آنان پیروز می‌شوند و پس از سال‌ها خستگی و آوارگی، رگبار غم‌ها و توفانِ مصیبت‌ها را فراموش می‌کنند و زیباترین ترانه را در آستانهٔ پیروزی به لهجهٔ دل‌نوازتر از باران می‌خوانند و آواز تمام رودها و آبشارهای میهن اسلامی خود را از نو می‌سازند و می‌سرایند.

سطرهای آخرین این مقاله را باهم مرور می‌کنیم: «اگر انقلاب اسلامی تنها در زندان، دوازده هزار شهید داده، میلیون‌ها تن دیگر از پاسدارانِ انقلاب، در سنگر نشسته و تا پیروزی انقلاب و برچیدنِ بساط کفر و الحاد متعهدانه می‌رزمند.»^۱

۱. نگاه: سکوت وحشتناک، ص: ۲۵.

نگاهی به قیام توفنده در قلب کشور؛

پوهندوی سید حبیب شاه حامد

عنوان خطابه تاریخی مصلح بزرگ تاریخ معاصر افغانستان استاد شهید است که به مناسبت سالگشت تجلیل از خیزش عظیم و پرصلابت مردم کابل در سوّم حوت بر ضد اشغالگران و کودتاگران کمونیست ایراد گردیده بود، می‌توان مواردی از آن را در یک نگاه گذرا، به تبیین گرفت. استاد شهید؛ غالباً به طرح مسایل کلان و بنیادی جامعه و زیرساخت‌های شخصیتی می‌پرداخت، نشانه‌هایی از ظهور خرد مدرن را در نحوه مبارزات سیاسی و فکری استاد می‌توان به درستی دریافت، اینجا فقط از دریا قطره‌ای بر می‌داریم و در راه آن الگوی ماندگار و نامدار تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه مردم افغانستان قدمی می‌گذاریم. استاد شهید، مدلل سخن می‌گفت و به علل توجّه داشت و غالباً توجهات را به‌سوی دلایل و معقولات در امور متمرکز می‌ساخت. استاد در آن وقت از مرحله انتقالی به‌عنوان یک مرحله دشوار و پراشوب تذکر به‌عمل می‌آورد و هشدار می‌دهد:

«..اکنون، ما در مرحله جدیدی از خودسازی قرار داریم، این مرحله مشکل‌ترین مراحل است، برادرانی که تاریخ خوانده‌اند، مخصوصاً از تاریخ تحولات فکری خبر دارند، می‌دانند که مراحل انتقالی از یک مرحله تاریخ به مرحله دیگری از جمله مشکل‌ترین مراحل تاریخی به

شمار می‌رود.^۱

استاد به جان دشمنان آتش می‌زد و به قلب مؤمنان قوّت می‌بخشید و با تولید انگیزه، پیروزی واقعی را در فردای مُبارزه نوید می‌داد.

«روس‌ها در هجوم خود بر افغانستان و در محاسبه خود سخت اشتباه کردند، آن‌ها نمی‌دانستند که در میان ملت‌های مسلمان، حساب ارتش‌ها از حساب ملت‌ها جداست.. هرگاه اردو در خط انحرافی قرار گیرد و به ملت خود پشت کند، مردم به حکم خدا در سنگر به‌عنوان یک سپاهی فداکار و یک فدایی پاسدار قرار خواهد گرفت و یک لحظه از یاد ملت و دفاع مملکت غافل نخواهند ماند، یقیناً متجاوزین به خطا رفته‌اند، از این حقیقت غافل مانده‌اند که جنگ و دفاع را تنها نظامیان نمی‌کنند، ملت‌ها درواقع یک اردوی منظم‌اند و هر مسلمان یک نظامی کمر بسته‌است، دشمنان ما سخت در اشتباه بودند و نمی‌دانستند که اگر روسیه پنج میلیون عسکر منظم دارد، ملت افغانستان پانزده میلیون سپاه همیشه در سنگر دارند..^۲»

استاد شهید، برای ورود به یک حرکت انقلابی که استمرار مُبارزه را تا سرحد پیروزی تضمین کند، می‌گفت: یک جریان فکری به‌وسیله یک نسل پایدار و ارزشی می‌توان شکل گیرد و تداوم خود را حفظ کند، به عدم وابستگی استقلالیّت انقلاب تأکید می‌کند، به صراحت و وضاحت تمام خطوط اساسی یک هویت مستقل سیاسی فکری و مبارزاتی را ترسیم می‌کند.

«من این حقیقت را بارها گفته‌ام که ما در پاکستان به هیچ گروه سیاسی رابطه نداریم، رابطه ما با ملت پاکستان بر مبنای برادری استوار است، عناصر بی‌هوده و هرزه غلامانی‌اند که صلاحیت خرید و فروش در آن‌هاست، ملت آزاده و قهرمان افغانستان اساساً با غلامی می‌جنگد.. ما

۱. نگاه: قیام توفنده در قلب کشور، ص: ۱۷.

۲. همان، ص: ۵ - ۶.

علیه برده‌سازی و برده‌فروشی از هر آدرسی که باشد، قیام کرده‌ایم، متاع زرخیز هیچ‌کس نیستیم، آن‌هایی که چنین تصوّر ناروایی را می‌کند، در آیینۀ خود دیگران را می‌بیند...»^۱

استاد شهید؛ به سازندگی اجتماعی قرار دادند، جامعه در مسیر اصلاح و ثواب را آن هم به شیوۀ معقول و سالم از استقامت‌های اصلی مبارزاتی خود گفته، استاد در این اثر حدفاصل میان اصلاح و فساد را به شیوۀ تفکر سلوک و عملکرد افراد می‌داند.

«..انسان فاسد، انسانی است بی‌هدف به هردامی می‌پیچد و به هرگودالی می‌افتد، چگونه می‌تواند خود را از این گردآب نجات داد، اکسیر اعظم نجات را از کجا باید آموخت؟ اوّلین قدم اصلاحی را از خود و ماحول خود شروع کنیم و کارهای سازندۀ ما بیشتر باشد، امر به معروف و نهی از منکر به شیوۀ معقول انجام گیرد... و نقش نظارت‌گری خوب و سالم را در مورد خود و دیگران ایفا کنیم...»^۲

استاد شهید؛ با رعایت خط فکری که داشت به‌خوبی می‌دانست که اگر ملّت افغانستان قیام نکند، اگر نسل موجود یک‌سره به سپاه مُقاومت‌گر و جان‌فدا تبدیل نشود، افغانستان به‌طور کلی از دست می‌رود و نسل‌های بعدی به گودال ذلّت و خواری می‌افتند که هیچ راه نجات ندارند، استاد به کار فکری، فرهنگی، سازمان‌یابی و انسجام‌پذیری ترکیب می‌کرد.

استاد شهید، به سنگ‌اندازان به ندرت جواب می‌داد؛ اما در برابر هجوم دشمنان ساکت نمی‌ماند و با جرأت انقلابی پاسخ مناسب می‌داد. «..به هیچ دست ناپاکی اجازه نخواهیم داد که بر حریم نور و صفای انقلاب ما دست ظلمت و سایۀ کثیف توطئه و تهمت را دراز کند، کسانی که به انقلاب ما اتهام می‌بندند، یکبار از خود بپرسند که آن‌ها خود که‌اند... ملّت افغانستان بالاتر از سطح تهمت‌هاست، بالاتر از سطح

۱. نگاه: قیام توفنده در قلب کشور، ص: ۲۱.

۲. همان، ص: ۱۵.

وابستگی هاست، به هر خس و خاشاک نباید اجازه داد که سدّ راه ما شوند و مانند سیل خروشان این خس و خاشاک را به دور انداخت و باب تهمت و حیلَه‌گری‌ها را بست..^۱

۱. نگاه: قیام توفنده در قلب کشور، ص: ۱۲ - ۱۳.

د «محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت»

اثر ته یوه لنډه کتنه

دکتور فضل الرحیم بصیرت

د کابل پوهنتون ، د شرعیاتو پوهنځی مشر

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ؛^۱
 کومه رساله چه ماته د شهید استاد ربانی د آثارو د مرکز له خوا را کړل شوی،
 هغه د شهید استاد «محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت» رساله ده،
 دا رساله د استاد دیوې بلي رسالې سره ارتباط لري، چه هغه رساله «چه نوع
 مبارزه؟» ده، البته د دواړو رسالو ترمنځ فرق دا دي، چه «چه نوع مبارزه؟» د
 یوه مشخص سؤال جواب دی، او هغه دا چه د ۱۳۵۴ هـ ش کال د حوادثو څخه
 وروسته د اسلامي حرکت د ځوانان د افغانستان د وخت د رژیمونو په ضد
 مسلحانه مبارزه وکړی، او که فرهنگی مبارزه وکړی، او دي مسألې تر ۱۳۵۸ هـ
 ش کال پوري مهم رول اداء کړي، او د شهید استاد په ضد ډیر تبلیغات وشول، او
 ویل کیدل به چه استاد یواځي په فرهنگی مبارزه یقین لری، او استاد په جهاد د
 عقیده نلري، نو هغه وؤ چه شهید استاد د دي موضوع په هکله خپل نظر په دغه
 رساله؛ یعنی «چه نوع مبارزه؟» کې په د راتلو روښانه کړي، او په اصلاحي مبارزه
 کي خپل تأکید اعلان کړي، البته دا رساله د ۱۳۵۸ هـ ش کال ته آخر کې چاپ
 شوه، د یادوني وړ ده، چه دغه رساله چه زه ورڅخه بحث کوم، یو فصل پدی
 رساله کې هم د رسول الله / د اصلاحي او فرهنگی مبارزه باندې تأکید کوي،
 او وایي چه رسول الله / معلم او مربی وؤ، او دا رساله د «چه نوع مبارزه؟»

۱. ستایش تنها برای پروردگار جهانیان است و بس و درود و سلام به رسول الله، آل و همه یاران او.

رسالي سر په عمومي توگه مشابېه لري؛ لکن پدې رسالي يعني «محمد / نخستين مربی و آموزگار بشریت» کې شهید استاد د یو عام او عادي حالت څخه بحث کوي، او د اسلام د اساسی او عام موقف د مبارزې هکله شهید استاد لکه څرنګه چې نورو دوستانو وویل، لیکو او لوستلو ته زیات وخت نه درلود، او په اکثر حالاتو کې معروف وؤ، او حتی مطالعي ته یې هم وخت نه درلودلو، خو بیا هم مرحوم استاد د حنبلی فقهی یو عالم سره مشابېه دلو، او هغه ابن القيم الجوزیه دي، دا عالم چې کله په اتم قرن کې د دمشق څخه مکي مکرمي ته د حج په قصد روان شو، نو په دغه سفر کې یو کتاب ولیکلو، چې د هغه کتاب نوم «زاد المعاد» دي او دا کتاب یې په پنځو جلدو کې لیکلي دي، استاد رباني هم داسي انسان وؤ، چې کله ورته وخت پیدا کیده، نو قلم یې راخستلو او څه کي لیکل، او د لیکلو ښه اهلیت یې درلود، د استاد لیکنی روانیې او د فهم وړوي، او با ارتباطه لیکنی دی.

زمونږ دغه رساله اتیا صفحي ده، چې د هغې جملې څخه «۲۱» صفحي مقدمه ده، البته رساله دوه مقدمې لري چې یوه مقدمه یا مریزه یې د جمعیت اسلامی د نشراتو د کمیټې له خوا لیکل شوي، کله چې رساله په ۱۳۲۸ هـ ش کال کې نشر شوه او دوهم سريزه یې د شهید استاد د آثارو د مرکز له خوا لیکل شوي، چې استاد آماج یې په سر کې قرار لري، د دې مرکز یو ښه عمل داهم دي، چې استاد د آثارو احادیث او آثار یې تخریج کړي دي، او د هغوي مراجع یې په ښه کړي، او همدارنګه د قرآن کریم د آیاتونو سورتونه یې هم سره د آیات و رقم سره په ښه کړي، البته زما خواش د استاد آماج څخه دا دي، چې که په راتلونکي کلونو کې د استاد د آثار په چاپ پري، نو د قرآن کریم آیاتونه او نوی احادیث باید په تور خط باندې چې سپاهی زیاته وي، چاپ شي، ترڅو دې آثارو ته نوره ښکلا هم ورکړي.

اوس غواړم د دې رسالي په هکله یوه مختصره څېړنه عرض کړم، او هغه دا چې پدې رساله کې اولني مقصد دا دي چې د رسول الله / د رسالت اساسی هدف تعلیم او تربیه وه، دوهم هدف دا چې تعلیم او تربیه د ټولو اصلاحتو لپاره

اصل دي، برابره خبره ده چه دا اصلاحات اقتصادي وي او كه اخلاقي وي او كه سياسي وي او يا اجتماعي، د دي ټولو اساسي تعليم او تربيه ده.

دريم هدف دا چه تربيه او تعليم د انسان د زندگي ټولو اړخونو ته شامله ده؛
 څلورم هدف او مقصد دا چه د رسول الله / د تعليم او تربيه په نتيجه كې
 د صاحبو و په ژوند كې يو ژور تغيير راغي، او د عالم او دنيا رهبران جوړ شول،
 لكه چه استاد پدي هكله د حضرت عمر او ابن مسعود څخه بحث كړي، استاد
 پدي اثر كې وايي: چه عبد الله بن مسعود يو شپون وؤ، خود رسول الله / په
 مدرسه كې چه تربيه شو، نو ابن مسعود د فقه او قانون مؤسس وبلل شو، البته
 دي خبري وضاحت دادي، چه د امام ابو حنيفه W د مذهب اساسي د حماد
 څخه او حماد د ابراهيم نخعي څخه، او نخعي د علقمه څخه مذهب اساسي د
 حضرت ابن مسعود څخه دا مذهب نقل كړي دي، او د حنفي مذهب اساسي د
 حضرت عبد الله بن مسعود فقه او آثار دي، او گرانو لوستونكو ته معلومه ده،
 چه كله چه حضرت عمر د خپل خلافت په دوره كې عبد الله بن مسعود عراق او
 كوفي ته ليږلو، نو حضرت عمر په خپل مکتوب كې د عراق خلكو ته وليكل، چه
 ما په خپل ځان تاسو ته ترجيح در كړه، او هغه پدي معني چه زه هم ابن مسعود ته
 په مدينه كې ضرورت كړم، خو زه ستاسي ضرورت په خپل ضرورت مقدم بولم،
 خو ځكه مي ابن مسعود تاسو ته د تربيه او تعليم لپاره وليزلو.

د امام ابو حنيفه W مذهب د ابن مسعود صحابي نظرياتو څخه سرچينه اخلي.

د اسلام تربيتي نظام په داخل د مدينه كې او بيرون د مديني څخه موجود
 وؤ، نو له دي وجهي څوك چه نوي مسلمان كيدو، هغه ته په مدينه منوره كې
 د اسلام تربيه ور كول كيده، او دا كار به يا پخپله رسول الله / كولو او يا به

۱. عراق: كشورې است كه در خاورميانه و جنوب غربی قاره آسيا موقعيت دارد، مساحت آن ۴۳۸۳۱۷ كيلومتر مربع و جمعيت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۱۴۶۷۰۰۰ نفر تخمين شده است، واحد پول آن «دينار عراق»، زبان رسمي آن عربي و كُردی و پايتخت آن شهر بغداد است و دين رسمي آن اسلام می باشد، قابل ذكر است كه دو رود مشهور «دجله و فرات» در اين کشور قرار دارند. نگاه: اطلس جامع گيتاشناسی، ص: ۱۰۵.

د بعضی مشرانو صحابو و له خوا انجام کیدلو، چه د هغی بعضی نموني او مثالونه شهید استاد حضرت مُصْعَبُ بْنُ عُمَيْرٍ > ^۱ ذکر کړی، چه رسول الله / د مدینې د خلکو د رهنمایي لپاره لیرې وؤ، او همدارنگه حضرت معاذ بن جبل > یمن^۲ ته د تعلیم او تربیې لپاره لیرل شوي وؤ، شهید استاد وایي چه انسان د تحولاتو محور دي، نو پدې وجه باندي اسلام په انسان باندي ترکیز کړی، چه انسان افکار سالم وي، نو تحولات هم سالم وي، لکه چه قرآن کریم فرمایي:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۳

د دي رسالي آخری برخه د خلورو خلفا و و خخه بحث کوي، هغوي کله مسلمانان شوي، او د هريو حضرت ابوبکر، حضرت عمر، حضرت عثمان،

۱. مُصْعَبُ بْنُ عُمَيْرٍ > ؛ اَوَّلِينَ سَفِيرِ اسْلَام و دعوتگر رسول الله / ، از بزرگان صحابه و از نخستین کسانی است که اسلام آورد، اسلام او هنگامی بود که پیامبر در خانه ارقم به دعوت سِرِّی مشغول بود، او تا پیش از اسلام آوردن، خوش گذران ترین جوانان قریش بود و مادرش تَوَّجَه و پژه‌ای به او داشت، او زیباترین لباس‌ها را می‌پوشید و همه امکانات زندگی آن روز را در اختیار داشت، مصعب در نبرد بزرگ بدر شرکت داشت و در نبرد احد پرچمدار رسول الله / بود، در نبرد احد پس از آنکه هردو دستش را از دست داد، پرچم را با بازویش به سینه چسبانده بود و تا آخرین لحظه مَقَاوَمَت کرد و سرانجام توسط «ابن قَمِئَه لَیْثی» به شهادت رسید - ابن قمنه که گمان کرده بود که پیامبر را به شهادت رسانده است در میان قریش فریاد می‌زد که مُحَمَّد را کُشتم - گفته شده است که عمر او در هنگام شهادت چهل سال یا کمی بیشتر بوده است و بر اساس قولی، آیه ۲۳ سوره احزاب در باره این یار گرامی رسول الله / نازل شده است. نگاه: اَسَدُ الْغَايَةِ فِي مَعْرِفَةِ الصَّحَابَةِ، طبقات ابن سعد، مصعب بن عمیر، الصحابی الداعية، وبسایت نور الإسلام.

۲. یَمَن؛ کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا و در جنوب شبه جزیره عربستان موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «صنعا» می‌باشد، مساحت آن ۵۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۳۴۹۴۰۰۰ نفر تخمین شده است، واحد پول آن ریال یمن و زبان رسمی آن عربی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲.

۳. بخشی از آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد است که می‌فرماید: ﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَنِي يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مَن أَمَرَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ مِّنْ أَلٍ﴾ (برای او فرشتگانی است که پی‌درپی او را به فرمان الله از پیش‌رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند، در حقیقت الله حال قومی را تغییر نمی‌دهد؛ تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون الله برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود.)

حضرت علی - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَجْمَعِينَ - او د هغوي د خلافت موده خومره وه، او د هغوي اثرات په عالم کې څنگه وو، البته د هغوي مثبت اثرات يا دول شوي وي، له دي وجهي مونږ د صحابو په تاريخ کې يو مهم کتاب لرو چه نوم يې دي «اسد الغابه» يعنې د ځنگلونو زمریان، چه دا عنوان پخپله د صحابو په کارنامو دلالت کوي.

دا د دي رسالي عمده عنوانونه وو، که د بعضي عنوانو تفصيل ته راشم، نو د رسول الله / رسالت مختلف جوانب لري، او اساسی بحث په هغي کې تعليم او تربيه ده، چه استاد دا مسأله په خپله رساله «چه نوع مبارزه» کې هم ذکر کړی، لکه چه مخکي مي هم وويل، چه فرهنگي مبارزه او يا تعليم او تربيه يو وخت کې زموږ د ځوانانو ترمنځ يوه توده مسأله وه، او زموږ د اسلامي حرکت ځوانانو ورته مرده باد ويلو، او د جمعيت مشرانو د هغه حالت شاهد دي، او هغه حالات يې کتلی، خونن ورځ پنځه ديرش کاله وروسته ټول پدي اتفاق لري، چه بايد فرهنگي مبارزه وشي، شهيد استاد پنځه ديرش کاله مخکي په همدی باره کې خپله رساله ليکلي وه، او د هغي خبري وضاحت يې کړی وه، خو پنځه ديرش کاله وروسته اوس ټول ځوانان پدي قناعت لری چه مونږ بايد فرهنگي مبارزه او يا د تعليم او تربيه لاره خپله کړو، چه دا مسأله شهيد استاد د يوي رسالي په ضمن کې روښانه کړی وه، قرآن کریم د رسول الله / اساسی وظيفه تعليم او تربيه ښودلې وه، او شهيد استاد په دغه آیات باندې استدلال کړی، چه فرمايي:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾^۱

همدارنگه شهيد استاد د رسول الله / په دغه حديث استشهاد کړی، چه

۱. بخشی از آیه ۲ سورة مبارکه الجمعة است که می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت؛ تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند).

فرمایی:

﴿إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا..﴾^۱

تعلیم او تربیه د ټولو فضائلو سرچینه ده، او پدې وجهې باندې سیاست، اقتصاد، اخلاق، اجتماع، او د انسان ژوند په نورو برخو کې ښې چه کومه اصلاح او ښه والی راځي، د دې اساسی سالم تربیه ده، لکه چه په نوموړې اثر کې استاد فرمایی:

«ملت فاقد علمی که بیانگر نحوه سلوک او در زندگی باشد و فاقد تربیتی که به وسیله آن هر فرد و جایب خود را بشناسد، چنین ملتی دچار انارشی و اضطراب می گردد؛ زیرا افراد چنین ملتی، هر کدام سلوک مستقل را انتخاب کرده و برخورد و تصادم در میان شان به ظهور آمده، وحدت و یک پارچگی شان از بین می رود..»^۲

د شهید استاد په همدې کلمه باندې خپلې خبرې بس کووم، ځکه نور وخت

نلرم.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

۱. نگاه: سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۲۲۹.

۲. نگاه: محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت، ص: ۲۶

نگاهی به جنبه‌های ادبی آثار استاد شهید

عبدالجمیل شیرزاد

استاد دانشگاه کابل

الحمد لله المنعوت بنعوت الجلال والموصوف بصفات الكمال المنزه
عن التغير والزوال، المتعالی عن الأشباه و الأمثال، والصلاة والسلام على
خير خلقه محمد منقذ الخلق من الضلال و شفیع الأمة يوم عرض الأعمال
و على آله و صحبه خير صحب و آل.

در سوّمین سالروز عروج روح ملکوتی شخصیت گران ارج نهضت
اسلامی، شهید صلح افغانستان که «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» در
راستای گردآوری اندیشه‌های آن رادمرد، گام‌های به حق استواری را
برداشته‌است، من بر آن شدم که بر سویه‌های ادبی کلام رهبر شهید -
دست‌کم در همین آثاری که تاکنون فراز آمده‌است- نگاهی بیفکنم؛ اما
به‌زودی دریافتم که کلام رهبر شهید بافتار خود ویژه‌ای دارد که به
کهکشانی از معرفت می‌ماند و این صورت؛ در کلام ایشان با استمداد از
ارجاعاتی فراهم شده‌است که در آن، همه سویه‌های معرفتی فرهنگ ما،
مخصوصاً آیات، احادیث، اشعار فارسی و عربی، امثال و حکم به وفرت
دیده می‌شود و در این عجاله، مجال پرداختن همه‌جانبه به آن محال
می‌نماید.

بسامه آیات، احادیث، اشعار و امثال در کلام رهبر شهید به آن
پایه‌است که می‌توان فهرست بلندی از آن فراهم کرد و بعد بافت طولی و

عرضی آن را در متن کلام معطوف به اقتضای حالات و شرایط کلی ایراد سخن بررسی کرد، که من این روی کرد را به مجال دیگر وا می گذارم؛ در این فرصت؛ اما لازم به نظر می آید که آن عده از مبانی ادبی - که این مقال بر آن استوار خواهد شد - را واکاوی کنم:

هنر کلامی و بیان هنری نیت انسان، بستری است که به قدامت اندیشه ورزی بشر، پیشینه دارد و در برهه های مختلف تاریخ، بخش هایی یا صورت بندی هایی از این حوزه به برکشیده شده و پررنگ شده است و صورت بندی های دیگر، نسبتاً کم رنگ شده؛ اما هیچ گاه حذف نشده است، این تطور در فرهنگ ما بیشتر مجال ظهور و زوال داشته است، ادبیت و یا شاخص اساسی که کلام را از زمره سخن عادی بالا می برد و به آن ارزش ادبی می دهد، در مکتب های متفاوت به صورت های مختلف تعریف شده است؛ اما شاید فصل مشترک همه تعریف های مختلف ادبیت، به کار بستن روش های مخصوصی در اثر باشد که در سخن، اثرگزاری بیشتر ایجاد می کند.

شعر و تمثیل؛ در فرهنگ ما محمل مخملین انتقال معرفت به مفهوم عام کلمه بوده که این امر، قابل حمل به منطق یا حکمت، هیأت، حساب و فلسفه - نیز - می باشد و وسوسه جدی نبودن در کلام شعری که از «شورش سازمان یافته سخن و یا رستاخیز واژگان» که شعارهای مکتب فرمالیسم روسی شناخته شده و ریشه در دیدگاه های سوسور^۱ داشت آغاز گردید.

این قلم با عطف توجه به اندیشه وران سترگی چون: مولوی، حافظ^۲

۱. فردینان دو سوسور؛ در ۲۶ نوامبر ۱۸۵۷م، به دنیا آمد و در ۲۲ فبروری ۱۹۱۳م، در گذشت، زبان شناس سوییسی بود، او پژوهش های خود را به دو زبان فرانسه و آلمانی انجام می داد، وی با نگرش به ساختار زبان به عنوان اصل بنیادین در زبان شناسی، آن را شاخه ای از دانش عمومی نشانه شناسی دانست، عموماً سوسور را پدر زبان شناسی نوین می دانند. نگاه: ویسایت همشهری انلاین.

۲. خواجه شمس الدین محمد شیرازی متخلص به «حافظ» غزل سرای بزرگ و از صاحبان شعر و ادب پارسی است، وی حدود سال ۷۲۶ هـ ق، در شیراز متولد شد، علوم و فنون را در محفل

سعدی،^۱ خیام،^۲ ابن سینا و دیگران بر آن است که پرداخت‌های ادبی در بستر تمدنی ما نه تنها از بار جدّیت کلام نمی‌کاهد؛ بلکه نشانی است از پختگی و احاطه علمی گوینده کلام که مانایی و نشر پیام مندمج در آن بافت را تضمین می‌کند.

رهبر شهید شخصیت کثیرالابعادی است که پایه اصلی همه این ابعاد را در اندیشه او خرد و استدلال معطوف به حرکت و پویا در جهت طرح و مهندسی مسیر و مَشّ مُبارزه و دعوت تشکیل می‌دهد و این مهم در آثار او به روشنی قابل دریافت است و حملاً علی الإشتهاار به چند مورد معدود، متناسب به روحیه این نبشتار در ذیل پرداخته می‌شود:

۱- .. ما عقیده داریم که مرگ برای انسان و مخصوصاً مسلمان، یک جُهِش و یک معراج است؛ یعنی مرگ برای مؤمنان سیر الی الله است..
ما یقین داریم که مرگ - در باور مؤمن - شکستن قفس تنگ

درس استادان زمان فراگرفت و در علوم ادبی عصر پایه‌ای رفیع یافت، خاصه در علوم فقهی و الهی تأمل بسیار کرد و قرآن را با چهارده روایت مختلف از بر داشت، وی به سال ۷۹۲ هـ.ق، در شیراز درگذشت، مجموعه آثار حافظ شامل غزلیات، قصاید، قطعات، مثنویات و رباعیات است. نگاه: وبسایت گنجور.

۱. مشرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی؛ شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم هجری قمری است، تخلص او «سعدی» است که از نام اتابک مظفرالدین سعد پسر ابوبکر پسر سعد پسر زنگی گرفته شده است، وی احتمالاً بین سال‌های ۶۰۰ تا ۶۱۵ هـ.ق، زاده شده است، در جوانی به مدرسه نظامیه بغداد رفت و به تحصیل ادب و تفسیر، فقه و کلام و حکمت پرداخت، سپس به شام و مراکش و حبشه و حجاز سفر کرد و پس از بازگشت به شیراز، به تألیف شاهکارهای خود دست یازید، وی در سال ۶۵۵ سعدی‌نامه یا بوستان را به نظم درآورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد، علاوه بر این‌ها قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیع بند، رباعیات و مقالات و قصاید عربی نیز دارد که همه را در کلیات و جمع کرده‌اند، وی بین سال‌های ۶۹۰ تا ۶۹۴ هـ.ق، در شیراز درگذشت و در همان‌جا به خاک سپرده شد، دیوان اشعار، بوستان، گلستان و مواظ، از آثار اوست. نگاه: وبسایت گنجور.

۲. حکیم ابوالفتح عمر بن ابراهیم الخیامی مشهور به «خیام»؛ فیلسوف، ریاضی‌دان و منجم و شاعر بود که در سال ۴۳۹ هـ.ق، در نیشابور زاده شد، وی در ترتیب رصد ملکشاهی و اصلاح تقویم جلالی همکاری داشت، وی اشعاری به زبان پارسی و تازی و کتاب‌هایی -نیز- به هردو زبان دارد، از آثار او در ریاضی و جبر و مقابله رساله فی شرح ما اشکل من مصادرات، کتاب اقلیدس، رساله فی الإحتیال لمعرفة مقداری الذهب والفضة فی جسم مرکب منهما، و لوازم الأمتنة را می‌توان نام برد، وی به سال ۵۲۶ هـ.ق، درگذشت. نگاه: وبسایت گنجور.

- زندگی است که به یک فضای بزرگ و ابدیت پرواز می‌کند...^۱
- ۲- آنان که چون مرغان گم کرده آشیان، گاهی بر شاخی و زمانی بر شاخه دیگر، بی‌قرار و پرزان پایین و بالا می‌جهند، اگر آماج صیادی نگردند، سنگ کودکی هم بال و پرشان را می‌ریزند...
- مسلمان مبارز، با تصوّر روشن، دل‌امیدوار، اندیشه ژرف‌بین، به آینده می‌نگرد، هدفش واضح و گام‌هایش ثابت و استوار است؛^۲
- ۳- عظمت و جلال رهبر انسانیت، رسول اعظم / جوانب و پهلوه‌های مختلف دارد.. و ما در اینجا به آموزگاری و مربی‌بودن او می‌پردازیم؛^۳
- ۴- داعیان راه حق در میان ظلمت برق امید را می‌جویند و در میان امواج مشکلات و رنج‌ها به سراغ گوهر پیروزی می‌روند...؛^۴
- ۵- گروه‌سازی و رهبرتراشی، برای ملت به خون غنوده‌ای که در میان امواج اشک و خون شنا می‌کنند، ما را به یاد همان مثل معروف: «بز در غم جان و قصاب در غم چربو» می‌اندازد...؛^۵
- ۶- افغانستان محکوم، امروز به‌دست چنگیزیان عصر حاضر، به مسلخ انسانی تبدیل شده است...؛^۶
- ۷- در مسیر خودسازی و «شدن».. اکسیر اعظم نجات را از کجا باید جست‌وجو کرد؟ از اعماق ضمیر و اندیشه و عمل خود...^۷
- بر پایه تأثیرگذاری بیشتر که در مفهوم قدیمی بلاغت، کیفیت تطبیق سخن با مقتضای حال مخاطب شمرده می‌شد؛ اما در زمان حاضر از آن ارتباط زبان با جهان و زندگی اراده می‌کند و نام‌های چون «بافت حاکم بر
۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۳، ص: ۵۷.
۲. نگاه: چه نوع مبارزه، ص: ۵۰ و ۵۳.
۳. نگاه: محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت، ص: ۲۵.
۴. نگاه: آموختنی‌های در مسیر انقلاب اسلامی، ص: ۴۷.
۵. نگاه: استقلالیت انقلاب، ص: ۵۰.
۶. نگاه: سکوت و حشمت‌ناک، ص: ۲۳.
۷. نگاه: قیام توفنده در قلب کشور، ص: ۱۵.

سخن «context of situation» را بر آن اطلاق می‌کنند، بر نمونه‌هایی که قبلاً ارایه گردید، مکثی گذرایی خواهم کرد.

در نمونه نخست؛ رهبر شهید در مراسم فاتحه یکی از فرمانده‌های جهادی در ولایت لغمان، سخنرانی و در مواجهه با مخاطب و حضور سنگین حال رثا، اصول چهارگانه گرایس (اصل کمیّت؛ اصل کیفیت یا صداقت؛ اصل مربوط بودن به موضوع؛ اصل روشنی کار.) به درستی رعایت می‌شود؛ ولی با آن‌هم این متن در هم‌بودگی کامل با آیه:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾^۱

و شعرهای آتی از مولوی^۲ و موارد دیگر قرار دارد.

معراج برآید چو از آل رسولید رخ ماه ببوسید چو بر بام بلندید^۳

از جمّادی مُردم و نامی شدم وز نما مردم زحیوان سرزدم
مردم از حیوانی و آدم شدم از چه ترسم که زمردن کم شدم
حمله دیگر بمیرم از بشر تا برآرم از ملایک بال و پر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو کل شیء هالک الا وجهه

۱. بقره / ۱۵۴. (و کسانی را که در راه الله کشته می‌شوند، مرده مخوانید؛ بلکه زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌دانید).

۲. مولانا جلال‌الدین محمد بلخی مشهور به مولوی؛ شاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری است، وی در سال ۶۰۴ هـ.ق، در بلخ زاده شد، پدر وی بهاء‌الدین که از علما و صوفیان بزرگ زمان خود بود به سبب رنجشی که بین او و سلطان محمد خوارزمشاه پدید آمده بود، از بلخ بیرون آمد و بعد از مدتی سیر و سیاحت به قونیه رفت، مولانا بعد از فوت پدر تحت تعلیمات برهان‌الدین محقق ترمذی قرار گرفت، ملاقات وی با شمس تبریزی در سال ۶۴۲ هـ.ش، انقلابی در وی پدید آورد که موجب ترک مسند تدریس و فتوی وی شد و به مراقبت نفس و تذهیب باطن پرداخت، وی در سال ۶۷۲ هـ.ق، در قونیه وفات یافت، از آثار او می‌توان: به مثنوی، دیوان غزلیات یا کلیات شمس، رباعیات، مکتوبات، فیه مافیه و مجالس سبعه اشاره کرد. نگاه: و بسایت گنجور.

۳. غزل شماره ۶۳۸ دیوان شمس.

پس عدم کردم عدم چون ارغنون گویدم إنا الیه راجعون^۱
یا این شعر معروف:

مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساختند اندر بدنم^۲

چنین قفس، نه سزای چو من خوش الحانی است
روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم^۳
و یا این گفته سلطان العلماء، پدر جلال الدین محمد در پاسخ به
شحنه‌ای که از او پرسید، تو کیستی و از کجا می‌آیی و کجا خواهی رفت؟
فرمود:

«من الله والی الله ولا حول ولا قوة إلا بالله»

هم‌چنان در این نمونه احتوای گزاره به اسطوره شرقی مرغ‌انگاشتن
روح آدمی و پرواز آن - نیز - محل تأمل است؛
نمونه دوم؛ در ساختار کلی توصیف جوانب مهم در مبارزه فراگیر
اسلامی نگاشته شده است، متن در شبکه‌ای از ارجاعات تنیده شده که
آیات و احادیث فراوان در خود دارد و افزون بر آن در متن، کاربرست
شگردهایی که ادبیت متن را استحکام می‌بخشد، مانند استعاره بالتصریح،
تضاد، تنسیق الصفات، نام آوایی و کاربرد ترکیب‌های توصیفی مقلوب
نیز چهره‌نمایی می‌کند، در این نمونه، اشارتی به دوره خیالی در کودک به
قول ژاک لکان^۴ از رهگذر روانشناسی نیز قابل توجه است، با آنچه بیان
شد، معنای ثانوی گزاره انتخاب شده، اطناب نیز وجود دارد که نوعی تنبیه

۱. م. د. سوم / ۳۹۰۱ تا ۳۹۰۴.

۲. بیتی از غزل منسوب به مولوی.

۳. حافظ، غزل شماره: ۳۴۲.

۴. ژاک لکان؛ (۱۹۰۱ - ۱۹۸۱) پزشک، فیلسوف و روان‌کاو فرانسوی بود که به‌خاطر دیده
بازگشت به فروید و رساله‌ای که در آن ناخودآگاه را به‌صورت یک زبان ساختاربندی که
معروف شد. نگاه: ایگلتون، ت. پیش درآمدی بر نظریه‌ی ادبی، ترجمه عباس مخبر (۱۳۶۸).
تهران، محسنی، م.، ر. (۱۳۸۵). ژاک لکان، زبان و ناخودآگاه. پژوهش‌های زبان‌های خارجی،
ص: ۳۸، ۸۵ و ۹۸، ۳۸.

برای مخاطبان است؛ تا برای خود هدفی برگزینند؛
 نمونه سوّم؛ شرایط حاکم بر سخن، تمرکز بر بخش‌های آموزشی
 و پرورش در رسالت است که عشق کرانه ناپیدای آفرینشگر به پیامبر
 بزرگ اسلام / در هم‌نشینی واژگان آغازین به صورتِ براعت الإستهلال
 ظهور کرده است و لسان‌الغیب این مفهوم را به هم‌وثاق شدن با آفتاب و
 خداوندگار بلخ آن را طلوع آفتاب از دهان گوینده، تعبیر کرده‌اند.
حافظ:

ای معبرِ مژده فرما که دوشم آفتاب
 در شکر خواب صبحی هم وثاق افتاده بود^۱

مولوی:

گفت چون باشد خود آن شوریده‌خواب
 که درآید در دهانش آفتاب^۲
 نمونه چهارم؛ که از کتاب «آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی»
 گرفته شده است، شرایط کلی حاکم بر ایراد سخن از عنوان کتاب
 هویدا است؛ اما در بافت ویژه، این نمونه در واقع مدّعایی است بر مثل شعر
 شهید سید قطب W که می‌سراید:
 «ای برادر هم‌سنگر! زود است که سپاه کفر و ظلمت تارومار گردد؛
 و در جهان صبح نوینی پرتو افکند...»^۳
 این قصیده، یکی از قصاید غرای شهید سید قطب^۴ است، با توجه

۱. غزل شماره، ۶۱۲ دیوان حافظ.

۲. م. د. ششم ۱۱۸۸.

۳. نگاه: آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی، ص: ۴۷ - ۴۸.

۴. سید پسر حاجی قطب پسر ابراهیم؛ در سال ۱۹۰۶م، در دهکده «قها» یکی از روستاهای
 ولایت اسیوط مصر پا به عرصه وجود گذاشت، سید قطب تحصیلات دوره ابتدایی را در زادگاه
 خویش به پایان رسانید و در کنار آن از پدرش قرآن و آداب دینی بیاموخت، در ده سالگی
 قرآن کریم را حفظ کرد، آن‌گاه برای تحصیلات عالی متوسطه به قاهره رفت و پس از پایان
 دوران دبیرستان، وارد دانشکده «دارالعلوم» دانشگاه قاهره شد و در رشته زبان و ادبیات عربی
 و علوم اسلامی به اخذ لسانس نایل آمد، به هنگام تحصیل در قاهره، پدرش وفات یافت و
 مسئولیت خانواده متوجه او گردید و به ناچار اعضای خانواده را به قاهره انتقال داد و در

به متن این نمونه، دریافته می‌شود که ظلمت در برابر برق امید و موج مشکلات در برابر گوهر پیروزی قرار داده شده‌است و این ناهمگونی

سال ۱۹۴۰م، مرگ ناگهانی مادر، او را دچار غم و اندوه سختی کرد، بعد از اخذ لسانس در وزارت آموزش و پرورش به کار اشتغال ورزید؛ ولی چیزی نگذشت که از این سمت استعفا کرد و همه توان خود را صرف پژوهش و نگارش کرد و مقالات و قصاید اجتماعی و دینی وی زینت بخش صفحات مجلات معتبری همچون: الرسالة، المقتطف، اللواء الجدید، الدعوة، الصرخة، مصر الفتاة و.. بود، به همراه یک هیئت فرهنگی و پژوهشی برای مطالعه و بررسی روش‌های تعلیم و تربیت، به امریکا سفر کرد و دو سال و نیم در واشنگتن و کالیفورنیا به انجام این امر مهم پرداخت و با جامعه فاسد و مظاهر فریبنده و گمراه‌ساز تمدن غرب از نزدیک آشنا شد و سخت برآن تاخت، از سال ۱۹۵۱م، به بعد به جمعیت «اخوان المسلمین» که امام حسن البنا G آن را بنیان‌گذاری کرده بود، پیوست، از سال ۱۹۵۳م، به بعد علاوه بر نگارش کتاب‌ها و مقالات مفید و محققانه، آغاز به نوشتن تفسیر شهر «فی ظلال القرآن» کرد و این تفسیر را در مدت پانزده سال به پایان برد که ۹ سال آن را در بی‌غوله‌های زندان ناصری سپری کرد، این مرد بزرگ قرآنی در سال ۱۹۵۴م، هنگامی که جمعیت اخوان المسلمین به توطئه ترور جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور وقت مصر متهم گردید، همراه گروهی دستگیر و به ۱۵ سال زندان همراه با اعمال شاقه محکوم شد. بعد از سپری‌شدن ده سال آن، عبدالسلام عارف رئیس‌جمهور وقت عراق به هنگام سفر به قاهره به سال ۱۹۶۴م، شخصاً عفو وی را از جمال عبدالناصر درخواست کرد و علامه شهید سیدقطب G آزاد گردید، در سال ۱۹۶۵م، کتابی را به نام «معالم فی الطريق» نوشت که به اثر آن همراه دسته‌ای از اخوان المسلمین به اتهام تلاش برای سرنگونی رژیم حاکم از راه مبارزه مسلحانه، مجدداً به زندان افتاد و سرانجام روز یک‌شنبه ۱۳۸۲/۸/۱۹۶۶م، حکم اعدام او از سوی دادگاه عالی نظامی صادر گردید. به دنبال آن، سران و شخصیت‌ها و احزاب متعدد کشورهای اسلامی و جمعیت‌های آزادی‌خواه دنیا، تظاهراتی به راه انداختند و با ارسال تلگراف‌ها و پخش نوشته‌ها، صدای اعتراض و ابراز انزجار خویش را به گوش جهانیان رسانیدند و آزادی وی را درخواست کردند، لکن علی‌رغم همه این‌ها، سحرگاه روز ۱۳۸۲/۸/۱۹۶۶م، این حکم ظالمانه اجرا و سیدقطب و چندی از یارانش به دار آویخته شدند. سیدقطب شهید G موفق به ازدواج نشده و جز زادگان اندیشه، فرزندی از خود به جای نگذاشته‌است. وی گذشته از سخنرانی‌ها در مجامع عمومی و علمی و نگارش مقالات متعدد و مقدمه نویسی‌های فراوان بر کتاب‌های نویسندگان و متفکران بزرگ و سرودن اشعار شورانگیز و سازنده کتاب‌های ارجداری را از خود برجای گذاشته‌است: مهمة الشاعر فی الحياة، التصوير الفنی فی القرآن، مشاهد القیامة فی القرآن، النقد الادبی، اصول و مناهجه، نقد کتاب مستقبل الثقافة فی مصر، طفل من القرية، العدالة الاجتماعية فی الإسلام، معركة الإسلام والرأسمالية، السلام العالمی والإسلام، نحو مجتمع الإسلامی، فی ظلال القرآن، خصائص التصور الإسلامی، مقومات التصور الإسلامی، الإسلام ومشكلات الحضارة، دراسات اسلامية، هذا الدین، المستقبل لهذا الدین، معالم فی الطريق از جمله نوشته‌های این مرد متفکر است. نگاه: مقدمه تفسیر فی ظلال القرآن، سیدقطب، شهید عقیده اسلامی و قربانی مقاصد انسانی، مصطفی خرم‌دل و سید قطب از ولادت تا شهادت، از دکتور الخالدی.

خواننده را به یاد سخن معروف «آی ای ریچادز» استاد دانشگاه کمبریج می‌اندازد که او شعر ارزشمند، شعری را می‌خواند که مجموعه متنوع‌تری از عناصر متباین را در خود ملحوظ می‌کند به‌زعم او، بارزترین جنبه شعرهای ارزشمند، ناهمگونی چشم‌گیری ساقی‌های تمایزناپذیر است^۱ و چنانچه در متن این نمونه دیده می‌شود که رشته ایمان و باور به فرداهای روشن، این گسست‌ها را سبجه‌وار کنار هم کشیده و دست‌یافتن به آن‌ها را به دور از قوانین علی که خود جهان شعر است، ممکن می‌نمایاند؛

در نمونه پنجم؛ ترکیب‌سازی در عبارت شناکردن در میان امواج اشک و خون و کاربرد ضرب‌المثل معروف قابل توجه است و در بافت کلی حاکم بر سخن نشان می‌دهد که نویسنده موردنظر ما به قابلیت‌های متعدد زبان فارسی آگاهی کامل دارد و برای ایجاد تأثیر در کلامش به گواهی این نمونه، از شگردهایی که جزو تجربه مشترک میان او و مخاطبانش باشد، بهره جسته است؛

نمونه ششم؛ با وجود کوتاهی، عینی‌ترین تصویر ممکن را از یک محیط جنگ‌زده به‌دست می‌دهد که مجموعه مفروضات، مفاهیم، ارزش‌ها، و تجربیات یک‌چنین محیطی را در کمال انسجام و ایجاز لحاظ می‌کند و اندوه انحطاط ارزش‌های کلان انسانی را تک‌تک واژه‌ها فریاد می‌زنند و اگر تقدیم و تأخیری در این متن ایجاد شود، از عذوبت و لطف سخن خواهد کاست.

نمونه اخیر؛ از کتاب «قیام توفنده در قلب کشور» انتخاب شده است، می‌توان این نمونه را متضمن معنای «من عرف نفسه فقد عرف ربه» دانست و البته این مفهوم به‌صورت مفهوم پایه، در آثار گرانسنگ زبان پارسی مانند منطق‌الطیر شیخ فریدالدین عطار^۲ و حتی رمان معروف

۱. (پاینده، ۱۳۸۸، ۵۶).

۲. فریدالدین ابوحامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق کدکنی نیشاپوری مشهور به عطار، عارف و شاعر ایرانی تبار بلندنام ادبیات فارسی در سال ۵۴۰ هجری در کدکن به دنیا آمد. نگاه: وبسایت گنجور.

کیمیاگر اثر پائولو کوئلیو^۱ نیز پرورده شده است، به همین گونه ظهور مفهوم «شدن» در این نمونه، تداعی گر مفهوم مشابه در کتاب «سیرالعباد من المبدأ الی المیعاد» از سنایی می تواند باشد.

چنان که پیشتر نیز تذکر داده شد، در فرهنگ ما مفاهیم مختلف از دیر باز به زبان ادبی برای مخاطبان ارایه گردیده است، از این رو زبان ما در کل قابلیت های قابل توجهی در این عرصه دارد و رهبر شهید به عنوان دانشمند خبیر و آگاه به قابلیت ها و زوایای این توانش زبانی وقوف و احاطه دارد و متن او در بسیار موارد با شعر و نثرهای ادبی آفرینشگران بنام زبان پارسی تنه می زند تازه این کل مزایای سخن پردازی این آفرینشگر نیست؛ بلکه آفرینشگر به همین پایه به زبان عربی نیز وقوف دارند و معرفت قرآن و حدیث در روح کلام او با صمیمیت منحصر به فردی سیلان دارد. آفرینشگر مورد نظر ما در آثارش، رشته ظریف سخن را در یک کھکشان هم پیوند با سایر حوزه های معرفتی در دست دارد و جوهر کار او در کنار کار بست شگردها و صنایع ادبی ملمع، تلمیح، اغراق، تضاد، تناسب و تشبیه، کنایه، مجاز و استعاره، بیشتر موارد به صورت کلام ملمع بین زبان پارسی و عربی در نوسان است، اما به هیچ روی شرایط کلی حاکم بر سخن و مقتضای حال مخاطب را فروگذار نمی کند و از این رهگذر تجارب مشترک معرفتی میان او و مخاطبانش و در سخن جای باز می کند تا به آن پایه که سخن را به سطح یک جنگ دایرةالمعارفی بالا می برند، به تاسی از این ویژگی ها، با مسمی ترین تسمیه ای که می توان به کلام این آفرینشگر اطلاق کرد، همانا سهل ممتنع است و این همان ویژگی است که من های متعدد آفرینشگر از دعوتگر و مبارز تا سیاستمدار، دین پژوه و دانشمند، همه و همه را در یک مسیر نه تنها آشتی پذیر؛ بلکه مکمل هم نگهداشته است و البته این قلم در پی این نیست که جوهر کار رهبر شهید

۱. پائولو کوئلیو؛ نویسنده معاصر برازیلی است، رُمان های او بین مردم عامه در کشورهای مختلف دنیا پرطرفدار است. نگاه: وبسایت رسمی پائولو کوئلیو به زبان فارسی.

را محض ادبیات مُعَرَفی کند؛ بل به گواهی این نمونه‌ها که نمونه‌های درخشان زیادی در متن کلام رهبر شهید می‌توان دریافت و صد البته نگاشتن پیرامون یک چنین شخصیتی دشواری‌های زیادی دارد.

رویکردها:

۱. ذوالفقاری، داریوش. فصلنامهٔ متن پژوهی ادبی، شمارهٔ ۵۱، بهار ۱۳۹۱ هـ ش؛
۲. ربانی، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین، خط رهبر، ج: ۳، ۱۳۹۳ هـ ش، کابل، چاپ‌خانهٔ بهیر؛
۳. ربانی، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین، چه نوع مبارزه، ۱۳۹۳ هـ ش، کابل، چاپ‌خانهٔ بهیر؛
۴. ربانی، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین، آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳ هـ ش، کابل، چاپ‌خانهٔ بهیر؛
۵. ربانی، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین، قیام توفنده در قلب کشور، ۱۳۹۰ هـ ش، کابل؛
۶. ربانی، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین، استقلالیت انقلاب، ۱۳۹۳ هـ ش، کابل، چاپ‌خانهٔ بهیر؛
۷. ربانی، رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین، محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت، ۱۳۹۰ هـ ش، کابل، چاپ‌خان: مطبعة شبیر؛
۸. وبسایت گنجور، آثار سخنسرایان پارسی گو <http://ganjoor.net>
۹. مولانا، جلال‌الدین محمدبلخی، مثنوی معنوی، تعلیق و تحقیق حلیم تنویر، ۱۳۸۶، مطبعة صنعتی خالد، کابل؛
10. Grice, H.P. (1975), Logic and conversation, in P cole & J. L. Margan (Eds.), syntax and semantics: vol.3. Speech acts (pp. 41-48). New York: Academic press. .

قلم و زبان رهبر؛

نگارش پیراسته و بیان رسالتمند

دکتور شمس الحق آریانفر

زمانِ خجسته‌ای بود، لحظه‌ای که چند رسالهٔ استاد بزرگوار، رهبر معظم جهاد و مُقاومتِ پروفیسور برهان‌الدین ربانی، به‌دستم رسید، زیارتِ این نامه‌های برین، چند بایستگی داشت:

۱- مجموعه‌ای بود از نبشته و سخنرانی‌های یکی از متفکرانِ معاصر جهان اسلام که خزینه‌ای است، ناب و بی‌بدیل؛
۲- آثار دستیاب‌شده، چاپ جدید بود و این جرقهٔ امیدی است که بالآخره خزینهٔ گران‌بهای فکر و اندیشهٔ خبیرترین رهبر فکری جامعهٔ ما، همگانی می‌گردد.

سخن دیگر اینکه:

- مرکزی برای تدوین آثار استاد، تعیین گردیده‌است؛
- گروه تدوین، کار ویراستاری، تحشیه، تعلیق و مستندسازی آثار استاد را که شایستهٔ شأن یک اثر علمی است، انجام داده‌اند.

ارجمندی آثار و اندیشه‌های استاد:

استاد برهان‌الدین ربانی؛ بدون‌شک دانشمند بزرگ دین و عرفان، ادیب و نویسنده، متفکر و بیدارگر، مجاهد آگاه، سیاست‌مدار توانا، رهبر خبیر و مبتکر سدهٔ معاصر افغانستان است، استاد آثار و افکاری را عرضه کرد

که برای نسل امروزین، آبِ حیات است و مایهٔ نجات، اثر، اندیشه و راه استاد اگر نبود، جوان معاصر در افول ارزش‌های شرق و غرب، روزنهٔ امیدی نمی‌یافت و در برهوت حیرت و ابتذال ناپدید می‌شد، تولید فکر و خلق آثار بر مبنا و محورِ آن افکار، استاد را از سایرین تمایز می‌بخشد. آثار و افکار استاد را می‌شود: از زوایای: محتوی، موضوع، ساختار و قدرت ادبی به شناسایی آورد، هم‌چنان‌که نکات مورد توجه استاد را می‌شود با موضوعات: اسلام‌شناسی، مبارزه، آزادی و آزادگی مشخص کرد.

۱- محتوی:

محتوا، مفهومی است ناگفته که از موضوع بیرون می‌تراود، محتوا در حقیقت مفهوم، بیان و رمزی است که از فراسوی موضوع می‌تابد، موضوعی را در رابطه به فقر می‌خوانی؛ نبود عدالت اجتماعی که محتوای آن نبشته است، از پس منظر آن چهره می‌نمایاند، بیان و نوشته‌های استاد، در هر زمینه و هر موضوعی که عنوان شده - حتی در بارهٔ محیط زیست - محتوای ویژه و خاصی را دنبال می‌کند، از آن شمار است این مفاهیم:

- بیدارگری و آگاهی‌بخشی مسلمانان غفلت‌زده و جوانان خوابیده در مرتع عیاشی و هرزگی و ناباوری؛

- معرفی روح واقعی دین و تجهیز جوانان به سلاح ایمان و اعتقاد پیراسته و ناب اسلامی و رد شبهات، خرافات و اوهام از سویی و رد تحریف مفاهیم دینی از سوی دیگر؛

- رد وابستگی، ذلت‌پذیری و تبلیغ استقلالیّت و آزادگی انسان؛

- ستایش آزادی و استقلال و نفی اسارت و ذلت و بردگی.

این مفاهیم روح و محتوای تمام آثار استاد را برمی‌تابد، استاد اگر در موضوع خانواده سخن دارد یا از جوانان، زنان، قانون، شهید و یا از هر چیز دیگری، داد سخن دارد، محور اساسی و جان‌مایهٔ سخنش، آگاهی،

معرفت حقیقتی و واقعی دین، آزادی و آزادگی است، استاد علم را برای علم و یا دین را برای منفعت نمی‌شناسد؛ بلکه در راه دین جانبازی می‌کند؛ تا از آلائش منزّه بماند و ارزش‌های زندگی و آزادی، پایان باشد.

۲- موضوع:

استاد عالم دین و سیاست و اجتماع است، در این عرصه‌ها سخن می‌گوید؛ اما به گونه‌ای یک متفکر و اندیشه‌ورز اسلامی، اصول دین و سیاست و اجتماع را تشریح می‌کند که از این علوم نجات بشریت را جست‌وجو می‌کند و رستگاری نوع انسان را در آن سراغ‌کند، چند ویژگی را بر می‌شماریم:

بزرگ‌ترین عالم دین:

آموزش پی‌هم علوم دینی در مدرسه، دانشگاه سرانجام تحصیل در بزرگ‌ترین دانشگاه دینی جهان؛ الأزهر و نبوغ و ظرفیت بزرگ ذهنی، توان و تبحری را در عرصه علوم دینی به استاد بخشیده بود که سخن آخر را همیشه او می‌گفت، تسلط استاد بر قرآن و حدیث به پیمانه‌ای بود که با قرآن سخن می‌گفت، یا آیت و حدیث را می‌آورد و یا به استناد مفاهیم قرآنی سخن می‌گفت، مطلبی کوچکی را در ۶ صفحه قطع جیبی می‌خوانید که با ۱۱ آیت قرآنی مستند گردیده‌است، بقیه - نیز - یا حدیث است و یا روایات و شرح آیات و احادیث. (ربانی، بی‌تا: ۱۵-۲۱). این نشان می‌دهد که استاد با قرآن سخن می‌گوید، اثرهای چون: تشریح عقاید معتزله، اصول بحث و تحقیق از نظر اسلام، اصول تربیت در اسلام و ... آثاری است که تبحر علمی استاد را بر می‌تابد.

متفکر اسلام:

استاد به عنوان یک متفکر اسلامی، همیشه فکر و اندیشه جدید ارائه

می‌کرد، بن‌بست‌ها را می‌شکست و راه جدید را می‌گشود، اصلاً بحران‌ها و بن‌بست‌هاست که نیاز رهبر و رهبری را مسلم می‌سازد، در مسایل دینی و اسلامی، استاد همیشه مطابق به شرایط زمان، نظریه ابتکاری ارائه می‌کرد و سخن روز را می‌گفت: وقتی دشمنان اسلام و نظریه‌پردازان دهری عنوان کردند: دین جواب‌گوی نیازهای امروزی بشر نیست، استاد به‌عنوان متفکر جهان اسلام، این تعریف را از دین ارائه کرد:

- دین عبارت است از یک سلسله اصول ثابت، اجتهاد متحوّل و فقه متغییر. (ربانی، ۱۳۹۰: ۴۴) و در پیوند با سیر تغییر و تکامل جوامع بشری اظهار داشت:

- فرهنگ تغییر در فرهنگ اسلامی، جزئی از ارزش‌های دینی و جزئی از اسلوب تفکرات فرهنگی، فقهی و دینی ماست، (ربانی، ۱۳۹۰: ۴۵)

- دعوت به‌سوی خدا^۱، اعلان جنگ علیه همه نیروهای طاغوتی و جاهلی است، همین که مسلمان به دعوت می‌پردازد، همه کنگره‌های ظلم به لرزه افتاده، جباران ستمگر و عیاشان تباه‌کار ... از ارتکاب هیچ جنایتی دریغ نمی‌کنند. (ربانی، بی تا: ۲۸)

کتاب‌های: تیوری سیاسی اسلام، اسلام و سوسیالیزم، در این مسیر به نگارش و بیان آمده‌است.

سخن تحوّل‌آفرین:

آثار و نبشته‌های استاد تحوّل‌آفرین است، شرح جامع و مُدللّ مسایل در آثار استاد، خواننده را متقلّب می‌کند، در کتاب «محمّد / نخستین مربی و آموزگار بشریت» زندگانی حضرت پیامبر / و چهاریار کبار، چنان طرح گردیده‌است که هرکافری را به حقانیت دین و پذیرش آن معتقد می‌سازد، جا دارد این کتاب به سایر زبان‌ها - نیز - ترجمه شود،

همین گونه است کتاب پیغام شهید، آموختنی های در مسیر انقلاب اسلامی، داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت بار و مستقبل هولناک، فاجعه ۲۶ سرطان و ...

اسلام در عصر پیامبر و صحابه، عمر قَسِی القلب را فاروق اعظم ساخت و چوپانی را عبدالله بن مسعود و بزرگ ترین فقیه و مفسر کرد و عرب بدویی را (حاطب بن ابی بلتعه) به جایی رساند که امپراتور مصر گفت: تو حکیمی و از نزد حکیم می آیی. سخن و بیان استاد در بیان روح اسلام چنین اثرگذاری را داشت.

جامع علوم:

استاد تنها عالم علوم اسلامی نه، که بر علوم انسانی و اجتماعی زمانش مسلط بود، از همین رو وقتی اصول و اساساتی را در اسلام بیان می کند، به گونه تطبیقی، نگاهی بر اساسات سایر مسلک ها و فلسفه ها - نیز - دارد. زمانی که از اسلام آوردن عمر > سخن دارد، می گوید، داستان ایمان آوردن او روشن ترین دلیل است بر اعجاز قرآن و منطق کوبنده ای است که تفسیر مادی تاریخ، تحولات را در افکار، محصول تغییر شرایط اقتصادی می داند.

- آن هایی که زنجیرها را شکستند و گردن ها را آزاد کردند. از چه زمانی چنین و چنان کردند، آیا نیروهای تولید و نهادهای اقتصادی زمان، اوشان را به این فکر واداشت و باعث ایجاد چنان جنبش و جهشی گردید؟ (ربانی، ۱۳۹۰: ۱۸)؛

- این یادکردها اشاره هایی است به ماتریالیزم تاریخی و ماتریالیزم دیالکتیکی که نشان می دهد، نگارنده به فلسفه ها و اندیشه های اجتماعی، اقتصادی و فلسفی زمان مسلط است و به گونه تطبیقی از آن ها سخن دارد.

ایجاد خودآگاهی:

خودآگاهی و تلقین و ترزیق این امر در جان و روان جوانان و خوابیدگان زمان، جان‌مایهٔ اساسی آثار استاد است، ایجاد خودآگاهی رسالتی است که پیامبران به‌دوش داشتند، آگاهان امروز، به پیروی از پیامبران، می‌خواهند، نسل خوابیده را به خودآگاهی برسانند، استاد در هرزمینه‌ای که سخن گفته و یا نوشته، اصل بیدارگری و خودآگاهی را مدنظر داشته‌است: تیوری سیاسی اسلام، چه نوع مُبارزه، یادی از غلام محمد نیازی، استقلالیت انقلاب و همه سخنرانی‌ها و... برهان بین این مدعاست.

اسلام:

در روزگار استاد، اسلام مظلوم‌تر از هرروزگار دیگر بود، خطر کمونیزم، لیبرالیزم و خطر بیگانگی مردم از روح دین، خطر دکانداران دین، استاد رسالت خویش می‌دانست؛ تا هم اصول اساسی دین را تبیین بخشد و هم دسایس و توطیه‌های منکران دین و دنیا فروشان زمان را، پاسخ گوید: کتاب «محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت»، «ترجمهٔ جزء اول فی ظلال القرآن، و ترجمهٔ «اسلام و سوسیالیزم»، «اصول تربیت در اسلام» و تیوری سیاسی اسلام، نموده‌ای این اصل است.

بیان دایرةالمعارفی:

سخن و نبشته‌های استاد، عصارهٔ تمام خرد و دانش، تجربه و آگاهی مردی است که عمری را در تحصیل دانش و در سیاست و مُبارزهٔ نظری و عملی سپری کرده‌است، نبشته‌های استاد با آیات، احادیث، روایات، نقل قول بزرگان دین و دانشیان جهان، مقولات و شعر عربی و فارسی مستند گردیده‌است، تمام ابعاد یک موضوع را بیان کرده و انسان را بی‌نیاز از مراجعه به سایر منابع می‌سازد، اغلب نکاتی که در سخن و نبشته‌های

استاد آمده، نو و بدیع است، کشف و یافتنی است، از متون دینی و از اجتماع، باری در دوره حاکمیت دولت اسلامی، انور خان جکدلیک رئیس المپیک، ورزش کاران را در تالار رادیو گرد آورده بود و استاد برای آنان سخنرانی داشت، در آن صحبت استاد ده‌ها آیت و حدیث و روایت اسلامی را در باره ورزش ذکر کرد که نشنیده بودیم و تماماً برای جامعه ما نو بود.

وقتی استاد از دعوت منظم و در داخل تنظیم صحبت می‌کند، در ۴ صفحه کوچک و قطع جیبی، به ۷ آیت آسمانی استناد می‌کند، سخنانش تطبیقی است، به گونه‌ای که دیگر نویسندگان کم‌تر به آن توفیق یافته‌اند، مسلمانان امر به معروف می‌کنند^۱ و منافقان امر به منکر^۲.

۳ - استقلالیت و آزادی:

تکیه بر آزادی و استقلالیت جهاد، امری بود که استاد از نخستین روزهای جهاد افغانستان بر آن تأکید کرد و متوجه آن بود، در حالی که بسیاری‌ها فقط به کمک‌ها می‌اندیشیدند و متوجه وابستگی‌های بعدی و مصایب آن نبودند، استاد راهیان جهاد و مبارزه را هشدار داد و رساله «استقلالیت انقلاب» را نوشت که سخنش در تاریخ مسجل گشت، در آن رساله از غیروابستگی و خطر رهبر تراشی‌های اجانب و استفاده فرصت طلبان که دل‌شان با حسین و شمشیرشان با یزید است، سخن گفت، در آن رساله می‌خوانیم:

«وابستگی انقلاب‌ها تنها در مرحله پیروزی باعث انحراف انقلاب و مانع پیاده‌شدن آرمان والای انقلابیون نمی‌شود؛ بلکه در همه مراحل باعث ضربت‌زدن بر انقلاب و درهم‌کوبیدن آن می‌گردد.» (ربانی، ۱۳۹۳: ۲۹)

«وابستگی در اشکال و انواع آن فاجعه‌آورترین پدیده تاریخ است،

۱. آل‌عمران / ۱۱۰.

۲. توبه / ۶۷.

وابستگی‌های ذهنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، دردناک‌ترین بدبختی‌ها را گریبانگیر جوامع و ملل وابسته می‌سازد» (ربانی، ۱۳۹۳: ۵۵) و در این روند از سه نوع وابستگی در آن روزگار یاد می‌کند که با تأسف امروز هر سه نوع آن در کشور ما مشهود است: وابستگی از راه عمال مزدور، از راه احزاب و مؤسّسات وابسته، از طریق قوانین و نظامات کشوری (ربانی، ۱۳۹۳: ۵۹) نکته جالبی که استاد عنوان کرده است و امروز نمودهای آن را می‌نگریم: از خود بترسیم، از تهمت تهمت‌گران نترسیم، از خود بترسیم که از اسلام منحرف نگردیم، عمر فاروق > فرموده: پیش از اینکه دیگران از شما حساب بگیرند، خود را مورد محاسبه قرار دهید. (ربانی، ۱۳۹۳: ۱۴)

سخن از استقلالیت انقلاب که امروز مصایب آن‌ها را می‌نگریم، به تنهایی می‌تواند برهان قاطع و گواه روشنی باشد، بر روح آزاد و رهبری دایمانه استاد در همه عرصه.

۴- آزادی و مُبارزه:

روزگار استاد، مصادف به زمانی بود که افغانستان از سیطره معنوی، غیرمستقیم و مستقیم اجانب رنج می‌برد، استاد برخلاف کسانی که وضعیت را توجیه و یا با استعمار و استثمار سازش می‌کردند، سخن از آزادی و استقلال و از مُبارزه گفت، از این رو آزادی و آزادی خواهی، یک رکن بیان و اندیشه استاد را تصاحب کرده است.

در نبشته‌ها و بیاناتش وقتی از مُبارزه سخن دارد، به عنوان الگو از مُبارزه و مشکلات حضرت ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمّد - صلوٰة الله علیهم - یاد می‌کند، هم‌چنان تکالیف بلال، خُبیب، صُهب و عَمّار D را ذکر می‌کند و یادآور می‌گردد که مُبارز باید صبور و باتدبیر باشد، در دعوت انتظار احترام را نداشته باشد، مُبارز باید عالم، صاحب

شخصیت کامل و قناعت وجدانی باشد و به اصول مبارزه آگاه باشد.
(ربانی، ۱۳۶۳:)

در رابطه به ماهیت مبارزه اسلامی می‌گوید: «مبارزه اسلامی یک مبارزه رهبری شده است که هوا و خواهش‌های نفس مسیر آن را تعیین نمی‌کند، پیروی هوا و هوس در اسلام عنوان «شرک» را داشته و عامل فساد و تباهی شناخته شده است.» (ربانی، ۱۳۶۳: ۳۴)

در پیوند با کسانی که از روی هوس و بدون هدف در مسیر مبارزه رفته‌اند، می‌گوید: «آنهايي که بی‌خبرانه هوس مبارزه می‌کنند، به هوای قدرت، دم از جهاد می‌زنند، بی‌هدف به هر که می‌تازند... با صادر کردن فتوای کاذبانه سند گناهکار بودن دیگران را امضا می‌کنند... از جهالت و نادانی، هم به خود جفا کرده و هم به عقیده و فرهنگی که به آن ارتباط دارند، در عمل آنان سند محکومیت نهضت اسلامی را فراهم کرده ... مسلمانان را در انظار جهانیان، عناصر جاهل و نادان و بی‌درک معرفی خواهند کرد.» (ربانی، ۱۳۶۳: ۴۳-۴۴)

مصادق این سخن را در جهان امروز، در عمل القاعده، داعش و تروریست‌ها به تماشا بنشینید.

۵ - نشر والا و پیراسته و ادبیانه:

استاد معانی والا را در اشکال عالی بیان کرده است، نثر استاد ربانی آراسته و پیراسته و خالی از هر نوع حشو و زواید است، نگارش و بیان استاد، استادانه و ادبیانه است.

- صلابت و رسایی: در این زمینه حرفی باقی نیست که سخن و نبشته استاد، یا آیات قرآن کریم و حدیث نبوی است و یا مفهوم و معانی و شرح و بیان آن و یا سخنی است که بحری را در کوزه ریخته و جهانی را در جمله‌ای ادا کرده است؛ مثل این عبارت: «افغانستان را در تاریخ «دیوار صلح» و به تعبیر اقبال^۱ «قلب آسیا» و به حرف انگلیس، حدفاصل

۱. علامه محمد اقبال لاهوری؛ در سال ۱۸۷۳م، در شهر سیالکوت ایالت پنجاب هند به

در میان استکبار روسی و استعمار سیاه انگلیسی، لقب داده‌اند.» (ربانی، ۱۳۹۰: ۲)

- بیان ادیبانه: نمونه‌ها: به پژوهشگران سعادت، به دنباله‌روان موبک نور و فضیلت، به پیروان قافله‌سالار علم و هدایت، به علاقه‌مندان رهایی از فریب‌آبادِ نکبت، مذلت، انحطاط و مسخ شخصیت، به همه آن‌هایی که برای نجات از مرداب آلودگی‌های شرگ کهن و نو، در جست‌وجوی راه فلاح‌اند. (ربانی، ۱۳۹۰: ۱۴)

- آنان که چون مرغان گم‌کرده آشیان، گاهی برشاخی و زمانی برشاخه دیگر، بی‌قرار و پرزنان پایین و بالا می‌جهند، اگر آماج صیادی نگردند؛ سنگ کودکی هم بال و پرشان را می‌ریزند. (ربانی، ۱۳۹۳: ۵۰)

- در میان صخره‌های حادثه‌خیز، در میان کوخ‌های رنج‌آشنا و کلبه‌های محقر، روزی نیست که صدها دهقان محروم و کارگر جفا دیده، کودک معصوم، پیران بی‌دفاع، زنان شرافت‌مند افغان توسط بمباردمان ... به خاک و خون نگلتند. (ربانی، ۱۳۹۳: ۱۳۳)

- آنجا که تبلیغ نتواند از درهای بسته عناد و گمراهی نفوذ کند و حجت و دلیل بر صخره‌های غرور، بی‌اثر ماند و دعوت به مقاومت دشمنانه باطل روبه‌رو گردد، جهاد مسلحانه‌نکردن ابله‌ای و جهالت است. (ربانی، ۱۳۹۳: ۲۱)

- پرمحتوی و عاری از زواید: نمونه: «هوشیاری در مبارزه این است که مسلمان ابتکار عمل را در دست دشمن مدهد و ساعت صفر را توسط

دنیا آمد، در لاهور تحصیل کرد و سپس در کمبریج و مونخ به مطالعه در فلسفه و حقوق پرداخت، سپس به لاهور بازگشت و به وکالت مشغول شد، اقبال معتقد است که روح قرآن با تعلیمات یونانی سازگاری ندارد و بسیاری از گرفتاری‌ها از اعتماد به یونانی‌ها ناشی شده‌است، تشویق اقبال به بازگشت اسلام به صحنه سیاست و ضدیت با تمدن غرب و رد دستوردهای فرهنگی و علمی غرب از مسایلی است که مورد توجه و استقبال و گاه مورد انتقاد گروه‌هایی از اندیشمندان است، وی به سال ۱۹۳۸م، بدروید حیات گفت، اسرار خودی، رموز بیخودی، پیام مشرق، زبور عجم، جاویدنامه، پس چه باید کرد؟، ارغمان حجاز از آثار اوست. نگاه: وبسایت گنجور.

او تعیین میکند و خود را هدف و آماجگاه اذیت و آزار او قرار میدهد و به نام انقلابی مرتکب اعمال سفیهانه میشود و دستِ خالی در پنجه دشمن تسلیم می‌گردد.» (ربانی، ۱۳۹۳: ۴۲)

- تعابیر نو ادبی و سیاسی: نمونه‌ها: عناصر جبون و بزدلی که به فقدان بودجه عقل و منطق دچارند. (ربانی، ۱۳۹۳: ۵۲)

- آنان که چون کور، خیز بیجا زده، به نام انقلاب اسلامی طریق نامقدس را انتخاب می‌کنند. (ربانی، ۱۳۶۳: ۴۴)

- دشمنان فرومایه که دسایس شوم‌شان جز جال عنکبوتی بیش نیست. (ربانی، ۱۳۶۳: ۵۲)

- مزدورانِ دستوری استعمار و جیره‌خوارانِ محفل استبداد. (ربانی، ۱۳۶۳: ۵۲)

- اتهام خیانته حلقه‌به‌گوشانِ استبداد و پای‌کوبانِ محفل ارتجاع. (ربانی، ۱۳۶۳: ۵۴)

در فرجام می‌شود، گفت:

استاد افکار و اندیشه‌های اسلامی و آزادی‌خواهی و طرح و نظریات بکر و دایمانه را، در زیباترین شکل، در راستای مُبارزه عملی و جهاد، با محتوی نجات و رهایی میهن و ملت و دین، بیان داشته‌است، استاد عالم اکادمیک علوم دین، متفکر اسلام، سیاست‌گر نظریه‌پرداز، آزاده و ایثارگر و مجاهد و مُبارز عملی و انقلابی بود، دانشمندی که همتایش در فکر و عمل و اندیشه، کم‌تر سراغ می‌گردد.

رویکردها:

- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۹۰) خط رهبر (مجموعه سخنرانی‌ها).

کابل: جلد: ۱، نشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۸۹) خط رهبر (مجموعه سخنرانی‌ها).

- کابل: جلد: ۲، نشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۹۰) محمد / نخستین مربی و آموزگار بشریت. کابل: نشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ربانی، استاد برهان‌الدین (بی‌تاریخ) آموختنی‌های در مسیر انقلاب اسلامی. کابل: نشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۹۰) قیام توفنده در قلب کشور. کابل: نشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۹۲) خط رهبر. کابل: جلد ۳. نشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۹۳) سکوت وحشتناک. کابل: نشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۹۳) چه نوع مبارزه. کابل: نشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ربانی، استاد برهان‌الدین (۱۳۹۳) استقلالیت انقلاب. کابل: نشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید.

سخنرانی صلاح‌الدین ربانی
رئیس جمعیت اسلامی افغانستان

در نخستین همایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید
مکان: تالار دانشگاه تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی
زمان: ۶/۲۷ / ۱۳۹۳ هـ ش

نَحْمَدُهُ وَنُصَلِّي عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ؛
 قَالَ اللَّهُ تَعَالَى، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿..هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ
 وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾^۱

دوستان عزیز! فرهیختگان گران قدر! استادان گرامی! جوانان عزیز!
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

جای بسیار خوشی است که امروز در جمع شما دانشمندان و عزیزان
 قرار دارم و به مناسبت چاپ ده اثری مربوط به رهبر جهاد و مقاومت و
 شهید صلح، استاد برهان‌الدین ربانی، محفل پرشکوه امروزی دایر گردید،
 همان‌طوری که گفته شد، محفل امروزی درحقیقت بزرگداشت از جایگاه
 علمی استاد شهید است، سخنرانان محترم هرکدام در نوشته‌های‌شان به
 جنبه‌های مختلف آثاری که تا اکنون از استاد شهید چاپ شده‌است،
 پرداختند.

من به‌گونه کوتاه در پایان به چند نکته، اشاره گذرا خواهم داشت،
 نخست؛ برگزاری این‌گونه محافل از اهمیت بس والای معنوی برخوردار
 است؛ زیرا هم در زمان حیات استاد شهید و هم پس از شهادت‌شان،
 جایگاه سیاسی و مبارزاتی استاد شهید، مورد توجه و عنایت بیشتر قرار

گرفته‌است، اکنون نیاز است که در کنار توجّه به نقش تاریخ‌ساز شخصیت استاد شهید، جایگاه علمی و مبانی فکری او - نیز - مورد توجّه و تحقیق قرار گیرد؛ زیرا در شرایطی که تلاش‌ها در راستای جعل، وارونه‌سازی و مسخ واقعیت‌های تاریخی ادامه دارد، آشنایی با آثار و نوشته‌های استاد شهید و مُعرّفی مبانی فکری ایشان، ما را کمک می‌کند؛ تا دچار سردرگمی و ابهام نشویم، کار در این راستا تنها برای شناخت بیشتری استاد شهید اهمیت ندارد؛ بلکه تحقیق و بررسی بُعد علمی شخصیت استاد شهید و شناساندن بیشتر آن به نسل نو و خانواده بزرگ جهاد و مقاومت، درحقیقت یکی از گام‌های اساسی در راستای ایجاد پیوند این نسل با گذشته پرافتخار تاریخی‌شان است و آنان را از واقعیت تاریخی‌شان آگاه می‌سازد، در پرتو مطالعه و تحقیق، در سیرت علمی و عملی استاد شهید است که به ریشه‌های فکری و علمی نهضت اسلامی افغانستان و اصول مبارزاتی این نهضت در سه دوره مُبارزه علیه استبداد، اشغال و تجاوز و اهداف والای آن پی می‌بریم و به درک درستی از تاریخ نیم‌قرن مُبارزه سیاسی دست می‌یابیم، با تحقیق در سیرت عملی و نوشته‌ها و آثار استاد شهید است که خیلی از گره‌های کور در تاریخ مبارزات سیاسی نیم‌قرن اخیر کشورمان گشوده می‌شود و تصویر روشنی از آن برای‌مان داده می‌شود، استاد شهید به یقین دارای صلاحیت علمی بالا، در حوزه علوم اسلامی بود، با اطمینان می‌توان او را یکی از چهره‌های درخشان زمان خودش در میان اندیشمندان مسلمان دانست که صاحب رأی در مسایل و مفاهیم بود.

در کشوری که مردمش مسلمان‌اند و به التزام به شریعت و اصول اسلامی تا مرز تعصب دینی شهرت دارند، آشنایی نسل جوان با دیدگاه استاد شهید در حوزه اندیشه اسلامی نیاز جدی‌است، استاد شهید هم تسلط عمیق و علمی بر علوم اسلامی داشتند و هم شناخت خوبی از

دنایای امروز، به همین دلیل در شرایطی که تفسیرهای عجیب و غریبی از مفاهیم دینی برای مردم هرج ایجاد کرده و چه کارهای ناشایسته‌ای که در قالب تفسیرهای من‌درآوردی از مفاهیم کلان اسلامی صورت می‌گیرد، یکی از چهره‌هایی که می‌توان بر حرف و عمل آنان در مقابل این مشکل ایستادگی کرد، فکر استاد شهید است، پاسخ خیلی از این پرسش‌های اسلامی، نسل جوان ما، به‌خصوص در حوزه مسایل اسلامی را می‌توان در بخشی از نوشته‌های استاد شهید و سیرت عملی‌شان پیدا کرد و به ایشان فراتر از یک حاکم حکیم، در قالب یک مرجع اسلامی - نیز - می‌شود اقتدا کرد.

چیز مهم دیگری که برای ما اهمیت دارد، شناخت میراث سیاسی استاد شهید است، او خط اعتدال و اصلاح‌گری را از همان آغاز مُبارزه سیاسی‌اش دنبال کرد و در عمل یک تفسیر عالمانه و تازه از مُبارزه سیاسی ارایه کرد، دوستان و بزرگان به حافظه تاریخی‌شان برگردند، خوب به یاد می‌آورند که در سال‌های دهه پنجاه خورشیدی چه نوع دیدگاه‌های سیاسی در جامعه ما مطرح بود؟

یکی هم دیدگاه انقلابی‌گری بود که حتی در همان آغاز مُبارزه علیه نظام‌های استبدادی وقت، با براندازی کودتا و مُبارزه مسلحانه باور داشت، دیدگاه دیگری همان دید محافظه‌کارانه طرفدار نظم حاکم موجود همان زمان بود، استاد شهید در مرز میان این دو دیدگاه، دیدگاه اصلاح‌گرایانه را مطرح کردند و این راه سوّم را ترسیم کردند، که برخی از برادران خودی، این دیدگاه اصلاح‌گرایانه‌ای ایشان را قبول نداشتند و آن را در چارچوب دیدگاه محافظه‌کارانه تعریف می‌کردند، استاد بر مبنای همین اصل سیاسی تا آخرین لحظات کوشیدند؛ تا زمامداران افغانستان دهه پنجاه خورشیدی را بفهمانند که بدون آوردن اصلاحات بنیادین و درک تهدید و خطر کمونیسم، افغانستان را در کام دشمن فرو خواهند

برد، در کنار آن برای آگاهی مردم از خطرات آنانی که زیر عنوان افکار و اندیشه‌های انقلابی‌گری چپ به مردم و جامعه زهر تزریق می‌کردند - نیز - تلاش‌های شبانه‌روزی زیادی کردند، پیش از کودتای کمونیستی در دهه پنجاه خورشیدی، هنگامی که استاد شهید آخرین تلاش‌هایش را به خرج می‌داد؛ تا حاکمان وقت از خوابِ خرگوشی بیدار شوند و با شناخت دقیق خطر، خود و جامعه را از کناره‌گودال تباهی دور بسازند، برخی از برادران منسوب به نهضت تبلیغ می‌کردند که گویا استاد شهید دنبال کارهای فرهنگی ایستاده‌است و دیدگاه اصلاح‌طلبانه‌شان به درد افغانستان نمی‌خورد؛ اما وقتی که رهبر شهید، پس از کودتای کمونیستی رساله «چه نوع مبارزه؟» را در پاسخ به این شبهات نوشته‌اند، تفسیر بسیار عالمانه‌ای از نحوه مبارزه در چارچوب اندیشه سیاسی اسلام ارائه کرد که مخالفان را شگفت‌زده و مجاب کرد.

رهبر شهید با این نوشته عمیق‌شان اهداف، انواع، ابزار و وسایل دعوت و مبارزه اسلامی را به خوبی تفسیر و تبیین کرد و با بیان علمی فهماندند که کار فکری و اصلاح‌گرایانه سیاسی در تضاد با جهاد نیست، رهبر شهید در حقیقت یک تعریف جامع از دعوت و مبارزه اسلامی ارائه کردند که برای نسل همان دوره نهضت اسلامی تازه و آموختنی بود.

حضور گرامی!

استاد شهید در طول سال‌های نخست مبارزه و سپس دوران جهاد، به‌عنوان رهبر جمعیت اسلامی و بعداً رئیس دولت و رهبر سیاسی جامعه با حوادث، به‌گونه‌ای برخورد کردند که نشان‌دهنده دیدگاه عمیق‌شان به سیاست و مبارزه سیاسی است، سنت سیاسی استاد شهید، مُرکب از حکمت، تدبیر، همراه با قاطعیت و شجاعت است، استاد شهید حتی در برابر مخالفان سرسختش - نیز - اهل تسامح، مدارا، گذشت و مهربانی بود و در رفتار سیاسی و اجتماعی‌اش در برابر انتقادات و مخالفت‌ها سینه

فراخ و جبین گشاده داشت، او یک سیاستمدار ارزشگرایی بود که با وجود سرسختی‌اش بر مواضعی که مبنای حقانیت می‌داشتند، هیچ‌گاهی از خطوط قرمز اخلاقی و عمل و گفتارش عبور نمی‌کرد، اگر به هر عملی، استاد شهید در طول دوران مبارزه و رهبری‌اش دقت کنیم، در می‌یابیم که هر حرکت‌شان با دوراندیشی حکیمانه، سنجیده‌شده و به همین دلیل شناخت دیدگاه سیاسی استاد شهید، برای ما و به نسل‌های بعدی ما یک ضرورت است.

در عرصه عمل سیاسی رهبر شهید از خود شاهکارهای را به یادگار گذاشته‌است که هر کدامش برگ زرین در تاریخ معاصر کشورمان است، امیدوارم که با مطالعه و تحقیق در آثار استاد شهید بتوانیم، سنت سیاسی‌شان را در جمعیت اسلامی و سپس در جامعه سیاسی‌مان به یک روش مسلط بدل کنیم.

حضار گرامی!

با پیروی از دیدگاه و سنت سیاسی استاد شهید، با سنجش، مشوره و دقت لازم، جمعیت اسلامی افغانستان وارد عرصه انتخابات شد، هنگامی که این حقیقت را درک کردیم که پای کارگزاران پروسه انتخابات در انجام این پروسه ملی می‌لنگد، در همان روزهای اوّل پروسه انتخابات هشدار دادیم که اگر آنان در رفتارشان اصلاحات نیاورند و به گونه بی‌طرف و صادقانه در چارچوب قوانین عمل نکنند، به اعتبار این پروسه و هم‌چنان به این نهادهای ملی صدمه جبران‌ناپذیری وارد می‌شود، این حرف از سوی دولت و نهادهای بین‌المللی جدی گرفته نشد؛ اما دیری نپایید که نتایج زیان‌باری این بی‌توجهی دامن این پروسه را گرفت و تا هنوز مردم چوب این دغل‌بازی و سوءمدیریت دولت و نهادهای برگزارکننده انتخابات را می‌خورند، امروز نزدیک به یک‌سال، پس از آغاز پروسه انتخابات در وضعیتی قرار داریم که مردم باور و اعتمادشان را به نهادها

و مؤسّسات ملی از دست داده‌اند و هیچ‌آبروی برای این نهادها نزد مردم باقی نمانده‌است، با اطمینان اعلان می‌کنم، آنچه را که این نهادها به‌عنوان نتیجه و برآیند مسخ‌شده اراده عمومی مردم و نتیجه حماسه حضور مردم، اعلام می‌کنند، از حیثیت و اعتباری برخوردار نیست که بتواند کشتی سرگردان این کشور را به سمت وسوی درست رهنمایی کند.

در اخیر جا دارد که از دست‌اندرکاران «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» به‌خصوص از برادر گران‌قدر محترم فضلی‌آماج^۱ ابراز امتنان کنیم که توانستند، در سه سال پس از شهادت استاد شهید، حدود ده اثر او را تدوین و بازچاپ کنند، آرزو دارم که این فرایند ادامه داشته باشد و ما در سال‌های بعدی شاهد چاپ آثار بیشتر استاد شهید باشیم، هم‌چنان از میراث‌داران فکری و سیاسی استاد شهید آرزو داریم که در معرفی ابعاد مختلف شخصیت استاد شهید، به نسل امروز و نسل‌های بعدی با نوشته‌های خوب و ارزشمندشان تلاش ورزند.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ^۲، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

۱. رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید.

۲. (می‌گویم: سخن من همین است، به خود و شما از الله^۱ آمرزش می‌طلبم) با این جمله، پیامبر / و یاران مبارکش گاه‌گاهی سخنرانی‌های‌شان را خاتمه می‌دادند. نگاه: ابن حبان، شماره حدیث: ۳۸۲۸ والسلسلة الصحيحة، از ناصرالدین البانی، شماره حدیث: ۲۸۰۳.

دعايه؛ مولوی کفایت اللہ

در نخستین ہمایش رونمایی برخی از آثار رهبر شهید

مکان: تالار دانشگاه تعلیم و تربیة شهید استاد ربانی

زمان: ۲۷ / ۶ / ۱۳۹۳ هـ ش

نَحْمَدُهُ وَنُصَلِّي عَلَى رَسُولِهِ الْكَرِيمِ؛ اَمَّا بَعْدُ:
فَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ
مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ...﴾^۱

حاضرین محترم! از اینکه شما تا این دم حوصله‌مندی بجا آوردید و ایجاب هم می‌کرد که با حوصله‌های زیاد و وقت زیادی پیرامون این موضوع برجسته و ارزشمند، سخنرانان، سخن با تفصیل می‌داشتند، افسوس که وقت سخن نیست؛ ولی با اشاره به یک موضوع که البته وقت زیادی را هم نخواهد گرفت، می‌خواهم بپردازم، بنده با شخص مرحوم شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی از زمان ۱۳۵۸ هـ.ش؛ تا به زمان شهادت‌شان بسیار روابط نزدیک داشتم؛ حتی در بعضی سفرهای داخلی

۱. بخشی از آیه ۲۵۳ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْتَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتُلَ الَّذِينَ مَنَعُوا عَدُوَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتُلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ﴾ (برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم، از آنان کسی بود که الله با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم و اگر الله می‌خواست کسانی که پس از آنان بودند، بعد از آن [همه] دلایل روشن که برای‌شان آمد به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند؛ ولی با هم اختلاف کردند، پس بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند و اگر الله می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند؛ ولی خداوند آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد.)

با ایشان شب در یکجا بودیم و از خصوصیت‌های طبیعت و اخلاق نیکوی‌شان، عبادت، زهد و تقوی‌شان - نیز - آگاهی داشتم. بنده در این روزها خیلی دلتنگ از این بودم، وقتی هفته شهید اعلان می‌شود، برادران بسیار با سروصدای بلندی از شهدا نام می‌برند؛ ولی از شهیدی که قهرمان‌ساز بود، یک قهرمان نه که صدها قهرمان در این سرزمین تربیه کرد و واقعاً ربانی؛ یعنی مربی بود، از آن نامی نمی‌برند، اگر کاری هم کردند، عکس و چهره‌اش را در پس دیگر شهدا به‌گونه‌ای تنظیم می‌کنند که گویا این شهید، از درجه سه و یا درجه‌ی اخیر باشد، این جای بسیار تأسف است.

الآن خیلی خشنودم که در محفلی هستم که حکایت از این دارد که «مرکز تدوینی» بوده‌است و آثار با ارزش او را تدوین و توضیح کرده‌است و به این وسیله از ایشان نامی برده می‌شود؛ ولی یک نکته را باید گفت: که خداوند - جلّ و علا شأنه - در قرآن عظیم الشان شهدا را ارزش خاصی داده‌است، به غزوات عصر پیغمبر - علیه الصلاة والسلام - ارزش خاصی داده‌است؛ ولی هر غزوه با هم یک برابر نیست، غزوه بدر^۱ با دیگر غزوات برابر نیست، شهدای احد^۲ با شهدای دیگر غزوات برابر نیست و این چنین در آیه مختصری که قبلاً حضورتان تلاوت کردم، خداوند می‌گوید که همین سفیرهای من که برگزیدگان من‌اند، همین‌ها هم پیش من یک‌سان نیست، بعضی از این‌ها با بعض دیگرشان تفاوت بسیار دارد، پس به این اساس درست است که در افغانستان ما بیش از یک‌میلیون شهید داریم،

۱. غزوه بدر؛ در رمضان سال دوم هجرت رخ داد، با وجود آنکه تعداد مشرکین در این غزوه بیشتر بود، زیان و تاوان زیادی متوجه آنان شد که در پایان این غزوه به نفع مسلمانان تمام شد. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام؛ تألیف: دکتر حسن ابراهیم حسن، ترجمه: ابوالقاسم پاینده.
۲. احد نام کوهی است، که در دو میلی سمت شمال مدینه واقع بوده و نام یکی از غزوات پیغمبر / به‌نام غزوه احد نیز می‌باشد که روز دوشنبه، شانزدهم شوال، سال سوم هجرت به‌وقوع پیوست و سببش این بود که قریش خواست؛ تا انتقام شکست سهمگین مشرکین را در بدر بگیرد. نگاه: سیرت نبوی (درس‌ها و اندرزها) مؤلف: دکتر مصطفی سباعی، مترجم: فضل الرحمن فاضل.

هرچند که ما احصائیه دقیق آن را نداریم که بعضی‌ها یک‌ونیم میلیون می‌گویند و بعضی دیگر بیش از یک‌ونیم، همه این شهیدان بیشتر در راه حق، در راه اظهار و اعلائی کلمه‌الله ایثار جان کردند و خون گرم خود را دادند؛ ولی همگی شان پیش خدا یک‌سان نیستند، باید انسان انصافاً هر که را به مرتبه خودش بشناسد، هر مرتبه‌ای از وجود حکمی دارد:

گر فرق مراتب نکنی زندقی

ما یک شهید را نامش را بسیار بالا ببریم؛ اما آن شهیدی که شهیدساز بوده و آن شهیدی که رهبر جهاد بوده و رهبری بوده که این انسان‌ها را توجیه کرده، به طرف جهاد و به طرف مقام عالی، از او هیچ نامی نبریم، این جفاست؛ البته این شکایت نیست، گلایه است، همین دوستانی که این جفا را بر رهبر شهید در زندگی‌اش کردند و باز هم بعد از مرگش این جفا را دارند می‌کنند؛ البته این کار مناسب به حال هیچ برادر مسلمانی که خود را بشناسد و عالم آخرت و عالم محاسبه، عالم مجازات را در یاد داشته باشد، نیست و چنین فیصله‌ای را که نمی‌کند.

به هر صورت بسیار خوشحال و خرسند شدم که امروز از نام این رهبر شهیدی که داعی دعوت‌گران و رهبر جهادگران بود، در این مجلس یادآوری می‌گردد و امیدوارم که از این بازماندگان سلاله پاک او که باید این کار را ادامه بدهند و به تشریح و به تفصیل آثار او بپردازند، این چنین به یادگار از او مدرسه‌ای ایجاد شود؛ چون استاد، چنان که استاد علم سیاست و علم روز هم بود، استاد علم شریعت؛ لذا باید در بخش علم شریعت مدرسه داشته باشند که همیشه قال الله و قال الرسول در آن ادامه داشته باشد و تا وقتی که نظام اسلامی در افغانستان و اسلام در افغانستان است؛ تا آن وقت، ثواب آن بر روح پاک این شهید رسیده و دوامدار برسد، البته از هیاهوی بیجا به او مفادی نیست؛ لکن اگر ما در حق او و یا دعا کنیم، از لقمه حلال اگر صدقاتی بکنیم، اگر از پول حلال

ما مدرسه‌ای را رشد بدهیم که قال الله و قال الرسول در آنجا باشد، روح از چنین کارهایی بیشتر مورد اعزاز و اکرام الله قرار می‌گیرد و نام او در عرصه اسلامی شهرت جهانی پیدا می‌کند.

دعا می‌کنیم؛

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَاهْلِ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّاتِهِ أَجْمَعِينَ، الهنا بحرمة حبیبک، أدخل أرواح الشهداء خصوصاً روح قائدنا فی أعلى الجنة، فی جنة الفردوس، اللهم أعززه وأكرمه وأكرم مثواه، اللهم أكرم مثواه، اللهم أكرم مثواه، اللهم ربنا ارض حبیبک و سائر أنبیائک وأولیائک و شهدائک منا، اللهم اغفرهم وارحمهم و تجاوز عن سيئاتهم، وارفع درجاتهم فی العلیین، اللَّهُمَّ اهْدِنَا فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنَا فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنَا فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا أَعْطَيْتَ، وَقِنَا بَعْزَتَكَ شَرِّمَا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ وَإِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يُعْزُزُ مَنْ عَادَيْتَ، تَبَارَكْتَ رَبَّنَا وَتَعَالَيْتَ نَسْتَغْفِرُكَ وَنَتُوبُ إِلَيْكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا قَضَيْتَ نَسْتَغْفِرُكَ وَنَتُوبُ إِلَيْكَ.

الهی؛ به رحمتت، همه شهدای ما را که در راه رضای تو شهید شدند، جایگاه‌شان را جنت الفردوس گردانیده و مقامات عالی را نصیب‌شان بگردان و جوانان ما و بازماندگان آنان را همت و شجاعت ایمانی و جهادی نصیب بفرما که این خاک عزیز و شهیدپرور را هیچ‌گاه با دشمنان خدا معامله نکنند.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدًا.

رویکردها

✽✽ قرآن كريم؛

◆ ابن حبان: محمد بن حبان؛

- صحيح ابن حبان؛

◆ ابن حزم؛

- الفصل في الملل والنحل؛

◆ ابن خلدون: عبدالرحمن ابن خلدون،

- مقدمه ابن خلدون؛

◆ ابن عساكر؛

- تاريخ دمشق؛

◆ ابن كثير: حافظ ابن كثير؛

- البداية والنهاية، تحقيق مكتب تحقيق التراث، دار إحياء التراث العربى،

بيروت ١٤١٣هـ ق؛

◆ أ ب ثيوبولد؛

- المهدية تاريخ السودان الإنجليزى المصرى، ترجمة محمد المصطفى

حسن عبد الكريم؛

◆ ابن ماجه: محمد بن يزيد بن ماجه؛

- سنن ابن ماجه؛

- ◆ احمدیاقی: اسماعیل احمدیاقی؛
- دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه: رسول جعفریان، سال نشر: ۱۳۹۱ هـ ش؛
- ◆ اشعری: علی بن اسماعیل اشعری؛
- مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین؛
- ◆ امام نووی؛
- منهاج الطالبین؛
- ◆ انصاری: خواجه بشیر احمد انصاری؛
- مذهب طالبان، چاپ اول، انتشارات سعید، سال: ۱۳۹۱ هـ ش؛
- ◆ آریانفر: دکتر شمس الحق آریانفر؛
- شخصیت‌های کلان افغانستان، سال چاپ، ۱۳۸۷ هـ ش، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ◆ البانی: محمد ناصر الدین الألبانی؛
- السلسلة الأحادیث الصحيحة، الناشر: مكتبة المعارف، سنة النشر، ۱۴۱۵ هـ ق؛
- ◆ البخاری: محمد بن اسماعیل بخاری؛
- صحیح البخاری، دار ابن کثیر: بیروت - لبنان، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۷ هـ ق؛
- ◆ ایگلتون، ت؛
- پیش درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر (۱۳۶۸). تهران، محسنی، م. ر. (۱۳۸۵). ژاک لکان، زبان و ناخودآگاه. پژوهش‌های زبان‌های خارجی؛
- ◆ آندره موروا؛
- آیزنهاور تاریخی از مهم‌ترین عملیات و رمزهای جنگ بین‌المللی دوم، ترجمه ابوذر صداقت؛
- ◆ بختیاری: سعید بختیاری؛
- اطلس جامع گیتاشناسی، چاپ: اول، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و

- کارتوگرافی گیتاشناسی، سال چاپ، ۱۳۹۳ هـ ش؛
- ♦ بدوی: عبدالرحمن بدوی؛ فلسفه انسان؛
- ♦ بلخی: مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی؛
- مثنوی معنوی، تعلیق و تحقیق حلیم تنویر، ۱۳۸۶ هـ ش، مطبعه صنعتی خالد، کابل؛
- ♦ بنا: امام شهید حسن‌البنّا؛
- پیام بیداری، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: نشر احسان، نوبت چاپ: اوّل، ۱۳۸۸ هـ ش، چاپخانه مهارت؛
- ♦ بیگدلی: علی بیگدلی؛
- تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از طالس تا مارکس، ج: ۱، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶ هـ ش؛
- ♦ بیهقی: احمد بن حسین بیهقی؛
- شعب‌الایمان، ناشر: دارالکتب العلمیه، محل نشر: بیروت، بی تا؛
- ♦ پولادی: کمال پولادی؛
- تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، از سقراط تا ماکیاولی؛
- ♦ ترابی: احمد ترابی؛
- زندگی سیاسی امام باقر؛
- ♦ الترمذی: محمد بن عیسی بن سوره الترمذی؛
- جامع الترمذی؛
- ♦ الجندی: انورالجندی؛
- امام شهید حسن‌البنّا راه دعوت و نوگرایی؛ مترجم: مصطفی اربابی ناشر: نشر احسان، نوبت چاپ: اوّل، سال چاپ: ۱۳۸۹ هـ ش،
- ♦ حسن: دکتر حسن ابراهیم حسن؛
- تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، نوبت چاپ: اوّل، زمستان ۱۳۸۵ هـ ش، چاپخانه: ماه منظر، محل چاپ تهران؛

- ◆ حق شناس: دکتر شیر احمد نصری حق شناس؛
- دسایس و جنایات روس در افغانستان، تهران: کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، سال چاپ، ۱۳۶۳هـ ش؛
- ◆ حیدری: عبدالله حیدری؛
- مختصر تاریخ مدینه منوره، نشر: مرکز تحقیقات مدینه منوره، بی تا؛
- ◆ الخالدی؛ دکتر صلاح عبدالفتاح الخالدی؛
- سید قطب از ولادت تا شهادت، مترجم: جلیل بهرام نیا، ناشر: نشر احسان، چاپ اول، ۱۳۸۸هـ ش؛
- ◆ خرم دل: دکتر مصطفی خرم دل؛
- تفسیر نور، ناشر: نشر احسان، نوبت چاپ: هفتم ۱۳۸۸هـ ش، چاپ خانه اسوه؛
- ◆ دایرةالمعارف بزرگ شوروی روسی؛
- ◆ دایرةالمعارف انقلاب اسلامی ویژه جوانان و نوجوانان، جلد اول؛
- ◆ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، سرواژه پشاور؛
- ◆ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی؛
- ◆ دایرةالمعارف القرن العشرين؛
- ◆ دهخدا: علی اکبر دهخدا؛
- امثال و حکم؛
- لغت نامه دهخدا؛
- ◆ ذوالفقاری: داریوش ذوالفقاری؛
- فصلنامه متن پژوهی ادبی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۹۱هـ ش؛
- ◆ الذهبی: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی؛
- سیر أعلام النبلاء، الطبع: دارالفکر: بیروت - لبنان، بی تا؛
- ◆ ربانی: شهید برهان الدین ربانی؛
- داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت بار، مستقبل هولاناک؛
- ۲۶ سرطان و سیمای زعامت داود خان؛

- استقلالیّت انقلاب، نوبت چاپ: دوّم، ۱۳۹۳هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: بهیر؛
- آموختنی‌هایی در مسیر انقلاب اسلامی، نوبت چاپ: چهارم، ۱۳۹۲هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: بهیر؛
- چه نوع مُبارزه، نوبت چاپ: سوّم، ۱۳۹۳هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: بهیر؛
- خط رهبر جلد اوّل، نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۱هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: مطبعه شیر؛
- خط رهبر جلد دوّم، نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۲هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: بهیر؛
- خط رهبر جلد سوّم، نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۳هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: مطبعه بهیر؛
- سکوت وحشتناک، نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۳هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: بهیر؛
- قیام توفنده در قلب کشور، نوبت چاپ: سوّم، ۱۳۹۰هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- محمّد / نخستین مربی و آموزگار بشریت، نوبت چاپ: دوّم، ۱۳۹۰هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: مطبعه شیر؛
- همگام خورشید (چند نبشته در مورد رهبر شهید) نوبت چاپ: نخست، ۱۳۹۱هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: مطبعه شیر؛
- ♦ رضا: محمّدرشید رضا؛
- تفسیر المنار، الطبعة الثانية، ۱۳۶۶هـ ق؛
- ♦ الرضی: شریف الرضی؛
- نهج البلاغه؛
- ♦ زریاب: عباس زریاب؛

- تاریخ ساسانیان؛
- ◆ سباعی: دکتور مصطفی سباعی؛
- سیرت نبوی، (درس‌ها و اندرزها)، مترجم: ف. فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، سال چاپ، ۱۳۹۱ هـ ش؛
- ◆ سجستانی: ابی داود سلیمان بن اشعث سجستانی؛
- سنن ابی داود، دارالکتاب العربی: بیروت - لبنان، بی تا؛
- ◆ سعید بن منصور؛ سنن سعید بن منصور، الناشر: دارالصمیمی، تاریخ النشر، ۱۴۱۴ هـ ق؛
- ◆ الشابی: ابی القاسم الشابی؛
- دیوان أغانی الحیاة؛
- ◆ شهرستانی: محمد بن عبدالکریم شهرستانی؛
- الملل و النحل؛
- ◆ شاهی: مظفر شاهی؛
- ساواک: سازمان اطلاعات و امنیت کشور، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶ هـ ش؛
- ◆ صلابی: دکتور علی محمد صلابی؛
- الدولة العثمانیة؛
- ◆ صفری فروشانی، نعمت‌الله؛
- کوفه از پیدایش تا عاشورا، جلد: ۱، ناشر: مشعر، تهران: ۱۳۹۱ هـ ش؛
- ◆ الطبرانی: سلیمان بن أحمد الطبرانی؛
- معجم الکبیر؛
- المعجم الأوسط؛
- ◆ عارض: غلام‌جیلانی عارض؛
- جغرافیای ولایات افغانستان؛ سال طبع: ۱۳۸۸ هـ ش؛
- ◆ عنایت: حمید عنایت؛

- سیری در اندیشهٔ سیاسی غرب از حملهٔ ناپلیون به مصر تا جنگ جهانی دوّم، ناشر: موسسهٔ انتشارات امیرکبیر، محل نشر: تهران، بی‌تا؛
♦ العباد: عبدالمحسن العباد؛
- شرح سنن أبی داود؛
♦ علی بابایی: غلامرضا علی بابایی؛
- فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوّم، زمستان، ۱۳۸۷هـ.ش، ناشر: انتشارات آشیان؛
♦ ظریفیان صنعتکار، بهنام؛
- دنیای مشاهیر، تهران: انتشارات فارابی، ۱۳۸۳هـ.ش؛
♦ فارسی: ابومهدی فارسی؛
- داستان شهادت حسین بن علی > و سخنی در بارهٔ ماه محرّم؛
♦ فاضل: فضل الرحمن فاضل؛
- سیّدجمال الدین الحسینی الأفغانی بیدار گر عصر، چاپ اوّل، ناشر: انتشارات آزادی، سال چاپ، ۲۰۰۷م؛
♦ فرهنگ: میر محمدصدیق فرهنگ؛
- افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اوّل و دوّم، به کوشش محمدابراهیم شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، بهار ۱۳۸۸هـ.ش؛
♦ قطب: سیّدقطب؛
- فی ظلال القرآن، مترجم: دکتر مصطفی خرم‌دل، ناشر: نشر احسان، تهران، ۱۳۸۶هـ.ش؛
♦ کامگار: دکتر جمیل الرحمن کامگار؛
- تاریخ معارف افغانستان، سال چاپ: ۱۳۸۷هـ.ش، ناشر: بنگاه انتشارات میوند؛
♦ کرمانی: ناظم الاسلام کرمانی؛
- تاریخ بیداری ایرانیان؛ چاپ اوّل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷هـ.

ش؛

◆ کلینی: شیخ ابوجعفر محمد کلینی؛

- اصول کافی؛

◆ الماوردی: علی بن محمد الماوردی؛

- الأحكام السلطانية، دارالتراث الإسلامی، بیروت - لبنان، بی تا؛

◆ مجلسی: محمد باقر مجلسی؛

- بحار الانوار؛

◆ محمد نجیب؛

- كنتُ رئيساً لمصر، الناشر: المكتبة المصرية الحديث، سنة النشر، ۱۹۸۴م؛

◆ المقدسی: مرعی بن یوسف المقدسی؛

- الفوائد الموضوعة فی الأحادیث الموضوعة؛

◆ النیشابوری: نظام الدین الحسن النیشابوری؛

- غرائب القرآن و رغائب الفرقان؛

◆ النیشابوری: مسلم بن الحجاج النیشابوری؛

- صحیح مسلم؛ دارالکتب علمیه، بیروت - لبنان، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲هـ

ق؛

◆ یعقوبی: احمد بن اسحاق یعقوبی؛

- تاریخ یعقوبی، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، چاپ نهم، ۱۳۸۲هـ ش،

ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، محل نشر: تهران؛

◆ پامیر، نشریه شهر کابل، شماره ۳۱۰ چهارشنبه ۱۳ سنبله ۱۳۸۷هـ ش؛

◆ هفته نامه مجاهد، ص: ۲-۷، دور ششم، سال ششم، شماره ۲۵، شنبه

۱۹ عقرب ۱۳۸۶هـ ش؛

◆ هفته نامه مجاهد، ص: ۳، دور ششم، سال هفتم، شماره ۲۸، ۳۰ قوس

۱۳۸۷هـ ش؛

◆ هفته نامه مجاهد، ص: ۳، شماره هفدهم، دور هفتم، سال پنجم، سال

۱۳۸۵هـ ش؛

◆ أعلام وشخصیات مصریة، منشوری از: الهيئة العامة للإستعلامات، ۱۴

جولای ۲۰۰۸م؛

u Grice, H.P. (1975), Logic and conversation, in P
cole & J. L. Margan (Eds.), syntax and semantics:
vol.3. Speech acts (pp. 41-48). New York: Academic
press. .

تارنماهایی انترنتی

- ◆ وبسایت اخوان اونلاین؛
- ◆ وبسایت دانشنامهٔ اسلام؛
- ◆ وبسایت فارسی بی بی سی؛
- ◆ وبسایت پوهنتون کابل؛
- ◆ وبسایت خاوران؛
- ◆ وبسایت خبرگزاری فارس؛
- ◆ وبسایت در رَئای بابۀ مزاری؛
- ◆ وبسایت رُحما؛
- ◆ وبسایت عقیده؛
- ◆ وبسایت کتابخانهٔ دیجتال نور؛
- ◆ وبسایت گنجور؛
- ◆ وبسایت وزارت اطلاعات و فرهنگ؛
- ◆ وبسایت افغانستان قلب آسیا؛
- ◆ متدیات تغارید؛
- ◆ الموقع الرسمي للمکتبة الشاملة؛

- ◆ والموسوعة الإخوان المسلمون؛
- ◆ وبسایت الجزيرة؛
- ◆ وبسایت مكتبة الشاملة؛
- ◆ وبسایت وزارت خارجه جمهوری اسلامی افغانستان؛
- ◆ وبسایت نورالإسلام؛
- ◆ وبسایت پیام آفتاب؛
- ◆ وبسایت پایگاه اطلاع رسانی اصلاح؛
- ◆ وبسایت همشهری آنلاین؛
- ◆ وبسایت والاسلاماء.